

**جزای عمومی و اختصاصی قانون قاچاق کالا و ارز**

**مصوب 10/11/1400**

**و شرحی بر رسیدگی به تخلف عدم ایفا ی تعهدات ارزی**

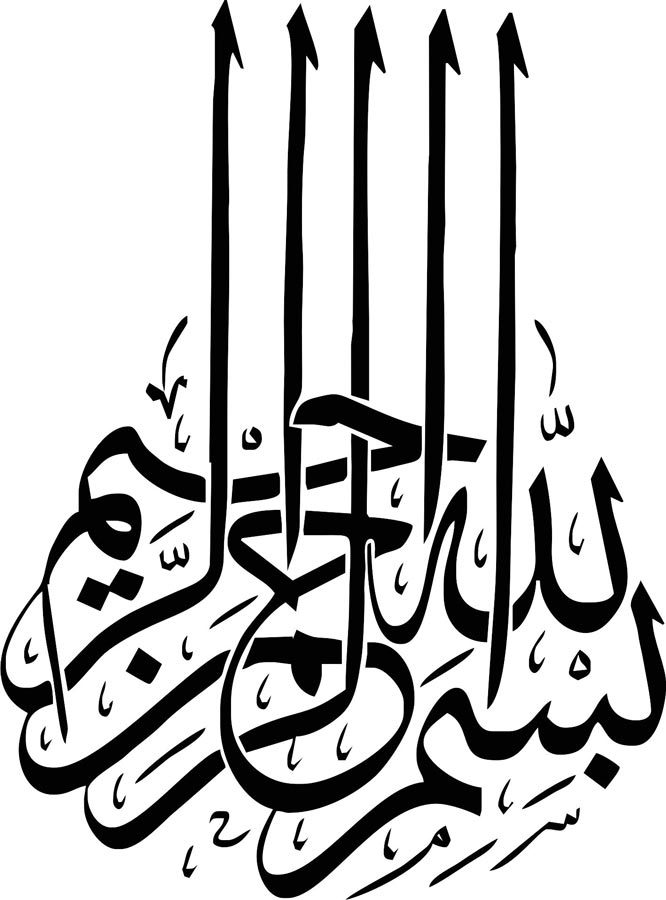
**دکتر نادر حیدری فرزین جوادی مقدم**

**معاونت حقوقی و نظارت قضایی رئیس شعبه­ بدوی ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز**

**تعزیرات حکومتی تهران تعزیرات حکومتی تهران**

با دیباچه­ی از

دکتر احمد جعفری نسب



# دیباچه

امروزه اقتصاد و مؤلفه های مربوط به ،آن عنصر ضروری برای بقاء بشریت و لازمه ادامهٔ زیستن در هر جامعه است؛ زیرا یکی از بنیانهای حاکمیت را بنا می نهد و پایه های آن را قوام میبخشد آثار و منافع آن را برای شهروندان به ارمغان می آورد. در این میان پاره ای اشخاص برای کسب منافع مادی از جمله کسب ثروت و قدرت اقتصادی - در معنای وسیع کلمه - نظام اقتصادی و در نهایت نظام سیاسی را با ارتکاب اعمال مجرمانه به خطر می اندازد. بزهکاری اقتصادی پدیده ای فراگیر است که جوامع بشری و نظامهای سیاسی با آن مواجه بوده، پدیده ای که به طور مستقیم و غیر مستقیم جنبه های کیفی زندگی شهروندان را نیز تحت الشعاع قرار میدهد رویارویی با این پدیده همواره دغدغه کارگزاران و متولیان سیاست گذاران جنایی کشورها بوده است؛ زیرا افزایش مظاهر بزهکاری اقتصادی امنیت نظام سیاسی و بقاء آن را نیز به مخاطره می اندازد. بدین سان، همۀ دولت ها بر آن هستند تا از گذر بزه انگاری و پاسخگذاری در حوزه اقتصاد و پاسخ دهی سنجیده به مرتکبان جرایم اقتصادی از تزلزل اقتدار و فروپاشی نظام سیاسی خود ممانعت به عمل آورند از این رو، ضرورت بررسی ماهیت و گونه های مختلف بزهکاری اقتصادی از جمله مظاهر فساد اداری - مالی و اتخاذ راهبردهای سنجیده در حوزه بزه انگاری و پاسخ گذاری کُنشی و واکنشی احساس میشود. نظام دادرسی یکی از طرق حصول عدالت در جوامع انسانی است. بنا به اهمیت موضوع دادرسی، جوامع مختلف شیوههای گوناگونی برای این منظور بکار گرفته اند در این میان، برخی کشورها عمدتاً کشورهای انگلوساکسون نظم قضایی واحدی برای همه دعاوی اعم از ،کیفری ،حقوقی ،اداری انتظامی و امثال آن پیش بینی کرده اند. در این نظام دادرسی همه نهادهای رسیدگی کننده از نظر شکلی - سازمانی در بدنه و ذیل قوه قضاییه تعریف شده و بصورت متمرکز رسیدگی به انواع دعاوی را انجام میدهند. شاخصه دیگر این نظام دادرسی رسیدگی به دعاوی نهادهای اداری و دیوانی است که در کنار دعاوی اشخاص حقیقی از نظم دادرسی واحدی تبعیت میکند در مقابل در برخی از کشورها با اتخاذ نظام دوگانه دادرسی در کنار مراجع قضایی، نهادهایی با عنوان مراجع شبه قضایی نیز برای رسیدگی به برخی از دعاوی پیش بینی کرده اند این نهادها اگر چه در ماهیت و محتوا دارای کارویژه ای قضایی بوده اما از نظر شکلی و سازمانی در ساختاری مجزا از قوه قضاییه و عمدتا در بدنه قوه مجریه تعریف می شوند به همین علت بر این نهادها عنوان مراجع شبه قضایی اطلاق شده است به عبارت دیگر، اگرچه این مراجع ماهیتا کارویژه ای مشابه با مراجع قضایی داشته، و در محتوا نهادی قضایی محسوب میشوند اما ساختار سازمانی این مراجع مانع از اطلاق عنوان قضایی صرف بر این مراجع است. کشورهای گروه اخیر در توجیه اتخاذ این شیوه دادرسی ادله ای چون تسریع در فرایند دادرسی و تخصص گرایی در امر رسیدگی را مطرح میکنند. با این توضیح که نهادهای شبه قضایی فارغ از آیین دادرسی معمول دادگاهها اقدام به رسیدگی کرده که این موضوع ضمن ممانعت از اطاله دادرسی یاری گر تسریع در حصول عدالت است. یر به علاوه بر این نگاه تخصصی این نهادها به موضوعات تضمینی در عدالت است. نظام فعلی دادرسی در جمهوری اسلامی ایران با پذیرش مراجع شبه قضایی، از نظام دادرسی دوگانه تبعیت میکند. با این شرح که در نظام دادرسی کشور ایران علی رغــم وجود محاکم دادگستری و صلاحیت عام آنها در رسیدگی به دعاوی (به استناد اصل ۱۵۹ قانون اساسی)، رسیدگی به برخی موضوعات در صلاحیت نهادهایی خارج از قــوه قضاییه قرار گرفته است. این نهادها در بعد سازمانی خارج از ساختار قوه قضاییه تعریف شده، لیکن در بعد کارویژه ای صلاحیتی با ماهیت قضایی را بر عهده دارند. از جمله این نهادها سازمان تعزیرات حکومتی است این سازمان در بعد ساختاری - سازمانی نهادی وابسته به قوه مجریه وزارت دادگستری بوده اما فعالیت شعب این سازمان در رسیدگی به تخلفات اقتصادی دارای ماهیتی قضایی است. ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی . تشخیص مصلحت نظام که میتوان آن را بنیادی ترین متن قانونی در تشریح حوزه صلاحیت و کارویژه سازمان تعزیرات حکومتی دانست صلاحیت رسیدگی و صدور رأی در مورد تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی را در صلاحیت قوه مجریه قرار داد و متعاقبا به موجب تصویب نامه در خصوص تعیین سازمان و تشکیلات تعزیرات حکومتی و نیز آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان نهاد ذی صلاح در دولت تعیین گردید همچنان که پیداست صلاحت مقرر برای این سازمان صلاحیتی با ماهیت قضایی است اما این نهاد در ساختار سازمانی قوه مجریه و در ذیل وزارت دادگستری تعریف شده است بر این مبنا این نهاد در عداد مراجع شبه قضایی در نظم حقوقی ایران محسوب میشود.

بنا بر فلسفه تشکیل و صلاحیتهای مقرر برای سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یک مرجع شبه قضایی از یک سو این نهاد باید در جهت تسریع در امر رسیدگی ممانعت از اطاله دادرسی و تخصص گرایی از همه ظرفیتهای موجود استفاده نماید و از دیگر سو، دولت نیز در جهت تقویت این سازمان حمایتهای قانونی لازم را تقریر نماید. به عنوان نمونه به یقین اشخاص و نهادهایی که امری با ماهیت قضایی را بر عهده دارند در صورتی میتوانند این مهم را به شایستگی انجام دهند که از تمهیداتی چون قانون ،مداری استقلال و بی طرفی برخوردار باشند. توسعه مفاهیم کیفرزدایی و قضازدایی نیز در دهه های اخیر بستر مناسبی را برای توسعه نهادهای شبه قضایی با رویکرد کیفری فراهم نموده .است. سازمان تعزیرات حکومتی با عمری بیش از دو دهه به عنوان یکی از تجارب عمده در چارچوب قضازدایی قابل طرح و بررسی است نهادی که در عین برخورداری از مزیت ها انتقاداتی نیز به آن وارد است. دادرسی در شعب تعزیرات حکومتی از ویژگیهای خاصی برخوردار است که از جمله تمایز آن از دادرسیهای کیفری قضایی از یکسو و تمایز آن از دادرسی دیگر نهادهای شبه قضایی از دیگر سو است به نحوی که دادرسی های شعب تعزیرات حکومتی را دارای ویژگی منحصر به فردی مینماید که میتوان آن را برزخ بین دادرسیهای کیفری و اداری دانست. در کتاب پیش رو اثری است که توسط آقای فرزین جوادی مقدم رئیس شعبه بدوی قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی تهران بر اساس داشته های علمی و تجربیات ایشان در زمینه دادرسی در شعب تعزیرات حكو کومتی به نگارش آمده است، اثری که سعی در تبیین قوانین و مقررات دادرسی در تعزیرات حکومتی با رویکردی به استانداردهای دادرسی منصفانه دارد بیشک مطالعه اثر پیش رو در گسترش دانش حقوقی و تواناییهای مهارتی دانش آموختگان و دانشجویان حقوق قضات، رؤسای شعب تعزیرات حکومتی و وکلا مؤثر است و از این رو مطالعه این اثر که منطبق با آخرین تحولات قانونی در این حوزه میباشد مورد توصیه قرار می­گیرد.

دکتر احمد جعفری نسب

مدیرکل محترم تعزیرات حکومتی تهران

**پیشگفتار**

سازمان تعزیرات حکومتی نهادی دو وجهی ( اداری – شب قضایی ) است و ماموریتی چند جانبه دارد. با توجه به ویژه بودن ساختار و کارکرد این سازمان، لازم است که هویت و جایگاه آن به درستی شناخته و معرفی شود. به همین جهت ، باید از رهیافت های یک جانبه دوری گزید. کارکرد این سازمان را نه می توان در حد اقدامات مربوط به پلیس اداری پایین آورد و نه آن را به عنوانی نهادی کاملاً سرکوب گر معرفی نمود. درنتیجه ، می بایست با انتخاب رویکردی همه جانبه، ظرفیت های کارکردی این سازمان را شناخت، راهبردهای کلان برای آینده کاری آن تدوین کرد؛ و صلاحیت ها و ماًموریت های آن را با در نظر گرفتن تحولات اقتصادی و ضرورت حمایت از حقوق مصرف کنندگان و کنشگران اقتصادی پویاتر ساخت.

از لحاظ تاریخی، سازمان تعزیرات حکومتی خاستگاه هویتی خود را در نهاد حسبه پیدا می کند. از دیدگاه امروزی، این سازمان یک نهاد تنظیم گر است و در ردیف نهادهای مختلفی که در کشورهای مختلف بدین منظور پیش بینی شده اند قرار می گیرد.

تنظیم گری یا انضباط بخشی را می توان؛تلاش پایدار و مستمر دولت، بخش خصوصی و یا نهادهای مختلط دولتی – خصوصی برای سازگار نمودن رفتارهای کنشگران حوزه های اقتصادی با استانداردهای تعریف شده، پیشگیری و بازدارندگی از تخلف نسبت به این استاندارها دانست.

از زمان پیدایش طرح تعزیرات حکومتی و سپس تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی قوانین و مقررات متعددی در خصوص نحوه رسیدگی، صدور و اجرای احکام شعب تعزیرات حکومتی وضع گردیده است که بعضاً شعب رسیدگی کننده برای استناد به آن ها با تردید و ابهام روبرو می شوند. لیکن وجود موارد نقص و ابهام و اجمال در قوانین امری طبیعی است. قانون گذار هر چقدر هم دقیق و نکته سنج باشد ، بازهم امکان دارد در وضع قوانین و مقرات چنین چنین مواردی داشته باشد. قوانین مورد اعمال سازمان تعزیرات حکومتی نیز از این موضوع مبرا نبوده و چه بسا به علت فراز و فرودهای سازمان در حیطه صلاحیت ها، تنوع و پراکندگی قوانین و .... چنین مواردی بیشتر به چشم می خورد. لذا با با توجه به موارد نقص، ابهام و اجمال در قوانین و مقررات حاکم بر سازمان، سوالاتی در زمان اجراء و عمل به قانون به وجود می آید. در این راستا بنده با توجه به بررسی وضعیت موجود و همفکری با صاحبان نظر در این حوزه در خصوص سوالات مطروحه و موارد پیش آمده، با اهتمام بر متن و روح قانون، سعی در رفع ابهامات مراجع رسیدگی کننده و اجرای احکام می نمایند.

در فرآیند رسیدگی از جمله در رسیدگی های تعزیرات حکومتی تفسیر قانون در زمینه برقراری عدالت و افزایش سرعت و دقت نقش اساسی ایفاء می کند زیرا، تفسیر قانون که اسباب شناسایی رویکردهای قانون گذار در چگونگی سیاست گذاری حقوقی را فراهم می آورد ، دارای کارکردهای برجسته ای است که زدودن ابهام ها و روشن و هموار ساختن مسیر حقوقی و شناخت چارچوب هنجارهای قانونی از مهم ترین آن هاست. در عرصه رسیدگی به دعواهای حقوقی و کیفری مانند آن چه که در رسیدگی های تعزیرات حکومتی رخ می دهد، تفسیر قانون که نوع اجراء آن را نیز ایجاد می کند به برداشت مقام رسیدگی کننده وابسته است.

مقام رسیدگی کننده است که با در نظر گرفتن اصول و موازین حقوقی فراگیر در راستای اجراء درست و اثر بخش قوانین که به هر رو تصمیم گیری عادلانه به تفسیر قانون مبادرت می ورزد به این ترتیب ، تفسیر شایسته قانون از سوی مقام رسیدگی کننده به گشایش حقوقی می انجامد.

این اثر نیز مانند دیگر آثار بشری مصون از ایراد و اشکال نیست، نگارنده از خوانندگانی که نقدی بر مطالب کتاب داشته باشند پیشاپیش قدر دانی خود را اعلام نموده و آماده پذیرش آن در جهت اعمال در چاپ های بعدی کتاب است. در این راستا عزیران می توانند مطالب خود را به رایانه اعلامی ارسال نمایند

**فرزین جوادی مقدم**

**رئیس شعبه­ بدوی ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز**

**تعزیرات حکومتی تهران**

JAVADI8827@YAHOO.COM

# بخش اول: مباحث مقدماتی

مباحث مقدماتی راجع به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در هشت گفتار بیان خواهد شد. تفصیل برخی از این مباحث در لابهلای متون اصلی جزوه حاضر خواهد آمد .

گفتار اول: سیاست تقنینی افتراقی در قاچاق کالا و ارز

سیاست کیفری قانونگذار در جمهوری اسلامی ایران **در بحث قاچاق** یک سیاست کاملاً افتراقی و سختگیرانه است. این برخورد تشدیدی قبل از انقلاب نیز مشهود بوده و بعد از انقلاب هم ادامه داشته است .بهعنوانمثال، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز در سال 1374 توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد که منجر به تشدید این سیاست افتراقی شد. در سال 1392 نیز این سیاست سختگیرانه افزایشیافته و در نهایت در سال 1400 جلوههای افتراقی گسترش پیدا کرد. این سختگیریهای قانونگذار که بهمنظور مبارزه با قاچاق کالا و ارز صورتگرفته، عالمانه و عامدانه بوده و نمیتوان به آن اشکالاتی از قبیل عدم رعایت حقوق متهمین، اصول عدالت کیفری و اصل تساوی را گرفت.

در ادامه مواردی از این سیاست افتراقی بیان خواهد شد .

1-اعطای اختیارات گسترده به ضابطان و کاشفین مبارزه با قاچاق کالا و ارز

بهعنوان نمونه در بحث رسیدگی اختیارات خاص به ضابطان و کاشفین داده است؛ بهعنوانمثال اگر ارزش کالا تا پنج میلیون تومان باشد، خود ضابط شأن قضایی دارد و بهجای قاضی کالا را کشف، اسناد را بررسی و ضبط قطعی میکند و فرد را یک جریمه میکند. )همانند جرائم راهنماییورانندگی( در این موارد همانند جرائم و تخلفات راهنماییورانندگی برخورده شده است. این اختیار وسیع اگرچه خارج از اصول دادرسی عادلانه است؛ لیکن مقتضای برخورد ویژه در قاچاق کالا و ارز است.

2-الزام قاضی مربوط به صدور نوع خاصی از قرار تأمین

طبق قانون آیین دادرسی کیفری قاضی بر اساس ماده 217ق.آد. ک اختیار در تعیین نوع قرار تأمین مطابق مقررات این قانون را دارد؛ لیکن در بزه قاچاق کالا و ارز در تعیین نوع قرار، اختیارات قاضی محدود به تبصره 2 ماده 41 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز میشود که در آن قاضی ملزم به صدور قرار وثیقه شده است .مطابق مستند مذکور، «در مورد سایر جرائم مقرر بهاستثنای ماده )21( این قانون ،درصورتیکه بیم اختفای ادله، فرار متهم یا تبانی باشد و همچنین در پروندههایی با ارزش کالای قاچاق مکشوفه بالای یکصد میلیون ریال، صدور قرار وثیقه متناسب با مجازات مقرر الزامی است».

3-شناسایی اموال متهم، توقیف آن همزمان با رسیدگی

مطابق ماده 48ق.مبارزه با قاچاق کالا و ارز قاضی مکلف است علیرغم صدور قرار تأمین وثیقه همزمان با رسیدگی در همان ابتدا اموال متهم را شناسایی کرده و در حدود جزای نقدی احتمالی توقیف نماید. در جرائم دیگر هدف از صدور قرار تأمین اخذ تضمین جهت حضور بزهدیده در مراجع دادرسی در مواقع لزوم است؛ مثلاً کفیل یا وثیقهگذار جسم و تن متهم را حاضر نماید و با حضور وی وظایف وی به پایان رسیده و میتواند کفالت را ابطال نماید؛ لیکن در قانون قاچاق کالا و ارز وثیقهگذار دو کارکرد دارد؛

**1-احضار متهم در مواقع لزوم در مراجع دادرسی.**

**2-تأمین جریمه.**

طبق همین نگاه افتراقی و سختگیرانه، قانونگذار اعلام داشته است زمانی که قرار وثیقه صادر شد در این نوع قرار تأمین، علاوه بر حاضرکردن متهم توسط مکفول )ضامن(، حقوق مالی دولت )جریمه نقدی( نیز تضمین میشود؛ به این معنا که در مراحل دادرسی یا حتی بعد از صدور رأی قطعی و در مرحله اجرای حکم، چنانچه وثیقهگذار، فرد محکوم را معرفی نماید، قاضی حق رفع اثرکردن از وثیقه و حبس محکوم¬علیه را طبق قانون آیین دادرسی کیفری نداشته و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز چنین حقی را به قاضی نمیدهد. یعنی حین صدور قرار قبولی وثیقه، باید به وثیقهگذار تفهیم شود که این قرار با ماده 217 قانون آیین دادرسی کیفری تفاوت دارد؛ به این صورت که این قرار شامل دو نوع تأمین است: 1( تأمین حضور متهم 2( تحمیل وصول جریمه نقدی به وثیقهگذار؛ لذا در ماده 60 قانون مبارزه با قاچاق کالاو ارز تصریح می¬کند: «اگر ظرف مدت 20 روز از تاریخ ابلاغ حکم، جریمه نقدی پرداخت نشود ،میتوان از وثیقه تودیعی جریمه را وصول کرد». در نتیجه، او لا این موضوع الزاماً باید به وثیقهگذار تفهم شود و ثانی ااً اگر قاضی این مهم را به وثیقهگذار تفهیم نکرد، مرتکبً تخلف انتظامی شده است.

4-استثناء کردن بازرسی خودروهای مظنون به حمل کالای قاچاق از لزوم اخذ اذن موردی موضوع ماده55 ق.آ.دک

در قانون اصلاح مجدداً قانونگذار به سراغ نگاه افتراقی به قاچاق کالا و ارز از ضوابط عام آیین دادرسی کیفری رفته است .بهعنوان نمونه استثناء کردن بازرسی خودروهای مظنون به حمل کالای قاچاق از لزوم اخذ اذن موردی مقام قضایی موضوع ماده 55 قانون آ.د.ک بوده است. در این ماده میخوانیم: ورود به منازل افراد و تفتیش اشخاص» اما در ماده در ماده 42 مکرر قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب1400 آمده است: «متوقف نمودن و بازرسی وسایل نقلیهای که ظن قوی به حمل کالا یا ارز قاچاق یا ارتکاب قاچاق کالا یا ارز در مورد آنها وجود دارد، از سوی ضابطین نیاز به اذن موردی مقام رسیدگیکننده ندارد». در نتیجه در قانون آیین دادرسی کیفری جواز تفتیش فقط در جرائم مشهود است، اما در ماده 42 مکرر چنین اذنی لازم نیست.

گفتار دوم: دو وجهی بودن قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز هم یک قانون شکلی و هم یک قانون ماهوی است. این امر نیز یکی از مصادیق سیاست افتراقی در مباحث قاچاق است .

گفتار سوم: جعل اصل در صلاحیت

بنای قانونگذار در صلاحیت رسیدگی به جرائم و تخلفات موضوع این قانون بر صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. اصل بر صلاحیت این سازمان بوده و در موارد تردید در صلاحیت دادگاه انقلاب به اصل یعنی اصل صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی مراجعه میشود. در آخرین اصلاحیه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز به این امر اشاره شده و همچنان معتبر و پابرجا است.

دادگاههای انقلاب از سنخ دادگاههای اختصاصی بوده و مگر در موارد مصرح قانونی صلاحیت رسیدگی ندارند. به همین دلیل در موارد اختلاف بین صلاحیت دادگاه انقلاب و دادگاههای عمومی رأی به نفع دادگاههای عمومی داده میشود؛ بهعبارتدیگر در موارد تشکیک در صلاحیت دادگاه انقلاب بهقدر متیقن اکتفا شده و به نفع دادگاه عمومی رأی بر صلاحیت صادر میشود؛ رأیهای وحدت رویه 758و 751 و 809 نیز از این باب صادر شده است؛ لکن در قانون قاچاق کالا و ارز با همان دید افتراقی هرگاه به همراه قاچاق کالا و ارز جعل، ارتشاء، تمرد مسلحانه و اعمالنفوذ بر خلاف حق و حقیقت باشد، هم قاچاق و هم جرائم همراه با آن را در صلاحیت دادگاه انقلاب میداند. این امر خلاف مقررات مسلم قانون آیین دادرسی کیفری در مواد 310 الی 314 قانون آ.د.ک است.

گفتار چها رم: عنصر قانونی در جرائم و تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز:

تخلفات قاچاق کالا و ارز دارای ماهیتی مجرمانه هستند. زیرا آثار احکام و قواعد جرایم قانون مذکور بر تخلفات معنونه نیز تسری دارد. مانند اخذ تأمین کیفری حین رسیدگی )اخذ وثیقه و حتی قرار بازداشت موقت( و دستور توقیف اموال و تعطیل موقت اماکن نگهداری کالا و ارز قاچاق و موارد ازاین­قبیل.

نظر به اینکه تخلفات قاچاق کالا و ارز ماهیتاً جرم هستند، تخلفات یادشده نیز بهمانند جرایم، دارای ارکان سه گانه قانونی، مادی و معنوی بوده و ما بر آنیم که این عناصر را به صورت اجمالی و کوتاه مورد بررسی قرار دهیم.

امروزه رسیدگی به جرایم و اعمال انواع مجازاتها به خلاف گذشته است؛ لذا هر رفتاری را نمیتوان مجازات کرد و شرط اعمال مجازات بر رفتار مرتکبان، آن است که قانونگذار قبلاً آن رفتار را جرمانگاری نموده باشد .

این موضوع، یکی از مهمترین عناصر یا ارکان جرائم را تشکیل میدهد که اصطلاح ا به آن رکن قانونی یا عنصر قانونی جرم میگوییم؛ لذا وجود عنصر قانونی جرم در کنار عنصر مادی و عنصرً معنوی برای مجازات نمودن اشخاص امری لازم و ضروری است. عنصر قانونی جرم بر مبنای «قاعده قبح عقاب بلا بیان» است که بر اساس آن، هیچکس را نمیتوان به جهت ارتکاب رفتاری مجازات کرد، مگر اینکه آن رفتار قبلاً ممنوع و برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد؛ لذا اصل قانونیبودن جرم )بزه( و مجازات در شعب ویژه قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی نیز رعایت میگردد.

گفتار پنجم: وجوه افتراق جرم و تخلف:

جرم مطابق ماده 2 قانون مجازات اسلامی، تعریف شده است. لیکن تخلف در قوانین عام، تعریف دقیق، مشخص و معینی نداشته و بخصوص این مهم در قوانین تحت صلاحیت تعزیرات حکومتی مغفول مانده است .یکی از مهمترین آثار وجوه افتراق بین تخلف و جرم، تعیین مرجع رسیدگی به عناوین قانونی است .اصولاً، جرم در مراجع قضایی و تخلف در مراجع شبه قضایی مورد رسیدگی قرار میگیرد. هرچند عناوین تخلفاتی مندرج در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ماهیت جرم دارند. لیکن به جهت تفکیک وظایف و اختیارات قوای قضاییه و مجریه و نیز تصریح به تفکیک مذکور این دو در قانون اساسی، قانونگذار عناوین قانونی تعزیرات حکومتی را تخلف نامیده است.

گفتار ششم: استنادات مراجع رسیدگیکننده

از بین عناصر قانونی مورد رسیدگی در تعزیرات حکومتی، در مرحله اول، قانون و سپس مقررات اعم از آییننامه، تصویبنامه، آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، دستورالعمل و بخشنامه سازمانی مورد استناد شعب رسیدگیکننده قرار میگیرد. درهرحال مقررات یادشده باید موافق قوانین موضوعه بوده و مغایرتی با آن نداشته باشد. از جمله این مقررات، ضوابط اجرایی مصوب ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز میباشد که در اجرای تبصره 4 ماده 18 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصویب گردیده و به مراجع ذیصلاح جهت اجرا، ابلاغ میگردد.

گفتار هشتم: تا ریخچه تدوین و تنقیح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

اولین قانون مدون در ارتباط با قاچاق کالا تحت عنوان «قانون مجازات مرتکبین قاچاق» در سال 1307 به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسید. متعاقباً در سال 1312 قانون مستقل دیگری به همین نام «قانون مجازات مرتکبین قاچاق» به تصویب رسیده و در ماده 50 آن، قانون سال 1307 نسخ گردید.

قانون مجازات مرتکبین قاچاق در سال 1352 اصلاح شد و تا سال 1392 قریب به 85 سال اجرا شده است.

قانون اصلی دیگر در مبحث قانون «قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز» در سال 1374 توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است. این قانون «قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب 1312» را نسخ نکرد )مگر در چند ماده( و فقط در بحث رسیدگیها سازمان تعزیرات حکومتی را به عرصه قاچاق افزود .

در سال 1392 قانون به نسبت جامع و کامل «مبارزه با قاچاق کالا و ارز» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون صریحاً «قانون مجازات مرتکبین با قاچاق کالا و ارز مصوب 1312» و «قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب 1374» را نسخ کرد.

با عنایت به لزوم تدوین قانون جامع بهمنظور مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون اخیرالذکر در سال 1388 در دولت کلید خورد و در سالهای 1394 و 1400 موادی از آن اصلاح و الحاق گردیده و اصلاحیه اخیر از تاریخ 10/2/1401 لازمالاجرا شده است. قانون اخیرالذکر به نسبت قوانین سابق، جامع و کامل بوده و نواقص و ابهامات بسیاری را برطرف کرده است.

مهمترین مزایای قانون اخیر تصویب فصل کاملاً جدید با تصویب تبصره 4 ماده 18 بنام کالای موضوع قاچاق به قانون افزوده شد. با این فصل برخی کالاها نیز که بههیچعنوان ذیل تعریف قاچاق قرار ندارند، حکم قاچاق را گرفتند .

# بخش دوم: مباحث ماهوی قانون قاچاق کالا و ارز

مباحث ماهوی قاچاق کالا و ارز در سه فصل تعریف قاچاق و سیر تحولی تاریخی تعریف قاچاق )فصل اول( ،تعریف کالا، انواع و روش ارزشگزاری آن در قانون مبارزه با قاچاق )در فصل دوم(، و فصل سوم با

عنوان تعامل بین قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با سایر قوانین کیفری عام و خاص تنظیم شده است .

## فصل اول: تعریف قاچاق

بند «الف» ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز چنین بیان میدارد: «هر فعل یا ترک فعلی است که موجبنقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر. از کشور و حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود».

قیود تعریف

قیدهایی در بند «الف» از ماده یک وجود دارد که لازم به توضیح است:

### 1-تشریفات قانونی:

بند «ت» ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تشریفات قانونی را چنین تعریف کرده است: «اقداماتی از قبیل تشریفات گمرکی و بانکی، اخذ مجوزهای لازم و ارائه به مراجع ذیربط است که اشخاص موظفاند طبق قوانین و مقررات بهمنظور وارد یا خارجکردن کالا یا ارز، انجام دهند».

### چند نکته راجع به تش ریفات قانونی (بند «ت» ماده یک):

1. تمثیلی بودن موارد تشریفاتی در بند «ت»: دربند «ت» مذکور، قید «از قبیل» آمده که از باب تمثیل است و ممکن است باز هم مصادیقی داشته باشد.
2. تشریفات گمرکی: منظور از تشریفات گمرکی طبق بند «چ» ماده یک قانون امور گمرکی: «کلیه عملیاتی است که در اجرای مقررات گمرکی انجام میشود» یعنی، این تشریفات بهتبع درخواستی است که به گمرک داده میشود و در گمرک انجام میشود. مثل اظهار کالا و پرداخت حقوق گمرکی.

نکته: تشریفات قانونی با تشریفات گمرکی تفاوت دارد. این دو عبارت بهصورت عام و خاص مطلق است ،به این صورت که تشریفات قانونی اعم از تشریفات گمرکی است؛ یعنی همه تشریفات گمرکی قانونی است؛ اما برخی از تشریفات قانونی، گمرکی نیست.

همچنین خیلی از مصادیق قاچاق، در ماده 113 قانون امور گمرکی ذکر شده است: «موارد زیر قاچاق گمرکى محسوب مىشود:

الف- کالایى که از مسیر غیرمجاز یا بدون انجام تشریفات گمرکى به قلمرو گمرکى وارد یا از آن خارج گردد. همچنین کالاهایى که بدون انجام تشریفات گمرکى یا از مسیرهاى غیرمجاز وارد کشور شود و در داخل کشور کشف گردد.

تبصره- منظور از مسیر غیرمجاز، مسیرهایى غیر از موارد مندرج در تبصره) 1( ماده) 103( این قانون است.

1. خارجنکردن وسایل نقلیه و یا کالاى ورود موقت، ورود موقت براى پردازش، عبور خارجى و مرجوعى ظرف مهلت مقرر از قلمرو گمرکى و عدم تحویل کالاى عبور داخلى شخصى ظرف مهلت مقرر جز در مواردى که عدم خروج یا عدم تحویل به گمرک و یا ترخیص قطعى، عمدى نباشد.

تبصره- ارائه اسناد خلاف واقع که دلالت بر خروج وسایل نقلیه و کالا از قلمرو گمرکى و یا تحویل آنها بهگمرک داشته باشند نیز مشمول مقررات این بند است.

پ- بیرون بردن کالاى تجارى از اماکن گمرکى بدون اظهار یا بدون پرداخت یا تأمین حقوق ورودى، خواهعمل در حین خروج از اماکن گمرکى یا بعد از خروج کشف شود. هرگاه خارج کننده غیر از صاحب کالا یانماینده قانونى او باشد گمرک عین کالا و در صورت نبودن کالا بهاى آن را از مرتکب مىگیرد و پس از دریافت وجوه گمرکى مقرر، به صاحب کالا مسترد مىدارد و مرتکب طبق مقررات کیفرى تعقیب مىشود.

1. کالاى عبور خارجى که تعویض و یا قسمتى از آن برداشته شود.
2. کالایى که ورود یا صدور آن ممنوع است تحت عنوان کالاى مجاز یا مجاز مشروط و با نام دیگر اظهار شود. کالاى عبورى مشمول تبصره) 2( ماده) 108( این قانون مىشود.
3. وجود کالاى اضافى همراه کالاى اظهارشده که در اسناد تسلیمى به گمرک ذکرى از آن نشده است ،مشروط بر اینکه کالاى اضافى از نوع کالاى اظهار شده نباشد. کالاى اضافى موضوع ماده) 54( این قانون از شمول این بند مستثنى است.

چ- وسایل نقلیه و کالایى که صدور قطعى آن ممنوع یا مشروط است و بهعنوان خروج موقت یا کران بری )کابوتاژ( اظهار شده باشد و ظرف مهلت مقرر به قلمرو گمرکى وارد نگردد. موارد قوه قهریه )فورس ماژور( و مواردى که عدم ورود کالا عمدى نیست از این حکم مستثنى است.

1. کالاى مجاز یا مجاز مشروطى که تحت عنوان کالاى مجاز یا مجاز مشروط دیگرى که جمع حقوق ورودى آن کمتر است با نام دیگر و با استفاده از اسناد خلاف واقع اظهار شود، کالاى عبورى مشمول تبصره )1( ماده) 108( این قانون است. منظور از اسناد خلاف واقع اسنادى است که در آن خصوصیات کالایى ذکر شده باشد که با جنس و خصوصیات کالاى اظهار شده تطبیق ننماید و یا جعلى باشد.
2. کالا با استفاده از شمول معافیت با تسلیم اظهارنامه خلاف یا اسناد غیرواقعى و یا با ارائه مجوزهاى جعلى به گمرک اظهار شود.
3. کالاى جایگزین شده ممنوعالصدور یا مشروط یا داراى ارزش کمترى که با کالاى صادراتى که براى آن پروانه صادر گردیده است تعویض شود.
4. کالاى مورد معافیتى که بدون رعایت مقررات ماده) 120( این قانون به دیگرى منتقل شود».

ت.تشریفات بانکی:

منظور از «تشریفات بانکی» که در تعریف تشریفات قانونی آمده است، اینکه یعنی باید مشخص شود محل تأمین ارز حاصل از کالا از کجا بوده است تا بانک مرکزی مجوز لازم برای ترخیص کالا را صادر کند. به عبارتی تشریفات مندرج در قوانین و مقررات موضوعه برای ورود یا خروج ارز است. به طور مثال آیا منشأ ارز، ارز 4200 تومانی بوده یا اینکه ارز نیمایی یا اینکه ارز برای خود شخص بوده یا ارز حاصل از صادرات است؛ لذا تمامی این موارد در بانک مرکزی بررسی و مشخص میشود، سپس مجوز لازم را صادر میکند.

رعایت تشریفات بانکی به جهت جلوگیری از تورم، پولشویی و سایر اهداف اقتصادی است.

ث.اخذ مجوزها

برخی از کالاها علاوه بر مجوز خاص گمرکی و بانک مرکزی، نیازمند اخذ یک مجوز خاص از یک وزارتخانهیا سازمان خاص است؛ مثلاً برای واردات این مجوز از طرف جهاد کشاورزی بوده، یا برای وزارت صنعتیا سازمان استاندارد و یا وزارت بهداشت و یا غیره. یا اینکه برای واردات دارو و یا کود شیمایی به ترتیبنیازمند اخذ مجوز از سازمان غذا و دارو و یا جهاد کشاورزی میباشد.

خلاصه: با نقض هر یک از تشریفات فوق جرم قاچاق محقق می¬شود و لازم نیست همه با هم یکجا نقض شود. زمانی که ضابط یا کاشف در پروندهای اعلامجرم قاچاق میکند، قاضی محکمه باید در مواجهه با اعلامجرم، این نکته را به ضابط یا کاشف متذکر شود کدام یک از تشریفات سهگانه ذکر شده، نقض شده است )نقض تشریفات گمرکی، بانکی و یا اخذ مجوز( و توضیحات لازم دررابطهبا تشریفات گمرکی یا مجوزهای لازم که نقض شده را اعلام کند یا اینکه باید از او خواست به چه استنادی قرار بوده شخص، مجوز استاندارد را بگیرد؟

بعد از تعریف و مشخص شدن رکن قانونی قاچاق، باید به سراغ رکن مادی رفت. یعنی تشریفات قانونی توسط چه کسی نقض شده است؟

قبل از ورود به بحث، لازم است این نکته را متذکر شویم که جرم دارای سه رکن قانونی، مادی و معنوی است. در عنصر مادی یعنی آن رفتار بزه انگاری شده توسط قانونگذار «عنصر قانونی»، باید توسط شخصی که بهعنوان متهم موردنظر است نقض شده باشد. در واقع نقض تشریفات صورتگرفته باشد؛ لذا در بحث قاچاق کالا و ارز، شخص باید نقض تشریفات انجام داده باشد که این نقض تشریفات در عنصر مادی است.

نکته: همانند مانند جرم، هر تخلفی الزاماً دارای یک عنصر مادی است؛ لذا تحقق بزه موکول به رفتار و اراده مرتکب آن است. تا وقتی مظهر خارجی اراده به صورتهایی مانند فعل یا ترک فعل تحققنیافته جرم واقع نمیشود؛ زیرا قصد و نیت سوء مجرمانه تا وقتی انسان برای واقعیت بخشیدن به آن اقدامی نکرده، خطری برای نظم اجتماعی در پی ندارد؛ بنابراین صرف داشتن عقیده، اندیشه و قصد ارتکاب بزه بدون انجام هیچگونه عمل مادی قابلتعقیب و مجازات نمیباشد؛ زیرا اصولاً موارد مزبور بهتنهایی قابل احراز نیستند.

نکته: عنصر مادی بزه یا بهعبارتدیگر رفتار مجرمانه بهصورت های مختلف ممکن است متعلق حکم جزایی قرار گیرد. گاه قانونگذار افراد را از فعل خاصی منع میکند، در این صورت ارتکاب این فعل، تخطی از نواهی قانونگذار و جرم به شمار میرود. گاه افراد از سوی قانونگذار به انجامدادن فعلی تکلیف شدهاند. این بار ترک این فعل، نقض اوامر قانونگذار و جرم محسوب میشود. مانند تخطی از ضوابط تبصره 4 ماده 18 قانون

)نگهداری یا فروش یا حمل کالایی که مشخصات آن در سامانه مربوطه ثبت نشده است.(

اما در برخی موارد ممکن است مسئولیت کیفری بدون رفتار فیزیکی محقق شود. در اینجا باید این نکته بررسی شود آیا شخص، ناقض تشریفات قانونی بوده است یا خیر؟ تا قبل از اصلاحیه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال 1400، رفتار فیزیکی ملاک بود .یعنی آیا رفتار فیزیکی فرد، ناقض تشریفات قانونی بوده است یا خیر؟

اما بعد از اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال 1400، درصورتیکه فرد نقض تشریفات فیزیکی نکرده است، اما سود حاصل در جیب شخص میرود نیز، به اتهام وی تحت عنوان مباشر بزه، طبق تبصره 3ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[1]](#footnote-1) رسیدگی میشود؛ بنابراین درصورتیکه شخص سود حاصل راببرد و نفر اصلی باشد، هرچند در رکن مادی بزه دخالتی نداشته باشد، در این صورت این شخص تحتعنوان مباشر محاکمه خواهد شد نه معاون، و فرقی هم بین تخلف و جرم نیست. درهرصورت مجازات این فرد، مجازات مباشر بزه است.

نکته 1: اگر تخلف یا جرم مباشر معنوی )مباشری که در رفتار مادی دخالت ندارد( قبل از تاریخ 10/2/1401 بوده باشد )تاریخ لازمالاجرا شدن قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز(، در این صورت نمیتوان وی را تحت عنوان مباشر مجازات کرد. زیرا احکام ماهوی به ماقبل قانون لاحق تسری پیدا نمیکند، مگر اینکه به نفع متهم باشد.

نکته 2: در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز از حیث احکام فرقی بین تخلف و جرایم نیست. در نتیجه همه احکامی که مترتب بر جرایم قاچاق میباشد، مترتب بر تخلفات قاچاق نیز هست و قانونگذار این موضوع را در اصلاحیه جدید متذکر شده است و تنها تفاوت آن، از حیث صلاحیت رسیدگی است که تخلفات در صلاحیت تعزیرات حکومتی و جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

در ماده 2 قانون مجازات اسلامی در بحث تعریف جرم چنین آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که برای آن مجازات تعیین شده است». اما در بحث قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ،قانونگذار به دنبال رفتار قاچاق میباشد. در نتیجه برخی موارد منجر به نقض تشریفات میشود، اما درعینحال جرم قاچاق محقق نیست؛ بلکه تخلف گمرکی است که در خود گمرک رسیدگی میشود و مطابق قانون امور گمرکی، رئیس گمرک مجازات تعیین میکند.

بنابراین باید توجه داشت که در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، هر فعل یا ترک فعلی مدنظر نیست، بلکه فعل یا ترک فعلی که قانونگذار بهموجب قانون )مثل قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز( و یا هر قانون دیگری رفتار انجام شده را قاچاق تلقی کرده باشد ،مدنظر قانونگذار میباشد.

2-مربوط به ورود و خروج کالا و ارز

دومین قید تعریف مربوط به ورود و خروج کالا و ارز است.

سؤال: آیا قاچاق فقط ورود و خروج است؟ آیا تحقق جرم قاچاق با حمل ،نگهداری، عرضه، فروش برخلاف مقررات محقق نمیشود؟

پاسخ: در ادامه این تعریف آمده است: «در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور و حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود» این عبارت همان فرمان رهبری معظم انقلاب اسلامی است؛ بنابراین فقط ورود و خروجقاچاق نیست؛ بلکه رفتاری دیگری چون حمل ،نگهداری، عرضه، فروش نیز جرم هستند .[[2]](#footnote-2) برای تبیین این قید ابتدا باید سیر قانونگذاری را تبیین کرد .

برای تبیین سیر تعریفی قاچاق باید چند قانون را ملاحظه کرد؛ 1-قانون مرتکبین قاچاق مصوب 1312.

2-قانون امور گمرکی مصوب 1352.

3-قانون نحوه اعمال نیز تنها به بیان قواعد شکلی پرداخته است و بررسی آن ثمره ماهوی ندارد؛ لذا بدان اشاره نمیشود.

4-قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با تمام اصلاحیههای آن.

5-رأی وحدت رویه 684 هیات عمومی دیوان عالی کشور.

چنانکه بیان شد قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق تعریفی از قاچاق وجود نداشت و تعریفها به مصداق بود. این مصادیق نیز در قانون مبارزه با مرتکبین قاچاق نیامده بود؛ بلکه قانون امور گمرکی مصوب1350 در ماده 29 مصادیق قاچاق ذکر شده است. این قانون و مواد آن نسخ شده است و در حال حاضر ماده 113 قانون جدید جایگزین این ماده است. در این قانون با فرض نبود تعریف صرفاً مصادیق بیان شده است. طبق این قانون ورود و خروج کالا بر خلاف تشریفات گمرکی قاچاق است؛ در نتیجه مصادیق قاچاق فقط لب مرز است؛ هرچند کالای قاچاق در مرکز کشور یا پایتخت کشف شود؛ بنابراین قانوناً قاضی نمیتوانست با آن برخورد کند؛ زیرا نگهداری و حمل بزهانگاری نشده بود. [[3]](#footnote-3)

رأی وحدت رویه 684 هیات عمومی دیوان عالی کشور این دیدگاه را تقویت کرد. طبق این رأی «به موجب قانون مجازات مرتکبین قاچاق، هرکس در مورد مالی که موضوع درآمد دولت باشد مرتکب قاچاق شود قابل تعقیب جزائی است، لیکن چنانچه عمل ارتکابی مرتکب واجد جنبه تجاری نبوده و کالای مکشوفه برحسب عرف از نظر مقدار در حدود مصرف شخصی باشد و در مبادی ورودی کشور کشف نشود و امثال و نظایر آن در بازار به حد وفور در دسترس عموم باشد و مرتکب عالم به قاچاق بودن کالا نباشد، مورد فاقد جنبه جزائی است؛ بنابراین رأی شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان که با این نظر منطبق است به نظر اکثریت اعضاء هیات عمومی دیوان عالی کشور صحیح و قانونی تشخیص میگردد. این رأی مطابق ماده 270 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازمالاتباع است. »

تبیین مبنای صدور رأی وحدت رویه 684

هیئت عمومی دیوان عالی کشور قائل به این بود که دررابطهبا تعریف قاچاق، به دلیل نبود تعریف در قانونو اینکه صرفاً تعریف به مصداق شده و این تعریف به مصداق در قانون امور گمرکی سابق )مصوب 1350( وجود دارد و یکی از مصادیق قاچاق در بند «الف» ماده 29 چنین آمده بود: «واردکردن یا خارجکردن کالا از کشور یا به کشور» یا اینکه در ماده 1 قانون تشدید اسلحه و مهمات آمده است: «قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از واردکردن آنها به کشور و یا خارج نمودن آنها از کشور به طور غیرمجاز است».

لذا مصداق قاچاق اسلحه و مهمات نیز ورود و خروج به کشور بوده و در این صورت در صلاحیت دادگاه انقلاب میباشد. اما اگر اسلحه در داخل کشور کشف شود دیگر قاچاق محسوب نمیشود. همچنین، مصداق ورود و خروج به کشور یا از کشور فقط در مرز گمرکی وجود دارد؛ در نتیجه اگر کالای قاچاق در داخل استانها مثلاً در تهران کشف میشد عنوان قاچاق نداشت و در صلاحیت دادگاه انقلاب نبود؛ در همین خصوص که باید در مرز کشف شود ،رأی وحدت رویه شماره 684 صادر شد که اعلام داشته بود اگر کالا در داخل استانها کالایی کشف شود، قاچاق محسوب نخواهد شد؛ چرا که امثال و نظایر بسیار زیادی از این نوع کالا در داخل شهرها وجود دارد.

برای مطالعه بیشتر:

در رأی وحدت رویه علاوه بر قید در مبادی ورودی کشف نشود، چند قید دیگر نیز دارد؛

1-واجد جنبه تجاری نباشد و کالای مکشوفه برحسب عرف از نظر مقدار در حدود مصرف شخصی باشد؛ پس اگر مصرف شخصی باشد، قاچاق نیست؛ البته کالای ممنوعه چون تجهیزات ماهواره یا الکل چون استفاده از آنها غیرمجاز است ،نمیتوان به بهانه مصرف شخصی وارد کرد. این قید منصرف از کالای ممنوعه است .

2-علم و اطلاع فرد بر قاچاقی بودن کالا. حال اگر راننده کامیون نداند بار وی کالای قاچاق است، به مجازات حمل کالای قاچاق محکوم نمیشود.

3-امثال و نظایر در بازار باشد. )منظور از قید روشن نیست؛ چون الان در مشروبات الکلی خارجی امثال و نظائر در بازار زیاد است؛ اما آیا میتوان گفت قاچاق نیست؟! این قید در حال حاضر پایه و مبنا ندارد و مورد استناد و استدلال نیست.

پس چهار قید )یک قید در صدر مطلب( در رأی وحدت رویه ذکر شده است. بین قانون حاضر با رأی وحدت رویه سه قید مذکور هیچ اختلاف نظری جود ندارد؛ بلکه اختلاف «در قید در مبادی ورودی کشف نشود» است .

چند سؤال راجع به رأی وحدت رویه 684 چند سؤال مطرح است؛

1-آیا این رأی در زمان صدور صحیح صادر شده است یا خیر؟

2-با تغییر و اصلاح قانون مبارزه با قاچاق آیا قابلیت استناد دارد یا خیر؟

3-مقررات حاکم بر آن چیست؟

پاسخ به سؤالات فوق:

چنانکه بیان شد تا قبل از قانون مبارزه باقاچاق کالا و ارز، در قوانینی موضوعه، تعریف دقیق، جامعومانع از قاچاق کالاو ارز نداشتیم، نبود تعریف و مشخص نبودن حدود و ثغور قاچاق سبب ایجاد مشکلات عدیدهای در مراحل رسیدگی و اجرای قوانین مبارزه با قاچاق کالا و ارز شد. این خلأ به رهبری معظم انقلاب اسلامی نیز گزارش داده شد؛ چرا که برخی قضات مستند به ماده 29 قانون امور گمرکی مصوب 1350 فقط ورود و خروج کالا را قاچاق میدانستند. طبق این قانون واردکردن کالا به کشور و خارجکردن آن از کشور بر خلاف مقررات گمرکی قاچاق است؛ در نتیجه اولاً نگهداری و حمل کالای قاچاق جرم نیست؛ ثانیاً موضوع جرم قاچاق فقط لب مرز صدق میکند و اگر در داخل کشور کالای قاچاق نزد کسی نیز کشف میشد، چون احتمال دارد خودش واردکننده نباشد، لذا قضات قاچاق نمیگرفتند.

با وجود این خلأ بزرگ رهبری معظم انقلاب اسلامی12/04/1381 یک فرمان در باب مبارزه با قاچاق کالا و ارز صادر کردند. با این فرمان از این تاریخ فصل جدیدی در مبارزه با قاچاق شروع شد و همچنان نیز مطالبه ایشان است. این فرمان که در حقیقت نامه رهبری به رئیسجمهور وقت بود، به منشور مبارزه با قاچاق کالا و ارز معروف شد. متن این ماده این است: «گسترش پدیده قاچاق و تأثیر مخرب آن در امر تولید و تجارت قانونی و سرمایهگذاری و اشتغال، خطر جدی و بزرگی است که باید با جدیت تمام با آن مبارزه کرد و بر همه دستگاههایی که به نحوی میتوانند در این امر دخیل باشند واجب است که سهم خود را در این مبارزه ایفا کنند .اولاً باید کانون مرکزی این مبارزه در سطحی عالی نزدیک به رئیس دولت و دارای اشراف قانونی بر دستگاههای ذیربط دولتی باشد ،ثانیاً تبلیغات متناسب و هوشمندانه و همهجانبه در خدمت این مبارزه قرار گیرد، ثالثاً برخورد قضایی و انتظامی، قاطع و در ارتباط کامل با تصمیمگیریهای آن کانون مرکزی باشد[[4]](#footnote-4)، رابعاً عزم جدی بر این باشد که عمل قاچاقچی کاملاً برخلاف صرفه و همراه با خطر باشد و جنس قاچاق از پیش از مبادی ورودی تا محل عرضه آن در بازار، آماج اقدامات گوناگون این مبارزه قرار گیرد. البته در این کار لازم است بادقت و مراقبت تمام از آلودهشدن عناصر دستاندرکار این مبارزه به بیماری رشوه و امثال آن جلوگیری شود. بدیهی است که دستگاه قضایی از یکسو و دستگاههای انتظامی و احیاناً نظامی از سوی دیگر وظیفه دارند در این امر مهم همکاری کامل داشته باشند. توفیق جنابعالی و دیگر دستاندرکاران را در این امر بزرگ از خداوند متعال مسئلت میکنم. سید علی خامنهای». رهبری معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی دیگری در باب مبارزه با قاچاق کالا و ارز فرمودند: مبارزه با قاچاق کالا باید قاطع و بیرحمانه باشد .

در نامه فوق در «بخش رابع ااً»، تعریفی از قاچاق کالا ارائه شده که حدود و ثغور قاچاق کالا مشخص شده است. طبق این دستور مبارزه با قاچاق محصور به مرزها نیست؛ بلکه مبارزه با قاچاق از پیش از مبادی ورودی تا محل عرضه آن در بازار باید وجود داشته باشد .بااینوجود هیئت عمومی دیوان عالی کشور رأی وحدت رویه شماره 684 را به شرح مذکور صادر کرد و موضوع قاچاق را محدود منحصر به مرزهای کشور دانست.

چالش ایجاد شده با صدور رأی وحدت رویه 684 هیات عمومی دیوان عالی کشور:

اولاً با صدور این رأی در قوانین بودجه سنواتی رأی مذکور بهصورت ضمنی نسخ شد و حتی کالای قاچاق مکشوفه در داخل کشور را نیز قاچاق میدانستند و ملاک مرز نیست. در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز رفتارهای حمل، نگهداری و عرضه و فروش را نیز بزهانگاری کرد؛ با این قوانین تا سال 1390 عمل شد. در سال 1390 فصل جدیدی از مبارزه با قاچاق شروع شد. قانون امور گمرکی در سال 1390 اصلاح و نسخ شد و ماده 29 که بیانگر مصادیق قاچاق بود، نسخ و جایگزین آن ماده 113 قانون امور گمرکی فعلی شد .

ماده 113 قانون امور گمرکی- موارد زیر قاچاق گمرکى محسوب مىشود: الف- کالایى که از مسیر غیرمجاز یا بدون انجام تشریفات گمرکى به قلمرو گمرکى وارد یا از آن خارج گردد. همچنین کالاهایى که بدون انجام تشریفات گمرکى یا از مسیرهاى غیرمجاز وارد کشور شود و در داخل کشور کشف گردد.

راجع به قیود مندرج در بند «الف» ماده 113 امور گمرکی باید گفت:

اولاً در مستند مذکور آمده، بدون تشریفات گمرکی باشد: یعنی از مسیرهای مجاز آمده؛ اما تشریفات رسمی را انجام نداده است .مثلاً جعل کرده، تبانی کرده یا مخفیانه از درب خروجی گمرک خارج کرده است.

ثانیاً از مسیرهای غیرمجاز آمده، یعنی از مسیر گمرک وارد نشده؛ بلکه قبل از ورود به گمرک از راههای دیگر وارد کشور شود.

ثالثاً، در داخل کشور کشف شود. قید «همچنین» در ماده موصوف ،یعنی اگر کالا در داخل کشور «خارج از محوطه گمرکی» نیز کشف شود، قاچاق محسوب میگردد. در نتیجه اگر به این بند «الف» ماده 113 توجه بیشتری میشد، آرای وحدت رویه 751 و 809 صادر نمیشد.

رابعاً: مراد از قلمرو گمرکی قلمرو جغرافیایی کشور بهاستثنای مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است. [[5]](#footnote-5) مناطق آزاد مثل منطقه آزاد قشم، کیش، انزلی و اروند، چابهار و ارس است. منطقه ویژه اقتصادی نیز میتوان به منطقه ویژه اقتصادی فرودگاه امام، سلفچگان در قم یا منطقه ویژه اقتصادی سیرجان در کرمان و غیره است .طبق ماده 113 قانون امور گمرکی اگر کالایی از گمرک شهید رجایی بندرعباس به مقصد منطقه ویژه سلفچگان بارگیری شود، قاچاق نیست و در حکم ترانزیت خارجی است. [[6]](#footnote-6) )از خارج به خارج( پس کالای قاچاق در غیر قلمرو گمرکی است.

خامساً: مراد از کشف در داخل کشور در انتهای ماده 113ق.ا.گ[[7]](#footnote-7) یا حمل است ،یا نگهداری یا در حال عرضه و فروش .

رابطه رأی وحدت رویه 684 با ماده 113ق.امور گمرکی

تا بدین جا مفاد رأی وحدت رویه و ماده 113 قانون امور گمرکی روشن شد .به نظر اینجانب[[8]](#footnote-8) حتی قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1392 رأی وحدت رویه 684 با قسمت اخیر ماده 113 نسخ شده است .زیرا در بند «الف» ماده 113 قانون امور گمرکی )مصوب 1390( مصادیق قاچاق کالا ذکر شده است و در آخر ماده چنین آمده است: «... کالاهایی که بدون انجام تشریفات گمرکی یا از مسیرهای مجاز وارد کشور شود و در داخل کشور کشف گردد» که شاهد مثال ما «در داخل کشور کشف گردد» میباشد که باعث نسخ رأی وحدت رویه مذکور شده است؛ چرا که در قانون امور گمرکی اراده قانونگذار فقط بر مرز و صرف ورود و خروج نیست؛ بلکه کشف در داخل نیز مصداق قاچاق است.

**نکته**) در امور گمرکی از حیث ارتکاب بزه (اعم از جرم و تخلف) دو موضوع مدنظر است: 1) قاچاق گمرکی 2) تخلف گمرکی. در زمان گذشته قاچاق غیر گمرکی هم وجود داشت و برای آن احکام جدایی مقرر شده بود. اما اکنون احکام، آثار و مجازاتهای قاچاق گمرکی «قاچاق در محوطه گمرک» با قاچاق خارج از گمرک از لحاظ حکم و مجازات و اثر آنها همگی یکسان است؛ لذا در ماده 113 قانون امور گمرکی، باید نام «گمرک» حذف شود.

قسمت اخیر بند الف ماده 113 ق.امور گمرکی

رابطه رأی وحدت رویه 684 با قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

در بند الف ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است: «الف- قاچاق کالا و ارز: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود. در قانون مبارزه با قاچاق همه این رفتارها جرمانگاری شده است».

حدود نود مصداق در قانون مبارزه با قاچاق از رفتارهای قاچاق آمده است .بهعبارتدیگر در قانون فعلی هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات ورود و خروج گردد ،صرفاً محدود به مرز نیست؛ و داخل کشور را نیز شامل است .

رأی وحدت رویه 751 و مقایسه آن با تعریف قاچاق

رأی وحدت رویه 751 مورخ 5/5/1395 «در خصوص نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره» صادر شد. در این رأی هیات عمومی دیوان عالی کشور علیرغم تصویب قانون مبارزه با قاچاق، فرمان نامه رهبری مورخ 83 و ماده 113ق.امور گمرکی مورخ 1390 و بزه انگاری همین رفتارها در قانون قاچاق به طور خاص در بحث اختلاف در صلاحیت نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره را با این اعتقاد که قاچاق محسوب نمیشود، به استناد بند «ب» ماده 303ق.آ.دک در صلاحیت دادگاه انقلاب نیست؛ به عبارت دیگر استدلال دیوان عالی آن است که نگهداری تجهیزات دریافت ماهواره علیرغم جرمانگاری در قانون مبارزه با قاچاق آن را ماهیتاً قاچاق نداست و در نتیجه قائل به عدم صلاحیت دادگاه انقلاب شد. در حقیقت انس ذهنی قضات دیوان عالی کشور به این عبارت که «قاچاق یعنی ورود و خروج کالا بودن رعایت قوانین موضوعه»به عدم قاچاق بودن تجهیزات دریافت ماهواره پیدا کردند. در این رأی برخلاف رأی وحدت رویه 684 قائل به عدم وصف جزایی نشدند؛ بلکه چون طبق تبصره 4 ماده 22 از مصادیق کالای ممنوع است و نگهداری آن فیحدذاته آن مستوجب مجازات است؛ اما باتوجهبه معنای خاص قاچاق آن را قاچاق ندانسته و از حیث صلاحیت آن را ذیل ماده 44ق.مبارزه با قاچاق و در صلاحیت انقلاب ندانسته است .

رأی وحدت رویه 809 و مقایسه آن با تعریف قاچاق

این رأی 17/01/1400 صادر شده است. در این رأی دیوان با اشاره به تعریف قاچاق مستند به بند الف ماده یک ق. مبارزه با قاچاق صرف نگهداری مشروبات الکلی[[9]](#footnote-9) را در صلاحیت انقلاب ندانسته است. در این رأی نیز توجهی به تعریف درست قاچاق نشده است و در نتیجه آن قائل به عدم صلاحیت دادگاه انقلاب نسبت به نگهداری، حمل، عرضه و فروش مشروبات الکلی شده است .

تعیین تکلیف آرای وحدت رویه 684، 751 و 809 دیوان عالی کشور قبل از تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب10/11/1400 اجرایی 10/02/1401

از منظر استاد به استناد بند الف ماده یک قانون مبارزه با قاچاق و ماده 113 ق.امور گمرکی رأی شماره 684 نسخ صریحاً و رأیهای شماره 751 و شماره 809 نسخ ضمنی شدهاند؛ لیکن دو رأی اخیر چون استناد قانونی جدیدی وجود ندارد؛ لازمالاجرا بوده و در حقیقت دو مقرر فوق را فقط در دو مبحث خاص «در خصوص نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره» و «در خصوص نگهداری مشروبات الکلی» تخصیص می-زند؛ در سایر مصادیق کالاهای ممنوعه نمیتوان به استدلال قضات دیوان عمل کرد؛ بلکه همچنان نص قانون محور و ملاک است.

تعیین تکلیف آرای وحدت رویه 684، 751 و 809 دیوان عالی کشور قبل از تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب10/11/1400 اجرایی 10/02/1401

تمامی این مباحث تا قبل تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. در این قانون به هدف تمرکز مبارزه با قاچاق کالا و ارز در برخی موارد قانونگذار به سیاست کیفری افتراقی چنگ زده است که نمونه آن گذشت .

مهمترین تغییر قانون اصلاح الحاق تبصره 5 به ماده 63 این قانون است. در این تبصره میخوانیم: «تبصره

5(الحاقی)- احکام، آثار و مجازاتهای قاچاق مذکور در مواد 3 ، 5، 6، 8 الی 12، 16، 19، 20، 30 الی 32، 34 الی 36، 38 الی 50، 53 الی 60، 65 الی 68، 70، 71، 73، 74 و 77 این قانون و تبصرههای این مواد، در مورد همه جرائم و تخلفات موضوع این قانون بهجز تبصره (5) ماده(2 مکرر) جاری است». در این تبصره قانونگذار )در حقیقت خطاب به هیات عمومی دیوان عالی کشور و به جهت عدم توجه آنان به قاچاق بودن موارد مذکور در دو رأی وحدت رویه مذکور( بیان میدارد که صرفنظر از اینکه این رفتارها طبق نظر قضات دیوان قاچاق باشد یا نباشد، هر جرمی که در قانون قاچاق پیشبینی شده است، از نظر آثار، احکام و مجازات تابع مقررات قاچاق کالا و ارز است. پس دیگر اختلاف ماهوی در تعیین صلاحیت تأثیر ندارد؛ بلکه نص صریح ااً قانون صلاحیتهای مذکور را تعیین تکلیف کرده است.

بنابراین تا قبل از 10/02/1401 «در خصوص نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره» طبق رأی وحدت رویه 751 و «در خصوص نگهداری مشروبات الکلی» طبق رأی شماره 809 در صلاحیت کیفری2 است )نه انقلاب(؛ اما بعد از 10/02/1401 به استناد تبصره 5 ماده 63 در صلاحیت دادگاه انقلاب است؛ خواه ذیل تعریف قاچاق باشد یا نباشد .

از حیث مجازات نیز اثر آن در قاچاقچی حرفهای است. چون طبق تبصره ماده 2 قاچاقچی حرفهای کسی است که سه مرتبه سابقه قاچاق دارد؛ از زمان لازمالاجرا شده این تبصره نگهداری مشروبات الکلی و نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره نیز قاچاق محسوب شده و لذا اگر سه مرتبه بعد از 10/02/1401 نگهداری مشروبات الکلی داشته باشد، قاچاقچی حرفهای تلقی و مجازات آن تشدید میشود؛ اما اگر قبل از 10/02/1401 باشد، دیگر قاچاقچی حرفهای تلقی نمیشود.

بنابراین با وجود این تبصره و صراحت آن دیگر موردی برای استناد به سه رأی وحدت رویه 654، 751 و 809 نیست؛ اخیرا نیز یک نظریه مشورتی مغایر با تبصره 5 ماده 63 آمده است که عجیب به نظر میرسد.

باتوجه به توضیحات مذکور روشن است که با تصویب این تبصره تعریف حداقلی برای قاچاق[[10]](#footnote-10) نیز ارزش و اعتباری ندارد .

3- تعیین آن رفتار به عنوان مصداق قاچاق چه به مصداق این قانون یا قوانین دیگر

قید[[11]](#footnote-11) دیگری که در تعریف قاچاق مطابق بند الف ماده یک ق. مبارزه با قاچاق آمده است قید «بر اساس این قانون و سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد» میباشد؛ بهعبارتدیگر ممکن است رفتاری جرم و دارای مجازات باشد؛ اما قاچاق نباشد و در نتیجه از این تعریف خارج باشد؛ بهعنوانمثال در قانون امور گمرکی برخی موارد نقض امور گمرکی است، اما قاچاق نیست .بهعنوانمثال **تخلفات گمرکی** قاچاق نیستند؛ اگرچه نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج هستند؛ لیکن قاچاق محسوب نمیشود. {پس این قید خارج کننده تخلفات گمرکی است که نقض تشریفات مربوط به ورود و خروج هستند؛ اما قاچاق محسوب نمیشوند}.

مثال برای تخلفات گمرکی: بخش هشتم فصل اول قانون امور گمرکی از ماده 102 تا 110 بیانکننده تخلفات گمرکی است .مثلاً ورود وسایل نقلیه به خارج از گمرک تا جایی که کالا تخلیه نکنند، تخلف گمرکی است؛ اما اگر کالا تخلیه کنند، قاچاق گمرکی است. مثل آنکه کشتی بهجای بندر شهید رجایی به بندرعباس برود که تخلف است. حال اگر تخلیه کالا کند، قاچاق محقق میشود.

آنی یا مستمر بودن جرائم و تخلفات قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

آیا رفتارها و عناوین مندرج در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، آنی است یا مستمر؟

دراینخصوص نمیتوان یک قاعده کلی معین کرد. بسته به نوع رفتار ارتکابی، جرم یا تخلف آنی و مستمر خواهد بود .سابقاً بهطورکلی جرم قاچاق کالا را مستمر میدانستند. زیرا نگهداری و فروش و عرضه کالای قاچاق در داخل کشور، عنوان قاچاق نداشت. لیکن با وضع قوانین جدید، بخصوص قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، باید قائل به تفکیک شد. ورود غیرقانونی کالا به داخل کشور، حسب مورد جرم یا تخلف آنی است. زیرا بهمحض ورود بدون تشریفات قانونی، بزه محقق میگردد. همچنین اظهار خلاف واقع و کاهش محموله ترانزیت نیز جرم آنی تلقی میشوند.

لیکن رفتارهایی مانند نگهداری کالا یا ارز قاچاق، عنوان مستمر داشته و نمیتوان آن را آنی محسوب نماییم. زیرا عنصر مادی این رفتار از بدو تصرف کالا یا ارز در ید وی تا خروج از تصرف متهم، استمرار دارد . همچنین فروش کالا یا ارز قاچاق، بزه آنی و حمل آنها، رفتاری مستمر است.

## فصل دوم: تعریف کالا و انواع آن (توضیح بند ب ماده یک ق. مبارزه با قاچاق)

### گفتار اول: تعریف کالا

طبق بند «ب» ماده یک قانون  **کالا عبارت است از هر شی که در عرف، ارزش اقتصادی دارد.** این تعریف از ابتکارات قانونگذار در قانون مبارزه با قاچاق است در این تعریف، دیگر مشروعیت کالا ملاک نیست؛ بنابراین در رأی، محاکم نمیتوانند مشروعیت را لحاظ کنند و قاچاق مشروب را دلیل مشروع نبودن، منع تعقیب بزند. پس در قانون یادشده، مشروبات الکلی نیز کالا محسوب شدهاند. همچنین واژه شیء، ناظر به مورد غالب کالاها بوده و در اینجا اعم از جاندار و غیرآن است. به عبارتی، حیوانات، اعم از دام و غیر آن ،کالا تلقی شدهاند که مصادیق آن در مادتین 25 و 26 قانون قاچاق مصرح است.

. کا لاهای غیر ممنوع

1-1. کالای مجاز: مطابق بند «چ» ماده 1 قانون مبارزه با قاچاق، کالای مجاز کالایی است که صدور یا ورود آن با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی نیاز به کسب مجوز ندارد .یعنی کالا را در گمرک آورده و آن را باید اظهار کند و اگر اظهار نکرد، قطعاً تخلف و جرم است. چرا که اظهار صرف ااً برای حقوق و عوارض گمرکی نیست، بلکه برای مبارزه با پولشویی و ضوابط آن نیز میباشد. مثلاً بانک مرکزی باید بداند چقدر طلا در کشور وجود دارد؛ لذا ملاک این نیست که آیا حقوق و عوارض گمرکی دارد یا خیر؛ بلکه ملاک اظهار میباشد. **پس از سه تشریفات اولیه فقط اظهار را نیاز دارد.**

نکته: اظهار ممکن است بهصورت شفاهی و یا کتبی باشد. در محمولههای سبک شفاهی و در محمولههایسنگین کتبی و باید فرم اظهارنامه باید تکمیل شود .

1-2.کالای مجاز مشروط: مطابق بند «ج» ماده 1 قانون مبارزه با قاچاق، کالای مجاز مشروط: کالایی که صدور یا ورود آن علاوه بر انجام تشریفات گمرکی حسب قانون نیازمند به کسب مجوز قبلی از یک یا چند مرجع ذیربط قانونی است.

نکته مهم اول: مجوزها باید از قبل اخذ شده باشند؛ لذا اگر بعد از ورود کالا به گمرک مجوز اخذ شود، اثری ندارد. مناطق آزاد مثل مرز بازرگان یا باشماق جزء مناطق گمرکی نیستند؛ بنابراین کالا داخل مرز ایران است؛ اما داخل مرز گمرکی نیست. در این حین فرد باید مجوزات لازم را اخذ کند.

نکته دوم: به نظر استاد طلا مجاز مشروط است نه مجاز صرف؛ بنابراین علاوه بر اظهارنامه نیازمند اخذ مجوز نیز میباشد؛

مثلاً دررابطهبا **واردات شمش طلا**

الف: تشریفات گمرکی:

1. اظهار کالا
2. پرداخت حقوق گمرکی در صورت لزوم که در فرض شمش طلا حقوق گمرکی ندارد.

ب: اخذ مجوزها:

1. مجوز بانک مرکزی: میزان
2. مجوز استاندارد: استاندارد باید تأیید کند که شمش وارده به کشور 18 عیار است یا 15 عیار. فرد نمیتوان طلای 18 عیار را به اسم طلای 15 عیار وارد کشور کند .

بنابراین، اگر واردکننده طلا وارد کشور کند؛ اما مجوزها را اخذ نکند، قاچاق کرده است.

1-3.کالای یارانهای: این نوع کالا در قانون تعریف به مصادیق شده است و مطابق قوانین و مقررات موضوعه، مصادیق متعددی برای آن ذکر شده؛ مثل گندم، آرد، نان ،حاملهای انرژی، دارو و نهادههای کشاورزی.

2. کالای ممنوع:

مستند به بند «ث» ماده 1 قانون مبارزه با قاچاق کالایی است که صدور یا ورود آن بهموجب قانون به معنای خاص ممنوع باشد .

نکته1: مراد ممنوعه قانونی است نه ممنوعه دولتی

در قانون قبل در تشخیص قانونی کالای ممنوعه اختلاف وجود داشت. به این بیان که آیا علاوه بر ممنوعه قانونی )قانون به معنای خاص( آیا کالاهایی که در آییننامههای دولتی هم ممنوع قیدشدهاند، ممنوعه به معنای قانون مبارزه با قاچاق هست یا خیر؟ اما در قانون جدید دیگر این اختلافنظر حل شده است و طبق بند «ث» ماده 1 و تبصره بند «ج» ماده 1 عمل میشود و ملاک قانونی است که فرایند قانونی تصویب آن طی شود؛پس صرف ممنوعیت هیات وزیران کافی نیست؛ بنابراین، کالای ممنوعه قانونی یعنی توسط قانون ممنوعمیشود و مجازات آن طبق ماده 22 قانون قاچاق کالا و ارز میباشد:

«ماده 22- هرکس مرتکب قاچاق کالای ممنوع گردد یا کالای ممنوع قاچاق را نگهداری یا حمل نماید یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به شرح زیر و مواد) 23( و) 24( مجازات میشود:

الف- درصورتیکه ارزش کالا تا ده میلیون ریال باشد، به جزای نقدی معادل دو تا سه برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

1. درصورتیکه ارزش کالا از ده میلیون تا یکصد میلیون ریال باشد به جزای نقدی معادل سه تا پنج برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

پ- درصورتیکه ارزش کالا از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال باشد به بیش از شش ماه تا دو سال حبس و به جزای نقدی معادل پنج تا هفت برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

1. درصورتیکه ارزش کالا بیش از یک میلیارد ریال باشد به دوسال تا پنج سال حبس و به جزای نقدی معادل هفت تا ده برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق».

نکته2: ممنوعه دولتی در حکم مجاز مشروط است

**ممنوعه دولتی کالایی که توسط دولت ممنوع میشود**. مطابق تبصره الحاقی به بند «ج» ماده یک قانون:

هرگاه کالایی بهموجب صلاحیت اعطایی قانون، بر اساس مصوبات هیئت وزیران یا سایر مراجع قانونی بنا به مقتضیات و شرایط خاص، صدور یا ورود آن ممنوع شود، **در حکم کالای مجاز مشروط** است و حسب مورد مجازات جرائم و تخلفات مربوطه، حداکثر مجازات مربوط به کالای مجاز مشروط است» ؛ لذا مجازات آن طبق ماده 18 قاچاق کالا و ارز میباشد. اما قبل از الحاق این تبصره ممنوع قانونی را منحصر به مواردی می دانیم که طی تشریفات قانونی توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شود؛ لذا ممنوعه دولتی قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون )10/02/1401( مجاز تلقی میشود؛ اما اگر بعد تاریخ فوق باشد، قاچاق بوده و حتی به استناد تبصره 5 ماده 63 احکام، آثار و ثمرات کالای قاچاق را نیز دارد. پس اگر فردی پنج فقره سابقه واردات قاچاق لوازم خانگی داشته باشد؛ اما سه مورد آن قبل تاریخ لازمالاجرا شدن این ماده باشد، به استناد تبصره 5 ماده 63 و بند «ش» ماده یک قاچاقچی حرفهای تلقی نمیشود.

نکته3 (مهم): اگر ضابطی گزارش کالای ممنوع را داد، نباید طبق بند «ث» ماده 1 قانون مبارزه با قاچاق کالاو ماده22ق.مبارزه با قاچاق، با این گزارش برخورد شود؛ چرا که ممکن است شامل تبصره بند «ج» ماده 1 شود که در این صورت کالای ممنوع نیست و در حکم کالای مجاز مشروط است و مجازات این جرایم و تخلفات، حداکثر مجازات مربوط به کالای مجاز مشروط است که طبق بند «ب» ماده 18 باید سه برابر ارزش کالا بهعنوان جریمه نقدی مدنظر شعبه قرار گیرد.

ازطرفی، درصورتیکه کالای مکشوفه، کالای ممنوعه قانونی باشد، صلاحیت رسیدگی مربوط به دادسرا و دادگاه انقلاب میباشد و مجازات آن مطابق ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعیین میشود.

درصورتیکه کالا، کالای ممنوعه دولتی باشد در حکم کالای مشروط بوده و صلاحیت رسیدگی به آن درسازمان تعزیرات حکومتی و مجازات آن حداکثر مجازات موضوعبند «ب» ماده 18 میباشد.

اشکال: چرا قانونگذار، کالاهای تبصره بند «ج» ماده) 1( قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را «در حکم کالایمجاز مشروط» دانسته با اینکه طبق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز میتواند آن را کالای مجاز مشروط دانست؟ به اعتقاد اینجانب، ممنوعیتهایی که در ماده 122 قانون امور گمرکی آمده است اینچنین است:

«ورود قطعی کالاهای مشروحه زیر ممنوع است ...» و لذا چون مقنن ورود قطعی گفته، پس ورود موقت اشکالی ندارد. از طرفی در بند «پ» ماده 122 قانون یادشده قید «مگر با موافقت وزارت دفاع یا وزارت بهداشت ...» دارد که خود دال بر این است که امکان قانونی ورود وجود دارد .نهایتاً اینکه اینها کالای مجاز هستند، اما مشروط.

ماده 122 قانون امور گمرکی- ورود قطعى کالاهاى مشروحه زیر ممنوع است:

پ- اسلحه از هر قبیل، باروت، چاشنى، فشنگ، گلوله و سایر مهمات جنگى، دینامیت و مواد محترقه و منفجره مگر با اعلام و موافقت وزارت دفاع و پشتیبانى نیروهاى مسلح

سؤال: مأموران کاشف در تاریخ 1.2/1401 یک کامیون لوازمخانگی قاچاق کشف کردهاند. نوع کالا و مجازات آن چیست؟

پاسخ: چون این کشف قبل از لازم الاجراء شدن این قانون) 10/02/1401( بوده و مجاز شناخته میشود؛ زیرا مقررات ماهوی مگر در موارد ارفاقی عطفبهماسبق نمیشوند.

موارد کالاهای ممنوع قانونی

1. تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

شامل مشروبات الکلی، اموال تاریخی- فرهنگی، تجهیزات دریافت از ماهواره به طور غیرمجاز، آلات و وسایل قمار و آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن که از مصادیق کالای ممنوع است.

1. دیگر موارد قوانین دیگر

مواردی که مطابق قوانین دیگر مثلاً ماده 122 قانون امور گمرکی، ممنوع شده است.

ماده 122- ورود قطعى کالاهاى مشروحه زیر ممنوع است:

الف- کالاهاى ممنوعه بر اساس شرع مقدس اسلام و بهموجب قانون

1. کالاهاى ممنوعشده بهموجب جدول تعرفه گمرکى یا تصویبنامههاى متکى به قانون

پ- اسلحه از هر قبیل، باروت، چاشنى، فشنگ، گلوله و سایر مهمات جنگى، دینامیت و مواد محترقه و منفجره مگر با اعلام و موافقت وزارت دفاع و پشتیبانى نیروهاى مسلح

1. مواد مخدر و روانگردان از هر قبیل و پیشسازهاى آنها مگر با موافقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکى در هر مورد
2. دستگاههای فرستنده از هر نوع و قطعات متعلق به آنها مگر با موافقت وزارت ارتباطات و فناورى اطلاعات در هر مورد
3. دستگاه مخصوص عکاسى و فیلمبرداری هوایى مگر با موافقت وزارت دفاع و پشتیبانى نیروهاى مسلحچ- سامانه )سیستم(هاى استراق سمع، فرستندهها و ضبط کنندههاى کوچک اعم از ریزدوربینها و ریزمیکروفونها با قابلیت جاسوسى و فرستندههاى خاص و پوششى با سرعت بالا، انواع کالا یا سامانه )سیستم(هاى با قابلیت کنترل و شنود ارتباطات با سیم و بىسیم )مونیتورینگ( و سامانه )سیستم( هاى رمزکننده که در راستاى اهداف جاسوسى کاربرد دارند مگر با موافقت وزارت اطلاعات در هر مورد تبصره 1- ورود کالاهاى الکترونیکى و مخابراتى با کاربرد تجارى و مدل خاص که مورد سوءاستفاده جاسوسى قرار مىگیرند و همچنین کالاها و مواد دارویى، غذایى، معدنى، سموم و مواد آلى که بهعنوان کالاى دومنظوره مورد سوءاستفاده بیو تروریزم قرار مىگیرند بر اساس اعلام وزارت اطلاعات حسب مورد ممنوع مىگردد.

تبصره 2- فهرست و مشخصات کالاهاى موضوع این بند و تبصره) 1( توسط وزارت اطلاعات تعیین و به گمرک ایران اعلام مىگردد.

1. حاملین صوت و تصویر ضبط شده خلاف نظم عمومى یا شؤون ملى یا عفت عمومى و یا مذهب رسمى کشور به تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى
2. کتاب، روزنامه، مجله، صور، علامت و هر نوع نوشته مخالف نظم عمومى یا شئون ملى یا عفت عمومى و یا مذهب رسمى کشور به تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى
3. کالاهاى داراى عبارت یا علامتى مخالف نظم عمومى یا شئون ملى یا عفت عمومى و یا مذهب رسمى کشور روى خود آنها یا روى لفاف آنها و یا در اسناد مربوط به آنها
4. اسکناسهاى خارجى از جریان قانونى خارج شده، اسکناس، تمبر و برچسب )باندرول( تقلبى و بلیت بختآزمایی )لاتارى(
5. کالاهاى داراى نشانى یا نام یا علامت یا مشخصات دیگرى بر روى خود کالا یا روى لفاف آنها بهمنظور فراهمکردن موجبات اغفال خریدار و مصرفکننده نسبت به سازنده یا محل ساخت یا خواص یا مشخصات اصلى آن کالا

تبصره- کالایى که با نظارت و تأیید گمرک موجبات اغفال در آنها محو گردد، از شمول بند فوق مستثنى است.

1. کالاهاى ممنوعالورود بهموجب قوانین خاص

3. یا در برخی دیگر از قوانین آمده است. مثلاً گوشت خوک که حرام میباشد و قانون مقررات صادرات و واردات آن را حرام اعلام کرده است.

نکته: مقنن دربند «ر» ماده 122 قانون امور گمرکی چنین بیان داشته است که: «کالاهاى داراى نشان یا نام یا علامت یا مشخصات دیگرى بر روى خود کالا یا روى لفاف آنها بهمنظور فراهمکردن موجبات اغفال خریدار و مصرفکننده نسبت به سازنده یا محل ساخت یا خواص یا مشخصات اصلى آن کالا» جزء کالاهای ممنوع است. اما در عمل میتوان بند «ر» ماده 122 قانون امور گمرکی را حسب مورد، جزء انواع کالاها باشد که بعضی از این کالاها، کالای ممنوع است و با کالای مجاز مشروط است یا کالای مجاز است یا کالای یارانهای است تسری داد. دلیل این مطلب هم این است که طبق ماده 2 قانون مبارزه با قاچاق، علاوه بر مصادیقی کهدر قانون امور گمرکی مصوب 1390و اصلاحات بعدی آن ذکر شده است، موارد زیر نیز قاچاق محسوبمیشود و بند«ث» ماده 2 قانون مبارزه با قاچاق این کالاها که در ماده 122 قانون امور گمرکی بیان شده استجزء کالای ممنوع نیست. چرا که اگر ممنوع بود، نباید آن را در زمره کالای قاچاق محسوب میکرد.

بند «ث» الحاقی به ماده 2 قانون: ورود کالای موضوعبند )ر( ماده )122( قانون امور گمرکی مصوب 1390 به داخل کشور، اعم از مناطق آزاد تجاری- صنعتی و سایر نقاط کشور.

3- کالای یارانهای

تعریف کالای یارانه­ای: در اصلاحیه جدید نیز تغییری ایجاد نگردیده و قانونگذار در کالاهای یارانهای تعریف به مصداق داشته است. مجازات کالای یارانهای، بند«پ» ماده 18 میباشد. طبق بند «پ» ماده

18 – کالای یارانهای: جریمه نقدی معادل دو تا چهار برابر ارزش کالا» مجازات دارد .

تشخیص کالای مجاز از مجاز مشروط یا کالای در حکم مجاز مشروط یا کالای یارانهای با استعلام از وزارت صمت

بهموجب تبصرههای 2 و 3 ماده 18 ق.مبارزه با قاچاق دادگاه باید برای تعیین نوع کالا از وزارت صمت یا اداره کل صنعت، معدن و تجارت شهرستان محل کار خویش جهت تعیین نوع کالا استعلام بگیرد .

سؤال: فردی ارز 4200 تومانی دریافت کرده و آن را در غیر کالاهای یارانهای استفاده کرده است.

الف: آیا فعل فرد قاچاق است؟ ب: چه نوع قاچاقی است؟

پاسخ الف: اگر شخصی ارز4200 تومانی دریافت کرد ،عمل وی به یکی از دو امر ذیل قاچاق است:

1. بهحسب واردات آن اگر نقض تشریفات واردات کالا کرده باشد.
2. در داخل کشور بهحسب یا تخطی از ضوابط دولت در خرید، فروش و حمل و نگهداری طبق تبصره

4؛ لذا مشمول احکام قاچاق است؛ اما قاچاق یارانهای نیست.

پاسخ ب: نوع قاچاق با تعیین نوع کالا است که به استناد تبصره 2 و 3 ماده 18 تعیین آن با وزارت صمت است.

نکته ۱) باید به این موضوع نیز توجه داشت که در صورتی میتوان کالای یارانهای را قاچاق فرض کرد که یارانه به آن تعلقگرفته باشد. اما زمانی که یارانه به آن تعلق نگرفته باشد، مشمول جریمه موضوعبند «پ» ماده 18 نمیگردد؛ بنابراین، آنچه که مهم است اینکه کالای یارانهای باید موضوع قاچاق کالا و ارز باشد؛ بنابراین اگر خود فرد یارانه گرفته باشد، اما به کالا که موضوع قاچاق کالا و ارز است یارانه تعلق نگرفته باشد و یا اینکه به کالا یارانه تعلقگرفته است؛ اما این کالا موضوع کالای قاچاق نیست مثل ذرت مجازات کالای یارانهای را ندارد.

بنابراین، طبق نکته بالا میتوان یارانه را به دو نوع تقسیم کرد:

1. یارانهای که موضوع کالای قاچاق، مصوبه هیئت وزیران باشد. در نتیجه این کالا کالای یارانهای محسوب میشود.
2. غیر موضوع کالای قاچاق باشد. مثل ذرت و سویا. این نوع کالا، کالای مجاز مشروط است، نه یارانهای.در قاچاق کالا و ارز، ملاک یارانهای بودن کالا، مصوبه هیات وزیران موضوع تبصره 2 ماده 18 قانون قاچاقمیباشد.

نکته 2) باید به این موضوع توجه داشت که آیا کالا، کالای یارانهای مصوبه هیئت وزیران است یا غیر مصوب هیئت وزیران. چرا که از حیث مجازات با هم فرق دارند .مثلاً، مجازات کالای یارانهای طبق بند«پ» ماده 18، جریمه نقدی معادل2 تا 4 برابر ارزش کالاست. اما مجازات کالای مجاز مشروط طبق بند«ب» ماده 18، جریمه نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش کالا میباشد؛ لذا اگر به موضوعی که بیان شد دقت نشود، گاهی اوقات مجازات چندبرابر میشود. مثلاً طبق ماده 67 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز«اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد ... علاوه بر محکومیت به جزای نقدی حسب مورد به دو تا چهار برابر حداکثر جریمه مقرر برای شخص حقیقی محکوم میشود»؛ بنابراین باید نسبت به نوع کالا توجه کافی داشت.

نکته3) فرآوردههای نفتی همگی جزء کالای یارانهای محسوب شده و دیگر چیزی به نام غیریارانهای معنایی ندارد.

نکته 4) اگر کالایی جزء کالای یارانهای باشد؛ ولی یارانه به آن تعلق نگرفته باشد، مثل آرد و نیز کالایی یارانهای نباشد؛ ولی به آن یارانه تعلقگرفته باشد، همگی جزء کالاهای مجاز مشروط میباشند. ورود انواع کالاهایی از قبیل ذرت و سویا به داخل کشور با اینکه به آن یارانه تعلقگرفته است به دلیل اینکه باید مجوزهایی از وزارتخانههای مختلف مثلاً کشاورزی گرفته شود، به این نوع کالاها، کالاهای مجاز مشروط گفته میشود، نه اینکه چون به آنها یارانه تعلقگرفته ولی جزء کالاهای یارانهای نیست به آنها کالای مجاز مشروط صادق باشد.

گفتار سوم: انواع ارزشگذاری کالا:

مبحث اول: طریقه تعیین ارزش کالا

الف) کالای ورودی: مثل ذرت،گندم و ...

مطابق بند (ح) ماده(1) قانون قاچاق کالا و ارز: ارزش کالای ورودی عبارت است از ارزش سیف کالا )مجموعه قیمت خرید کالا در مبدأ و هزینه بیمه و حملونقل(، بهاضافه حقوق ورودی زمان کشف و سایر هزینههایی که به آن کالا تا محل کشف تعلق میگیرد که بر اساس بالاترین نرخ ارز اعلامی توسط بانک مرکزی در زمان کشف محاسبه میشود.

ب( کالای خروجی

مستند به بند (خ) ماده 1 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: ارزش کالای قاچاق خروجی، عبارت است از قیمت آزاد کالا در نزدیکترین بازار داخلی عمدهفروشی محل کشف بهاضافه هزینههایی مانند عوارض ویژه صادراتی و کلیه یارانههایی که به آن کالا تعلق میگیرد.

پ( خروج فراوردههای نفتی

تبصره بند (خ) ماده 1 قانون اعلام داشته است، فهرست و ارزش کالای قاچاق خروجی مربوط به فرآوردههای نفتی و محصولات پتروشیمی، حسب مورد متناسب با بالاترین قیمت خرید کالا در بازارهای هدف و یا براساس بالاترین نرخ ارز رسمی کشور و سایر عوامل مؤثر توسط وزارت نفت و ستاد اعلام میشود.

نکته: طبق ماده 47 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[12]](#footnote-12)، باید استعلام از گمرک یا سایر دستگاههای مأموروصول درآمدهای دولت صورت بگیرد.

مراحل ارزشگذا ری کالا

ارزشگذاری کالا در دو مرحله بدوی و نهایی انجام میگیرد.

ارزش اولیه (بدوی): مرجع تعیین ارزش اولیه کالا و ارز، دستگاه کاشف است.

آثار این ارزشگذاری چنانکه در فصل آشنایی با پرونده قاچاق و وظایف قاضی رسیدگیکننده ذکر خواهد شد، برای صدور قرار تأمین است و طبق ارزش اولیه تعیینی توسط کاشف، مراجع رسیدگیکننده میتوانند قرار متناسب صادر کنند؛ بنابراین اگر ارزش کالا را کاشف مشخص نکرد مستند به ماده 53 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[13]](#footnote-13) باید آن را به کاشف برگردانیم تا ارزش آن را مشخص کند. تکمیل مباحث این بخش در بحث وظایف مقام قضایی خواهد آمد.

سؤال: اگر دستگاه کاشف به دلیل عدم علم و اطلاع از نوع کالا، نتواند ارزش کالا را تشخیص دهد تکلیف چیست؟

جواب: طبق ماده 53 قانون قاچاق کالا و ارز، کاشف تکلیف دارد ارزش کالا را مشخص کند و اگر نتواند به هر دلیلی ارزش کالا را مشخص کند؛ در غیر این صورت باید مطابق ماده 62 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[14]](#footnote-14) عمل کند.

ارزش ثانویه )قطعی(: ارزش ثانویه همانی است که برای کالاهای ورودی و خروجی بیان شد؛ لذا برای کالای ورودی، )غیر از فرآوردههای نفتی(، بند «ح» ماده یک و ماده 47، و برای فراوردههای نفتی، طبق تبصره بند«خ» ماده یک و ماده 47 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، و در مورد کالای خروجی، طبق بند «خ» و ماده 47 از گمرک استعلام میشود.

کاربرد ارزش ثانویه (قطعی): صدور رأی و تعیین جریمه یا جزای نقدی.

## فصل سوم: تعامل بین قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با سایر قوانین کیفری عام و خاص

بررسی رابطه بین دو قانون و نسخ یا تخصیص مواد آن از مهمترین و جذابترین مباحث ماهوی راجع به یک قانون است. در ادامه در حد توان ابتدا تعامل بین قانون مجازات اسلامی با قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مباحث مشروبات الکلی و اموال تاریخی و فرهنگی، و سپس تعامل بین قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با قانون ممنوعیت بکاری گیری تجهیزات دریافت از ماهواره و در پایان تعامل بین قانون قاچاق و سایر قوانین در وسائل قمار و آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن مورد بررسی قرار میگیرد.

الف .تعامل بین قانون مجازات اسلامی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز شامل قواعد و مقررات ماهوی و شکلی میباشد. در مقررات شکلی ابتدا باید مطابق قانون مبارزه با قاچاق کالا، و در موارد سکوت قانون طبق ماده 51 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[15]](#footnote-15) عمل کرد. یعنی اصل، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز میباشد.

نکته: در مقررات ماهوی باید طبق ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[16]](#footnote-16) عمل کرد. یعنی در اینجا نیز اصل بر رعایت قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز میباشد.

سؤال: سؤالی که مطرح میشود اینکه در قبال رسیدگی به جرم یا تخلف قاچاق کالا و ارز، احکام و قواعد عمومی مجازات که در قانون مجازات اسلامی بیان شده است را دررابطهبا قاچاق چگونه بررسی کنیم؟ در بحث شروع به جرم، شرکت در جرم، تخفیف، تعلیق، تعویق، مرور زمان و توبه چه باید کرد؟

پاسخ: این است که ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاعدهای بیان کرده است که نوع تعامل را مشخص میکند. بدین نحو که اگر در قانون مبارزه با قاچاق، تصریحی ذکر شده بود، تابع قانون مذکوراست. اما اگر تأکیدی ذکر نشده بود، تابع قانون مجازات اسلامی میباشد. در واقع همانطور که بیان شد اصلقانون مبارزه با قاچاق است. اگر قانونی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز نبود، قانون مجازات اسلامی حاکم خواهد بود. فرقی هم بین اینکه مجازات جریمه نقدی که در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است و یا جزای نقدی که در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است نمیباشد.

## مطلب اول. تعامل در قواعد عام جزای عمومی با قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (شروع به جرم ،مشارکت و معاونت در جرم):

1. **قاچاق ورودی**

هیچگونه مقرره خاصی در قانون مبارزه با قاچاق کالا دررابطهبا شروع به جرم قاچاق ورودی ذکر نشده است. در نتیجه در اینجا باید تابع قواعد و مقررات عمومی قانون مجازات اسلامی مواد 122 الی 124 قانون مجازات اسلامی بود. زیرا ماده 68 قانون مبارزه با قاچاق به نظر اینجانب نسخ ضمنی شده است.

نکته: ملاک این که در مرز زمینی کجا شروع به جرم است و کجا جرم تام، اختلاف وجود دارد؛ اما آنچه که قدر متقین است این که تا زمانی که به قلمرو گمرکی وارد نشده باشیم، جرم قاچاق محقق نشده است .بهعنوانمثال در منطقه ویژه باکو تا زمانی که در منطقه حضور داشته باشیم، مصداق قاچاق نیست، اما بهمحض اینکه از منطقه بهقصد ورود به سرزمین اصلی و قلمرو گمرکی بارگیری صورت گرفت شروع به جرم محقق میشود.

نکته 2: تفاوت بین قلمرو گمرکی و قلمرو جغرافیایی این است که قلمرو گمرکی بخشی از قلمرو جغرافیایی است که مقررات گمرکی در آن اجرا میشود؛ بنابراین، مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه جزو قلمرو گمرکی محسوب نمیشود و در نتیجه ارتکاب قاچاق هم در آنجا مصداق پیدا نمیکند.

1. **قاچاق خروجی:**

سؤال: آیا در جرم قاچاق خروجی، شروع به جرم مصداق دارد؟ بهعنوانمثال شخص «الف» کالایی را از تهران بهقصد قاچاق بارگیری کرده که از مرز دوغارون به کشور افغانستان ببرد، اما این شخص در مشهد دستگیر میشود، اتهام این شخص جرم تام قاچاق است؟ یا شروع به جرم قاچاق؟ و یا اینکه اصلاً مرتکب جرم نشده است؟

پاسخ: اگر بخواهیم طبق مقررات قانون مجازات اسلامی با این نوع اتهام برخورد کنیم، شروع به جرم محقق شده است، اما اگر بخواهیم طبق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برخورد کنیم، طبق ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اگر مقرره خاصی وجود داشته باشد، باید از قواعد عمومی دست برداشت .مث لالاً در مورد شروع به جرم «قاچاق خروجی» مقرره خواص وجود دارد و اصل نیز مقرره خاص میباشد. منظور همان بند «ر» ماده 2 قانون قاچاق است که هرگونه اقدام جهت خارجکردن کالا از کشور بدون رعایت تشریفات قانونی را از مصادیق قاچاق محسوب کرده است .

### مجازات شروع به قاچاق

ما راجع به خروج کالا، مقرره خاصی از حیث شروع به جرم نداریم؛ بلکه مستند به بند«ر» ماده 2 قانونقاچاق کالا و ارز، همگی جرم تام محسوب میشوند و هر چه دررابطهبا مجازات شروع به جرم وجود دارد ،از حیث ورود کالای قاچاق میباشد؛ بنابراین طبق ماده 68 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، علاوه بر ضبط کالا یا حسب مورد، کالا چه نوع کالایی باشد )مجاز مشروط، مجاز و... ( حداقل مجازات قاچاق کالا و ارز موضوع این قانون ملاک حکم قرار میگیرد.

ماده 68 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: مجازات شروع به قاچاق، علاوه بر ضبط کالا یا ارز حسب مورد حداقل مجازات قاچاق کالا و ارز موضوع این قانون است.

سؤال: آیا ماده 15 قانون کاهش مجازات حبس مصوب 1399، ماده 68 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را تخصیص میزند؟

پاسخ: طبق عبارت ماده 15 که بیان میدارد«... مصادیق خاص قانونی که در آنها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شد ... نسخ میگردد». پس ماده 68 قانون مبارزه یا قاچاق کالا و ارز تخصیص زده میشود و ملاک شروع به جرم ماده 122 قانون مجازات اسلامی خواهد بود.

نکته: تخصیص زدن ماده 15 قانون کاهش مجازات حبس، به این معنا نیست که کلاً مجازات ندارد، بلکه باید طبق عمومات قانون مجازات اسلامی عمل کرد. در معاونت هم ملاک این است.

سؤال دوم: ماده 68 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را باید مصوب سال 1400 محسوب کرد یا مصوب قبل از سال 1400؟

پاسخ: باید ماده را جوری تفسیر کرد که به نفع متهم باشد؛ لذا اگر ماده 68 را ملحق به تبصره آن بدانیم که مصوب سال 1400 باشد، بدین معنا میشود که مجازات خاص موضوع ماده 68 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که مجازات بهمراتب شدیدتری است، دوباره احیا شده است و این به ضرر متهم میباشد. اما به دلیل تفسیر به نفع متهم این نوع نگاه صحیح نیست و در واقع در سال1400 آن چیزی که در ماده 68 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اصلاح شد، تبصره ماده 68 میباشد نه خود ماده 68 و اتفاق ا در تبصره هم اشارهای به مجازات نشده است. پس بنابراین بحث مجازات در صدر ماده 68 بوده است و مادهً 15 قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال 1399 حاکم بر مجازات خاص ماده 68 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز میباشد. در نتیجه اگر از باب مجازات قاچاق ورودی سؤال پرسیده شود، باید همان مجازات تابع مقررات عمومی قانون مجازات اسلامی لحاظ شود؛ بنابراین نسخ ضمنی صدر ماده 68 به استناد ماده 15 قانون مجازات کاهش حبس رخ میدهد و اصلاحیه تبصره ماده 68 قانون مبارزه با قاچاق کالا در سال 1400 در خصوص مجازات اثری ندارد و نمیتواند حکم ماده 15 قانون کاهش حبس تعزیری را نقض کند.

تحولات کیفری و تقنینی در خصوص قاچاق خروجی

تا سال 1339 قاچاق ورودی و خروجی تفاوتی نداشتند. بنابراین تا سال 1339 طبق رأی وحدت رویه

شماره 3067 مورخ 13/ 2/ 1339 مقررات عام قانون مجازات عمومی آن زمان حاکم بوده، بهطوریکه کالازمانی قاچاق محسوب میشد که از کشور خارج شود؛ در نتیجه اگر کالایی قبل از خروج از کشور گرفتهمیشد، نهایتاً شروع به جرم بر آن متصور بود.

اما در اواسط سال 1339، هیئت دیوان عالی کشور یک رأی وحدت رویه[[17]](#footnote-17) صادر کرد که هرگونه اقدام به خروج برخی از کالاها، در حکم جرم تام تلقی شد، هرچند که مرتکب صرفاً قصد انجام فعل را داشته و ماهیت رفتار شروع به جرم باشد. سیاق رأی وحدت رویه چنین است: «با احراز قصد متهم به خارجکردن طلا از مملکت هرگونه اقدامی که برای عملیکردن آن انجام شده باشد بزه قاچاق طلا به طور کامل انجامیافته تلقی میشود».

در توضیح این رأی وحدت رویه باید چنین گفت: همین که قصد خروج از کشور احراز شود، تحقق بزه کفایت میکند؛ لذا احراز قصد خروج مهم است نه مکان قصد خروج. بنابراین، بهعنوانمثال ممکن است احراز قصد خروج، 10 کیلومتر قبل از خروج از مرز باشد یا هزار کیلومتر، آنچه که مهم است احراز قصد است. این رأی وحدت رویه بعد از انقلاب نیز در برخی مواد قانون مورداستفاده قرار گرفت. مثل بند «د» ماده 1 قانون اخلالگران نظام اقتصادی[[18]](#footnote-18) و یا ماده 561 قانون مجازات اسلامی )کتاب پنجم( [[19]](#footnote-19). در ادامه این مباحث و رابطه بین این قوانین با قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بهصورت تفصیلی بررسی خواهد شد.

و نهایتاً بند «ر» ماده 2 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ،تکمیلکننده نوع رفتار قاچاق خروجی بود .

مطابق مستند یادشده: هرگونه اقدام به خارجکردن کالا از کشور برخلاف تشریفات قانونی بهشرط احراز در مراجع ذیصلاح با استناد به قرائن و امارات موجود.

همچنان که گفته شد، در قاچاق خروجی، مستند به بند«ر» ماده 2 قانون مبارزه با قاچاق، شروع به جرم معنی ندارد. در نتیجه باید احراز شود که آیا «هرگونه اقدام بهقصد خارجکردن از کشور» اتفاق افتاده یا نه؟ این احراز هم در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است، نه در صلاحیت کاشف )در خصوص کالای ممنوع( ،در نتیجه احراز کاشف ملاک نمیباشد.

### 1-2-مشارکت در قاچاق کالا و ارز

تعاملی باید بین ماده 125 قانون مجازات اسلامی با ماده 66 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز صورتپذیرد. به این صورت که از حیث ارکان تحقق شرکت در جرم و تعریف آن، باید به ماده 125 قانون مجازات اسلامی[[20]](#footnote-20) و از حیث مجازات شرکت در جرم قاچاق کالا و ارز، ماده 66 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مدنظر قرار گیرد.

سؤال: باتوجهبه اصلی که در ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بیان شد، چرا قانونگذار ماده 66 قانون یادشده را حذف و ارجاع به عمومات قانون مجازات اسلامی نکرد؟ چرا که در قانون مجازات اسلامی نیز مجازات شرکت در جرم، مجازات مباشر میباشد؟

پاسخ: اگر قاعده کلی ،صدر ماده 63 باشد، در این صورت دیگر شامل تخلفات نمیشد. اما چون قصد قانونگذار تسری مجازات و مقررات حاکم بر جرم به تخلفات موضوع قاچاق کالا بود، لذا ماده 66 را وضع کرد، در نتیجه طبق ماده 66 قانون مذکور، مجازات تخلفات نیز مانند مجازات جرم است.

### 1-3-معاونت در قاچاق کالا و ارز

شرایط تحقق معاونت و ارکان آن: ماده 126 قانون مجازات اسلامی[[21]](#footnote-21) شرایط تحقق معاونت و ارکان آن را بیان داشته است و باید به همان عمل کرد.

از حیث مجازات: طبق تبصره 2 ماده 63 قانون قاچاق کالا و ارز[[22]](#footnote-22) حسب مورد که کالا مجاز یا مجاز مشروط و یا غیره باشد، حداقل مجازات جرم یا جریمه تخلف ارتکابی است.

معاونت خاص: مطابق تبصره 3 ماده 63 قانون قاچاق کالا و ارز[[23]](#footnote-23)، فردی که در عملیات قاچاق شرکت نمیکند،

یا سفارش جنس قاچاق را داده یا سود حاصل از قاچاق را برای خود برمیدارد، با او برخورد میشود که مجازات فاعل مباشر را دارد.

نکته1) این نوع بزه از حیث رفتار مادی ماهیت معاونت دارد؛ اما از حیث مِحکومیت، مجازات مباشر را دارد.

نکته 2) ماده 15 قانون کاهش مجازات حبس تعزیری[[24]](#footnote-24) در جرم معاونت قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اثری ندارد. به دلیل اینکه الحاقیه قانون قاچاق از حیث معاونت در قاچاق، در سال 1400 و قانون کاهش حبس تعزیری در سال 1399 تصویب شده است.

4-1- تخفیف و تعلیق در قاچاق کالا و ارز

ابتدا یادآور میشود تخفیف دو نوع داریم؛ تخفیف قانونی و تخفیف قضایی. تخفیف قضایی ،تأسیسی است که قاضی بنا بر اوضاعواحوال موجود در پرونده، میزان کاهش مجازات را تعیین میکند. لیکن در تخفیف قانونی، میزان کاهش مجازات در قانون مربوطه مصرح است و برای تقلیل محکومیت، استناد به مادتین 37 و 38 قانون مجازات اسلامی جایز نیست.

مواد 71 و 72 و 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مربوط به تخفیف و تعلیق مجازات میباشد. طبق ماده 71 قانون مذکور، جزای نقدی از سوی مرجع رسیدگیکننده قابل تعلیق و تخفیف نیست و نیز مجازاتهای حبس و شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه، حرفهای، و سازمانیافته موضوع این قانون نیز قابل تعلیق نمیباشد.

از طرفی ماده 72 نیز بیان داشته، مجازات قاچاق قابلیت اعمال تخفیف و معافیت را دارد .به نظر میرسد این نوع تخفیف، تخفیف قانونی است. مطابق ماده 72 مذکور: «هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم موضوع این قانون شدهاند در مراحل تحقیقات مقدماتی، با اقرار خود موجبات کشف کالا و ارز و یا دستگیری سرشبکههای قاچاق و سایر متهمان را فراهم کنند، بنا به تشخیص مرجع رسیدگی، ضمن ضبط کالا و ارز قاچاق از کیفرهای موضوع این قانون معاف یا در مجازات آنها تخفیف متناسب داده میشود». پس در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مرجع رسیدگیکننده از تخفیف قضایی مجازات منع شده، لیکن میتواند با تحقق شرایطی، تخفیف قانونی را اعمال کند.

سؤالی که مطرح میشود اینکه، آیا در تخفیف مذکور، رعایت الزامات مادتین 37 و 38 قانون مجازات اسلامی ضروری است؟

باتوجهبه سیاق مستند مذکور، بنظر نمیرسد مقام رسیدگیکننده الزامی به استناد مواد 37 و 38 داشته باشد. زیرا چنین استنباطی از منطوق و مفهوم ماده 72 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نمیشود و میزان تخفیف بستگی به نظر مقام رسیدگیکننده دارد. بخصوص اینکه تخفیف مجازات در کنار معافیت مجازات آمده و قاضی مخیر بین معافیت و تخفیف است.

نکته1:ماده 71 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[25]](#footnote-25) در سال 92 به تصویب رسیده و چون در سال 1400 اصلاحنشده است، لفظ «جزای نقدی» مندرج در آن، هم شامل «جریمه نقدی» میگردد و هم شامل «جزای نقدی» میشود. درنتیجه اطلاق به هر دو دارد .)توضیح اینکه مطابق سیاق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، "جریمه نقدی" مجازات مختص تعزیرات حکومتی و برای تخلفات و "جزای نقدی" مجازاتی است برای جرم که در دادگاه انقلاب موضوع حکم قرار میگیرد(.

نکته 2: ماده 442 قانون آیین دادرسی کیفری[[26]](#footnote-26)، طبق ماده 71 و صدر ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ،قابلاجرا نمیباشد. با این توضیح که طبق ماده 442 قانون آیین دادرسی کیفری، مرجع رسیدگیکننده تخفیف را اعمال میکند، حالآنکه در ماده 71 ممنوعیت اعمال تخفیف از سوی مرجع رسیدگیکننده تصریح شده است، مگر در حدود ماده 72 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

5-1-تعویق، مرور زمان، بایگانی پرونده و توبه در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

طبق ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مقررات مربوط به تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم ،معافیت از کیفر، تعلیق اجرای مجازات، مرور زمان و در نهایت توبه و بایگانی کردن پرونده اعمال نمیگردد؛ بنابراین محلی برای توضیح موضوعات مذکور ندارد. البته معافیت مجازات موضوع ماده 72 قانون یادشده ،استثنا بوده و چون در قانون خاص ،نص صریحاً راجع به این قضیه پیشبینیشده است، باید به قانون خاص استناد نماییم.

6-1-اتهامات متعدد و متهمان متعدد

در جایی که متهمان متعدد باشند ،درصورتیکه وجه اشتراکی با هم داشته باشند؛ مثلا یکی معاون است و دیگری مباشر یا همگی شریک در جرم باشند. اگر صلاحیت رسیدگی یکی از متهمین درً صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب باشد، به جرم سایر متهمین هم در همان جا رسیدگی میشود.

لازم به توضیح است اگرچند نفر مرتکب جرم قاچاق شدهاند ،مثلاً یکی از آن افراد قاچاق مشروب کرده است و دیگری قاچاق ماهواره و یکی دیگر هم اسلحه و همگی در این جرمها شرکت کردهاند این دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب نیست، چرا که جرم قاچاق اسلحه از بزه قاچاق کالاوارز خروج موضوعی دارد و ماده 313 آیین دادرسی کیفری حاکم خواهد بود. اما اگر به جای قاچاق اسلحه قاچاق پارچه بود همگی در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود .

نکته: رعایت صلاحیت ذاتی از قواعد آمره میباشد، بنابراین عدول از اصل صلاحیت ذاتی نیازمند نص صریح ااً قانون است، مانند مفاد ماده 313 ق آ د ک که به متهمان متعدد به شرح مذکور تسری دارد.

اما زمانی که متهم واحد و اتهامات متعدد باشد ،مثلاً یک متهم دارای اتهاماتی مثل قاچاق مشروبات، قاچاقارز، قاچاق پارچه و قاچاق ماکارونی است؛ در اینجا چون سازمانیافته نیست، در صلاحیت تعزیرات است و این نکته که باید به نص صریحاً ذیل ماده 44 قانون مبارزه با قاچاق، از اصل صلاحیت ذاتی عدول و آن را در صلاحیت دادگاه انقلاب دانست، ادعای صحیح نیست. چرا که عدول در جایی است که متهمان متعدد باشند، اما اینجا که متهم واحد و اتهامات متعدد است و یا اینکه متهم متعدد و نوع کالا نیز متفاوت میباشد، در اینجا تماماً در صلاحیت دادگاه انقلاب نیست و باید رعایت صلاحیت ذاتی شود ،بهطوریکه شاید بعضی جرایم در صلاحیت تعزیرات و بعضی دیگر در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب باشد. مستند به ماده 313 آیین دادرسی کیفری که اتهامات متعدد با رعایت اصل صلاحیت ذاتی همراه است .

### مطلب دوم. تعامل در قواعد عام جزای عمومی با قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (شروع به جرم ،مشارکت و معاونت در جرم):

### 1-ماده 702 و 703 ق.م.ا[[27]](#footnote-27) در بحث مشروبات الکلی با تبصره 4 ماده 18 و ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق

موضوع ماده 702 و 703 قانون مجازات اسلامی و تبصره 4 ماده 18 و ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق هر دو مشروبات الکلی است؛ حال آیا قانون مؤخر التصویب )قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز( قانون مجازات اسلامی را نسخ میکند یا خیر؟ حدود مراجعه بین این دو ماده و تعامل بین این دو چگونه است؟ برخی با دو استدلال فوق قائل به نسخ ضمنی اند؛

* 1. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آخرین اراده قانونگذار است.
  2. ثانیاً قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز خاص مؤخر است و خاص مؤخر عام مقدم را تخصیص میزند.

اشکال: این نسخ یا تخصیص بهصورت کلی صحیح نیست؛ بلکه بهصورت مضیق در برخی موارد تخصیص زده است؛

پاسخ: در این ماده 702 چند رفتار را نسبت به مشروبات الکلی جرمانگاری کرده و صلاحیت رسیدگی را به دادگاه عمومی داده است .

### 2-بررسی ماده 702ق.م.ا و تعامل آن با قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز رفتار اول: ساخت مشروبات الکلی

ساخت در قانون قاچاق اصلاً مطرح نشده است؛ بنابراین ماده 702 منسوخ نیست و بر طبق آن عمل میشود.

رفتار دوم: خرید مشروبات الکلی

این رفتار نیز در قانون مبارزه با قاچاق مطرح نشده است؛ بنابراین ماده 702 منسوخ نیست و بر طبقآن عمل میشود.

رفتار سوم: فروش در معرض قراردادن مشروبات الکلی

فروش در صدر ماده 22 ق. مبارزه با قاچاق آمده است؛ بنابراین مخصوص مشروب ایرانی طبق ماده 702 عمل میشود؛ اما اگر مشروب خارجی باشد؛ طبق ماده 22 قانون قاچاق کالا و ارز عمل میشود.

رفتار چهارم: در معرض فروش مشروبات الکلی

در قانون مبارزه با قانون قاچاق کالا و ارز در معرض فروش قراردادن در تبصره یک ماده 18 راجع به کالای مجاز، مجاز مشروط ،رایانهای و در حکم مجاز مشروط آمده است؛ اما در ماده 22 راجع به کالای ممنوع نیامده است؛ بنابراین این رفتار نیز در قانون مبارزه با قاچاق مطرح نشده است؛ بنابراین ماده 702 منسوخ نیست و بر طبق آن عمل میشود.

رفتار پنجم: حمل مشروبات الکلی

در ماده 22 قانون قاچاق در بحث کالای ممنوع آمده است؛ بنابراین مخصوص مشروب ایرانی طبق ماده 702 عمل میشود؛ اما اگر مشروب خارجی باشد؛ طبق ماده 22 قانون قاچاق کالا و ارز عمل میشود.

رفتار ششم: در اختیار دیگری قراردادن

این رفتار نیز در قانون مبارزه با قاچاق مطرح نشده است؛ بنابراین ماده 702 منسوخ نیست و بر طبق آن عمل میشود.

3- بررسی ماده 703ق.م.ا1[[28]](#footnote-28) و تعامل آن با قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

آیا میتوان باتوجهبه دو استدلال فوق قائل به نسخ ماده 703ق.م.ا شد؟ خیر نسخ نمیشود؛ بلکه صرف ااً تخصیص به غیر قلمرو گمرکی مثل مناطق آزاد میشود؛ زیرا ماده 22ق.مبارزه با قاچاق کالا و ارز مخصوص به قلمرو گمرکی است؛ اما مرز کشور که حیطه ماده 703 است، منحصر به قلمرو گمرکی نیست؛ بنابراین در غیر قلمرو گمرکی مثل مناطق آزاد بر اساس ماده 703 عمل میشود؛ بنابراین اگر گزارش کشف هزار لیتر مشروب خارجی در منطقه آزاد تجاری سلفچگان قم داده شد، طبق ماده 703 عمل میشود؛ اما داخل مرز گمرکی باتوجهبه تخصیص قانون مبارزه با قاچاق کالا بر طبق ماده 22 این قانون عمل می­شود. نکته: اگر مشروب الکلی خارجی وارد منطقه آزاد سلفچگان شود، طبق ماده 703 قاچاق است؛ حال چون قاچاق است؛ مجازات، صلاحیت و احکام و آثار آن طبق قانون قاچاق است؛ برای این ادعا دو استناد وجود دارد؛

1. زیرا مطابق بند «ز» ماده 2 قانون قاچاق سایر مواردی که در قوانین دیگر قاچاق است، طبق این قانون عمل میشود. پس در قلمرو غیر گمرکی نیز با واسطه ماده 703ق.م.ا بزهانگاری )قاچاق دانسته شده( و به استناد بند ز ماده 2 قانون مبارزه با قانون قاچاق طبق قانون قاچاق با آن برخورد میشود؛ لذا صلاحیت رسیدگی به آن نیز طبق قانون قاچاق است .
2. طبق بند الف ماده یک قانون مبارزه با قاچاق چنانکه در تعریف کالای قاچاق گذشت صرف قاچاق بودن در این قانون ملاک نیست؛ بلکه مواردی که در سایر قوانین نیز قاچاق شمرده شود ،مجازات آن بر اساس این قانون است؛ (چنانکه مطابق ماده 2 قانون مبارزه با قاچاق برخی مصادیق قاچاق در قانون امور گمرکی قاچاق شمرده شده است؛ اما مجازات آن طبق قانون مبارزه با قاچاق است) [[29]](#footnote-29).

سؤال: اگر مشروبات الکلی در داخل ایران تولید شود و به خارج برده شود و مجدد داخل ایران شود ،آیا در حکم کالای خارجی و قاچاق است؟

جواب: کالای خارجی وقتی قانونی وارد کشور شود، حکم کالای داخلی دارد و کالای داخلی نیز اگر قانونی از کشور خارج شود، حکم کالای خارجی دارد .

ب .تعامل بین قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با قانون ممنوعیت بکاری گیری تجهیزات دریافت از ماهواره

یکی دیگر )سومین( از کالای ممنوعه در تبصره 4 ماده22 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تجهیزات دریافت از ماهواره به طور غیرمجاز است .

فرق بین تجهیزات دریافت از ماهواره به طور غیرمجاز با مشروبات الکلی آن است که در ماده 77 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بخشی از قانون ممنوعیت بکاری گیری تجهیزات بکاری گیری ماهواره نسخ صریحاً شده است؛ [[30]](#footnote-30) برخلاف مواد قانون مجازات راجع به مشروبات الکلی که نسخ ضمنی شدهاند؛ بنابراین بخشی از رفتارهای مرتبط با تجهیزات نگهداری از ماهواره در قانون ممنوعیت بهکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب 1373/11/23 نسخ صریحاً شدهاند؛ در ادامه بهصورت تفصیلی به تعامل بین این دو قانون پرداخته میشود؛ بدیهی است آن قسمتهایی که نسخ نشدهاند، همچنان اعتبار خود را دارد؛

1-طبق ماده 78 موارد ذیل از قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب 1373/11/23 نسخ صریحاً شدهاند؛

* 1. تبصره ماده(۳): تبصره - کلیه کالاهای ضبط و مصادره شده موضوع این قانون جهت توسعه پوشش رادیو و

تلویزیونی کشور در اختیار سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران قرار میگیرد.

بنابراین، با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دیگر تجهیزات دریافت از ماهواره در اختیار صداوسیما قرار نمیگیرد؛ بلکه در اختیار ضابط است تا پس از حکم قطعی منهدم شود. دقت شود که از حکم عام کالاهای قاچاق مذکور در ماده 53 قانون مبارزه با قاچاق[[31]](#footnote-31) مبنی بر تحویل کالا به سازمان اموال تملیکی خارج است؛ بلکه کلیه کالاهای ممنوعه خواه تجهیزات دریافت از ماهواره خواه مشروبات الکلی در اختیار خود ضابط است تا پس از حکم قطعی صادر منهدم شوند .

* 1. ماده (۸): ماده 8 - واردکنندگان، تولیدکنندگان و توزیعکنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه توسط دادگاهها به مجازات ده تا یکصد میلیون ریال محکوم میگردند.
  2. واردکننده: بنابراین راجع به واردکننده طبق ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق عمل میشود.
  3. تولیدکننده: طبق ذیل تبصره 4 ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز میگوید: «ساخت تجهیزات دریافت از ماهواره نیز مشمول مجازاتها و احکام مقرر برای این ماده میباشد».

قانون نظام صنفی مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲، تبصره ماده ۳، ماده ۸ و بند ب ماده ۹ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳، بند )د( ماده)۲۲( قانون حفاظت از منابع آبزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴، تبصره) ۱( ماده) ۳( قانون الحاق یک تبصره به ماده) ۱( و اصلاح ماده) ۳( قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۰، بندهای) ۱(، )۲( و) ۴( ماده)۱۲( قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴/۸/۵، مواد) ۳(، )۴(، )۵(، )۶( و )۷( قانون اختیارات مالی و استخدامی سازمان بنادر و کشتیرانی و تشکیل گارد بنادر و گمرکات مصوب ۱۳۴۸/۴/۱۹ و لایحه قانونی انحلال گارد بنادر و گمرکات مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۴ شورای انقلاب نسخ میشود. ساخت همان تولید است؛ بنابراین به استناد این بند قانون ممنوعیت به0کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره منسوخ شده است .

* 1. توزیع کننده: توزیع همان فروش و در معرض فروش قراردادن است که به استناد ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق منسوخ شده است .اما توزیع مجانی نه در قانون مبارزه یا قاچاق و نه در قانون ممنوعیت بکاری گیری تجهیزات بکارگیری از ماهواره جرمانگاری نشده است .

3- بند (ب) ماده( ۹): وجوه دریافتی بابت مجازات مواد 8 و 9 این قانون به خزانه واریز و صددرصد

)%100( آن جهت تأمین هزینههای اجرای این قانون و مقابله با تهاجم فرهنگی در اختیار وزارتخانههای کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران قرار داده میشود تا در حدود اعتبارات مصوب بودجه سالانه کل کشور به مصرف برسد.

بررسی سایر رفتارهای ماده 9

در ماده 9 آمده است: «استفاده­کنندگان از تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه به مجازات نقدی از یک میلیون تا سه میلیون ریال محکوم میگردند».

رفتار صدر ماده: استفاده شخصی

استفاده شخصی: دقت شود که صدر ماده نسخ نشده است؛ فقط بند «ب» این ماده نسخ شده است؛ بنابراین اگر ماهواره در خانهای کشف شود، صرف استفاده قاچاق نیست تا پرونده قاچاق تشکیل شود و پرونده به انقلاب برود؛ بلکه طبق قانون ممنوعیت بهکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب 1373/11/23 عمل میشود و در صلاحیت دادگاه عمومی است.

رفتارهای بند الف: در بند الف آمده است: «الف - حمل، نگهداری، نصب و تعمیر تجهیزات دریافت از ماهواره ممنوع و مرتکبین به مجازات نقدی از یک تا پنج میلیون ریال محکوم میگردند».

1- حمل:2-نگهداری: هم در قانون خاص (قانون ممنوعیت بهکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره) آمده است و هم در ماده 22 قانون مبارزه با قانون قاچاق کالا و ارز؛ از سوی دیگر قانونگذار نیز در ماده 78 ق. مبارزه با قاچاق نیز در مقام بیان بوده و فقط بند «ب» را نسخ کرده است )و کاری به بند الف نداشته است؛ بنابراین آیا باید در این دو رفتار نیز طبق قانون خاص عمل شود و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز کنار گذاشته شود؟

پاسخ: ماده 9 قانون ممنوعیت بهکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره به قرینه تعمیر و تجهیز، نصب یا استفاده در خصوص استفاده جزئی است؛ اما اگر حمل و نگهداری تجاری باشد طبق ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق عمل میشود.

3- نصب و تعمیر تجهیزات: در قانون قاچاق نیامده است و طبق قانون ممنوعیت بهکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره عمل میشود.

پ .تعامل بین قانون مجازات اسلامی و قانون اخلال با قانون مبارزه با قاچاق در اموال تاریخی فرهنگی چند قانون راجع به اموال تاریخی فرهنگی وجود دارد که باید تعامل این قوانین با تبصره 4 ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز روشن شود؛

1. ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی )تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده(:

هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هرچند به خارجکردن آن نینجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دوبرابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم میگردد. تبصره - تشخیص ماهیت تاریخی - فرهنگی به عهده سازمان میراثفرهنگی کشور میباشد.

1. بند (د) ماده یک قانون تشدید مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی: در بند «د» آمده است:

«هرگونه اقدامی بهقصد خارجکردن میراثفرهنگی یا ثروتهای ملی اگرچه به خارجکردن آن نینجامد قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارجکردن از کشور در نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط میگردد».

در هر دوی این قوانین آمده است که خارجکردن اموال تاریخی فرهنگی قاچاق محسوب میشود؛ بنابراین به سه استناد ذیل باید طبق قانون مبارزه با قاچاق با آنها برخورد کرد:

1-زیرا مطابق بند «ز» ماده 2 قانون مبارزه با قاچاق سایر مواردی که در قوانین دیگر قاچاق است، طبق این قانون عمل میشود. پس خارجکردن اموال تاریخی فرهنگی طبق دو مقرره فوق )قاچاق دانسته شده( و به استناد بند «ز» ماده 2 قانون مبارزه با قانون قاچاق طبق قانون قاچاق با آن برخورد میشود؛ لذا صلاحیت رسیدگی به آن نیز طبق قانون قاچاق است .

2-طبق بند الف ماده یک قانون مبارزه با قاچاق «صرف قاچاق بودن در این قانون ملاک نیست؛ بلکه مواردی که در سایر قوانین نیز قاچاق شمرده شود، مجازات آن بر اساس این قانون است»؛ بنابراین خارجکردن اموال تاریخی فرهنگی چون به استناد به دو ماده فوق قاچاق است، طبق بند الف ماده یک قانون مبارزه با قاچاق بر اساس این قانون با آنها برخورد میشود.

3- بند «ر» ماده 2 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ در بند «ر» آمده است: «هرگونه اقدام به خارجکردن کالا از کشور، برخلاف تشریفات قانونی بهشرط احراز در مراجع ذیصلاح با استناد به قرائن و امارات موجود» بنابراین با وجود بند دیگر نیازی به بند )د( ماده یک قانون تشدید مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی نداریم؛ چون همان حکم در بند «ر» آمده است. در عمل نیز اثری بر وجود این مقرره مترتب نیست و بحث نسخ یا عدم نسخ آن نیز کاربرد ندارد؛ گرچه میتوان قائل به نسخ آن شد؛ بنابراین دیگر نیازی به بزه انگاری این رفتارها در دو مقرره فوق نیست؛ بلکه در مجموع قانون مبارزه با قانون قاچاق کالا و ارز )بند «ر» ماده 2)هرگونه رفتاری( و تبصره 4 ماده 22 راجع به رفتارهای خاص نگهداری، حمل و غیره بهصورت خاص( از کاربرد انداخته است .

پس قطعا دو ماده فوق از حیث مجازات منسوخ هستند؛ اما از حیث بزه انگاری رفتار به دو بیان اول و دوم قابلیت بهرهبرداری دارد؛ اما طبق بیان سوم اصلاً نیازی به دو مقرره نداریم و حتی می توانیم قائل به نسخ این دو ماده شویم.

ت .تعامل بین قانون قاچاق و سایر قوانین در وسائل قمار و آثار سمعی و بص ری مبتذل و مستهجن

در مورد این دو نیز باید تعامل بین قوانین مربوطه را )مثل قانون نحوه مجازات کسانی که در امورسمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند(. با قانون مبارزه با قاچاق بررسی کرد .بهطورکلی هر رفتاری که در قانون قاچاق پیشبینیشده است، طبق قانون قاچاق عمل میشود و در سایر رفتارها که در قانون قاچاق جرمانگاری نشده است، طبق قانون خاص آن عمل میشود. (توجه: استاد بهصورت مفصل بحث نکردند).

# عنصر روانی در جرائم و تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز:

همچنان که گفتیم، وجود یک عامل مادی و قانونی که قانون آن را جرم یا تخلف شناخته است برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید برای ارتکاب جرم، قصد مجرمانه و عمد در ارتکاب داشته باشد تا بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی دانست؛ بنابراین، علاوه بر عنصر قانونی و عنصر مادی، باید عمل مزبور از اراده و قصد مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید میان رفتار ارتکابی و مرتکب بزه، رابطه روانی موجود باشد که آن را عنصر روانی یا معنوی مینامند.

در تحقق عنصر معنوی یا روانی، وجود دو عامل ضرورت دارد: اراده ارتکاب) یا عمد در رفتار( و قصد مجرمانه) یا علم و آگاهی(. البته ضرورت وجود عامدانه بودن رفتار باعث نمیشود تا هر زمان که متهم اراده ارتکاب را انکار نمود ،مسئولیت کیفری وی را سلب نماییم. از طرفی کلیه رفتارهای تعریف شده در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رفتار عمدی محسوب میشوند و در این قانون بزه غیرعمدی نداریم و اینطور تلقی نشود که چون عناوین تحت صلاحیت تعزیرات حکومتی تخلف هستند، پس بزه غیرعمدی بوده و سوءنیت در آن قابلتصور نیست.

# بخش سوم: آیین دادرسی اختصاصی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز(آشنایی با پرونده قاچاق و وظایف قاضی رسیدگی­کننده)

آیین دادرسی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز یک قانون شکلی و ماهوی است .یعنی هم قواعد و مقررات شکلی دارد و هم قواعد و مقررات ماهوی. تعیین صلاحیت مراجع رسیدگیکننده و نحوه اعتراض اشخاص و مراجع ذیصلاح به آرای صادره، از جمله قواعد شکلی و تعریف بزهها و مجازات آنها از جمله قواعد ماهوی قانون یادشده است .

ماده 51 قانون مذکور[[32]](#footnote-32) به طور ضمنی حدود اختیارات و تکالیف مراجع رسیدگیکننده به قواعد و آیین دادرسی را یادآور شده است .

مطابق مستند یادشده، بدیهی است چنانچه در قانون قاچاق، مقرراتی راجع به آیین دادرسی وجود داشته باشد ،مکلفیم بدواً به مقررات مربوطه استناد نماییم. مانند تأمینهای کیفری مصرح در قانون قاچاق که تا حدودی با تأمینهای کیفری قانون آیین دادرسی کیفری متفاوت و محدود هستند. پس مرجع رسیدگیکننده نمیتواندقرار التزام به عدم خروج از کشور صادر کند. همچنین نحوه وصول محکومیت مالی از طریق وثیقه تودیعیدر این قانون مشخص و تعیین شده و مقام رسیدگیکننده نمیتواند به قانون آیین دادرسی کیفری مراجعه نماید، مگر اینکه در قانون قاچاق مقررات خاصی پیشبینی نشده باشد.

از طرفی تصریح ماده 51 قانون قاچاق باعث نمیشود ما از مراجعه به قوانین دیگر بهمنظور رسیدگی پروندهها منع شویم. زیرا در قانون آیین دادرسی کیفری قید شده راجع به نحوه دادرسی و استناد به برخی اقدامات، شعب نخستین و تجدیدنظر موظف به مراجعه به قانون آیین دادرسی مدنی میباشند. مانند قواعد مربوط به احضاریهها، ابلاغیهها و مواعد قانونی.

مباحث این بخش با رویکرد عملی بحث خواهد شد؛ در این راستا مباحث آیین دادرسی افتراقی راجع به پروندههای قاچاق کالا و ارز در سه فصل آشنایی با پروندههای قاچاق )فصل اول(، وظایف قاضی رسیدگیکننده بهصورت کاملاً عملی ارائه خواهد شد .

## فصل اول: آشنایی با پرونده قاچاق کالا و ارز

اولین مرحله (صفحه یا اولین اوراق) پرونده قاچاق کالا گزارش کشفی است که توسط ضابط تنظیم و تقدیم مرجع قضایی میشود؛

### گفتار اول: ویژگیهای پرونده قاچاق

گزارش کشف باید ویژگیهای زیرا داشته باشد و در صورت فقدان باید به ضابط مسترد شود تا تکمیل گردد؛

1- حاوی استدلال مربوط به حصول ظن به قاچاق باشد: زیرا در قانون قاچاق مواد مختلفی وجود دارد که ضابط را به ارائه اسناد و دلائل خود بر قاچاقچی بودن کالا مکلف میکند؛ مثل آنکه در تعقیب و گریز چنین ظنی حاصل شده است. در ادامه به دو ماده بهعنوان نمونه اشاره میشود:

مثلاً در ماده 41 آمده است: «بهاستثنای موارد منطبق با ماده) 21( این قانون، هنگام کشف قاچاق ،ضابطین مکلفاند اموال مکشوفه و وسایل حمل کالا و یا ارز قاچاق یا محل نگهداری و اختفای آن را مطابق این قانون حسب مورد توقیف و پلمب کنند و صورتجلسه کشف را با ذکر دقیق مشخصات کالا و یا ارز قاچاق، مالک و حاملان آنها تنظیم نمایند و به امضای متهم یا متهمان برسانند و در صورت استنکاف، مراتب را در صورتجلسه کشف قید کنند. ضابطین مکلفاند بلافاصله و در صورت عدم دسترسی ظرف بیست و چهار ساعت از زمان دستگیری، ضمن تحتنظر قراردادن متهم، پرونده تنظیمی را نزد مرجع صالح ارسال نمایند». این امور خود اسناد و مدارک ظن قوی بر قاچاق است.

و یا در ماده 53 نیز آمده است: «دستگاههای کاشف و ضابطین موظفاند کالاهای قاچاق مکشوفه و کلیه اموال منقول و غیرمنقول و وسایل نقلیه اعم از زمینی، آبی و هوایی را که در اجرای این قانون، توقیف میشوند، به استثنای کالای ممنوع، همراه با رونوشت صورتجلسه کشف و توقیف و تشخیص اولیه ارزش کالا، بلافاصله پس از کشف، تحویل سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی نمایند. این سازمان اقدام به نگهداری کالا نموده و فروش ،امحا یا واگذاری اموال فوقالذکر منوط به صدور رأی قطعی است .هزینههای مربوطه اعم از انبارداری، بارگیری، انتقال و تخلیه بر عهده این سازمان میباشد. دولت مکلف است هرسالهبودجه مستقلی در خصوص تأمین هزینه مدیریت تعیین تکلیف کالا برای این سازمان پیشبینی نماید». اینموارد نیز که از وظایف ضابط است، خود نوعی امارات، دلائل و مستندات قاچاق است که حتماً باید ضمیمه پرونده شود .

1. تعیین نوع کالا: نوع کالا در تعیین از حیث صلاحیت و مجازات بسیار مؤثر است.
2. شگرد ارتکاب بزه و نحوه کشف آن: مثلاً ماشینی بوده است که تحت رصد اطلاعاتی بوده است و یا جاسازی کرده است.
3. تعیین و نحوه اقدام در خصوص وسیله نقلیه: آیا توقیف شده است و یا آنکه وسیله عمومی بوده است و در مقصد با مأمور بدرقه در مقصد توقیف میشود
4. ارزش اولیه کالا: یکی از وظایف مأمورین و کاشفین به استناد دو ماده فوق تعیین ارزش اولیه (بدوی) کالا است؛ مثلاً در ماده 21 مأمور خود میتواند کالای زیر 5 میلیون را ضبط کند؛ یعنی کار قضایی کند. اما تعیین ارزش اولیه به جهت تعیین میزان وثیقه برای مرجع قضایی اهمیت بسزایی دارد؛ چراکه بیش از 24 ساعت نمیتوان متهم را تحتنظر قرار دارد[[33]](#footnote-33) و در این وقت هم نمیتوان با کارشناسهایی دقیق مقدار ارزش کالا را بدست آورد؛ بنابراین از همین ارزشگذاری بدوی جهت تعیین میزان وثیقه استفاده میشود.
5. گزارش پلمب محل نگهداری: طبق ماده 41 و 53 قانون مبارزه با قاچاق باید محل نگهداری کالای قاچاق را پلمب کند؛ گزارش این پلمب باید به نظر مرجع قضایی برسد وگرنه پرونده ناقص است و باید رفع نقص شود .
6. ضمیمه نمودن گزارش تحویل کالا به انبار سازمان اموال تملیکی: این یک تکلیف است و ضابط

نمیتوان اموال را نزد خود نگه دارد؛ بلکه باید بلافاصله اموال را به انبار سازمان اموال تملیکی تحویل دهد. حتی اگر سریع الفساد باشد سازمان اموال تملیکی موظف است دستور فروش از قاضی اخذ کند و ربطی به ضابط ندارد که اموال را خودش نزد خود نگه دارد یا بفروشد

1. بیان وضعیت متهم: طبق ماده 50 قانون مبارزه با قاچاق ضابطین در مبحث مبارزه با قاچاق تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفریاند؛ مگر در موارد مصرح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ در این مورد نیز باید طبق قانون آ.د.ک
2. اخذ و ضمیمهنمودن اظهارات اولیه راننده، مالک حین الکشف و ضمیمهنمودن اسناد ارائه شده:

اسناد اصلی و اطلاعات اصلی در مواجهه اولیه خواهد بود؛ چون بعد از گذشت مدتی ممکن است فرد با مشورت گرفتن از چند وکیل یا دیگران راه فراری برای قاچاق پیدا کند و اسنادی را )هرچند جعلی( ارائه نماید؛ پس به هر دلیل کالایی که ظن به قاچاق آن وجود دارد، نباید رهاشود.

### فصل دوم: وظایف قاضی رسیدگیکننده در پرونده قاچاق

وقتی پروندهای از جهات فوق کامل باشد، قاضی باید اقدامات ذیل را انجام شود؛ 1-توجه به صلاحیت: مباحث صلاحیت بهصورت مفصل در ادامه خواهد آمد.

1. تفهیم اتهام قاچاق و اخذ اظهارات متهم: تفهیم اتهام طبق قانون مبارزه با قاچاق باید نوع رفتار

)ورود، خروج، حمل ،نگهداری و عدم اظهار و... ( همان ابتدا تشخیص داده شود .تقریب ااً بیش از

90 نوع رفتار در قانون مبارزه با قاچاق بزهانگاری شده است .

دقت شود که وقتی تفهیم اتهام بهعنوان قاچاق میشود؛ چون قاچاق نقض تشریفات قانونی است؛ باید مشخص شود که تشریفات ورود و خروج این کالا چه بوده است که نقض آن سبب قاچاق شده است. فهم این نقض عمدتاً با ضابط است و ما باید از ضابط این امر را استعلام کنیم.

1. صدور قرار تأمین مناسب: دو قرار تأمین در جرم قاچاق داریم: 1- وثیقه2- بازداشت وقت

1- طبق تبصره 2 ماده 41 قانون مبارزه با قاچاق در پروندههای مذکور در این ماده بهتناسب قرار وثیقه یا غیره صادر میشود؛ در این تبصره آمده است: «در مورد سایر جرائم مقرر به استثنای ماده) 21( این قانون ،درصورتیکه بیم اختفای ادله، فرار متهم یا تبانی باشد و همچنین در پروندههایی بار ارزش کالای قاچاق مکشوفه بالای یکصد میلیون( 000 /000 /100 ریال)، **صدور قرار وثیقه** متناسب با مجازات مقرر الزامی است».

این قرار وثیقه با قرار وثیقه قانون آیین دادرسی کیفری در سایر جرائم از منظر ماهوی و شرایط متفاوت است؛

از منظر ماهوی: ماهیت قرار وثیقه در قانون آ.د.ک حضور متهم در مراحل رسیدگی است؛ اما در قانون مبارزه با قاچاق فقط حضور تن متهم نیست؛ بلکه مأموریت ابتدایی آن اولاً حضور متهم تن متهم و ثانیاً در نهایت پرداخت جریمه و جزای نقدی موضوع رأی قطعی است؛ لذا در قرار وثیقه برای اتهام قاچاق نوشته میشود: قرار آزادی تن فلانی و وصول جریمه یا جزای نقدی در صورت عدم پرداخت منوط است که تودیع وثیقه از حال تا ختم دادرسی ...

از منظر شرایط: برای صدور قرار وثیقه و قبولی آن فقط قوانین مواد 217 به بعد رعایت نمیشود؛ بلکه باتوجهبه تبصره 3 ماده 60 قانون مبارزه با قاچاق باید شروطی نیز با وثیقهگذار مطرح شود. در این تبصره آمده است: «در رسیدگی به جرائم و یا تخلفات موضوع این قانون ،رفع مسئولیت وثیقه گذار و آزادی وثیقه تنها با تودیع وثیقه نقدی یا ملکی جایگزین و صدور قرار قبولی تأمین برای آن یا با اجرای کامل حکم امکانپذیر است و این موضوع و همچنین امکان برداشت جزاء یا جریمه نقدی از محل وثیقه تودیع شده توسط متهم یا دیگری، هنگام اخذ وثیقه بهصورت کتبی به وثیقه­ گذار تفهیم و در پرونده درج میشود. استنکاف از اجرای این تبصره، مستوجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است».

ازآنجاییکه از منظر ماهوی تعهد وثیقه در جرائم قاچاق متفاوت از قانون آ.د.ک است در نتیجه بایدوثیقهگذار بداند چه تعهدی کرده است و لذا باید به وی تفهیم این امور را کرد؛ لذا بدون اخطار پرداخت جزای نقدی به متهم یا وثیقهگذار همان ابتدا از محل وثیقه جزای نقدی اخذ میشود؛ اما در قانون آ.د.ک وقتی از محل وثیقه جزای نقدی برداشته میشود که به وثیقهگذار اعلام گردد محکومعلیه از ایفای مجازات امتناع کرده است و سپس پس از گذشت مهلت مقرر وثیقه ضبط میشود.

سؤال: آیا اخذ چنین وثیقهای از فرد خلاف شرع نیست؟

جواب: قرار وثیقه یک قرارداد طرفینی است؛ و طرفین میتوانند هر شرطی را با اعلام قبلی در آن بگنجانند. در اینجا نیز بین دادگاه و وثیقهگذار چنین شروطی کتبا به طرف تفهیم میشود.

نکته: استنکاف از تفهیم این امر توسط مقام قضایی، مستوجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است؛ لذا نمیتواند به دفتر خود واگذار نماید .

1. (دومین قرار قابل صدور) با احراز شرایط موضوع ذیل ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[34]](#footnote-34) قرار بازداشت موقت صادر شود؛
   1. در غیر کالای ممنوع ارزش کالا بیش از 10 میلیارد ریال باشد.
   2. در کالای ممنوع ارزش کالا بیش از 100 میلیون تومان باشد. (بند«ت» ماده 22)
   3. قاچاق سازمانیافته یا قاچاقچی حرفهای باشد.
   4. ماده 35 قانون مبارزه با قاچاق

در صورت وجود یکی از شرایط فوق صدور قرار بازداشت موقت جایز و اختیاری است.

1. سومین اقدام قاضی: صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی احتمالی:

در اجرای ماده 48 قانون مبارزه با قاچاق قاضی مکلف است دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم را در حدود جزای نقدی احتمالی بدهد؛ ترک این دستور و اهمال از آن در حکم اختلاس است.

1. استعلام ارزش نهایی کالا: طبق ماده 47 قانون مبارزه با قاچاق[[35]](#footnote-35) از دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت باید استعلام شود؛ عمدتاً در کالا گمرک و در ارز بانک مرکزی مرجع استعلام است. در تبصره سوماین ماده آمده است: «کارشناسی موضوع این ماده و تبصرههای آن قابل ارجاع به «کارشناس رسمی دادگستری» نیست»؛ پس در خواست ارجاع به کارشناس رسمی یا خبره ممکن نیست؛ بلکه صریحاً در تبصره سوم الحاقی این امر منع شده است؛ زیرا چون موضوع تخصصی و فنی است و از سوی دیگر احتمال فساد وجود دارد.

سؤال: آیا نظر کارشناس رسمی دادگستری برای قاضی موضوعیت دارد؟

جواب: خیر؛ طریقیت دارد و آنچه مهم است اقناع وجدانی قاضی است؛ در قانون مبارزه با قاچاق نیز این نظرات مشورتی و جنبه طریقیت دارد .

سؤال: در کالاهای ممنوعه چون مشروبات الکلی چه مرجعی محل استعلام است؟

جواب: در نص تبصره یک این ماده آمده است: «ارزش کالاهای ممنوع بهموجب فهرستهای قیمتگذاری سالانه ستاد تصویب و ابتدای هرسال ابلاغ میگردد». در اینجا منظور از ستاد، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز است .

سؤال: اگر فرد مدعی ایرانی بودن کالای خود شود، آیا این ادعا مورد پذیرش است؟ تکلیف قاضی چیست؟

پاسخ: تشخیص ایرانی بودن در تبصره2 ماده 47 آمده است: «مرجع تشخیص ایرانی یا خارجی بودن کالای مکشوفه حسب مورد یکی از وزارتخانههای صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی یا بهداشت ،درمان و آموزش پزشکی یا سازمان ملی استاندارد ایران است. این مراجع با درخواست شعبه رسیدگیکننده و بررسی مشخصات کالا مانند محل تولید و واحد تولیدکننده، نسبت به اعلام نظریه کارشناسی مشورتی، به نحو مستدل اقدام می­نماید. مقام رسیدگیکننده در صورت عدمپذیرش نظریههای کارشناسی مشورتی[[36]](#footnote-36) مذکور در این تبصره و ماده، به طور مستدل آن را رد و تصمیم مقتضی اتخاذ میکند. آییننامه مربوط به اجرای این تبصره و تعیین مصادیق کالای مربوط به دستگاههای فوق و نحوه پذیرش و اعتراض به نظرات موضوع این تبصره، یک ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون توسط ستاد تدوین و پس از تصویب هیأت وزیران، ابلاغ میگردد». در آیین نامه اجرایی این تبصره بهتناسب هر کالا مرجع اختصاصیآن ذکر شده است؛ مثلاً در شمش طلا و مسکوکات سازمان ملی استاندارد مرجع استعلام است و یا در محصولات باغی کشاورزی نظر وزارت جهاد کشاورزی ملاک است. .

سؤال: اگر ایرانی بودن احراز شد آیا باید بلافاصله قرار منع تعقیب یا برائت صادر شود؟

جواب: خیر؛ قرار منع تعقیب صادر نمیشود؛ بلکه این کالاها چون موضوع قاچاق[[37]](#footnote-37) هستند ،بر اساس تبصره4 ماده 18 قانون مبارزه با قاچاق عمل میشود؛ در این تبصره آمده است: «خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاهایی که موضوع قاچاق قرار میگیرند بهصورت تجاری مانند فرآوردههای نفتی و دارویی خارج از ضوابط تعیینی دولت تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالای مزبور حسب مورد به حداقل جریمه نقدی مقرر در این ماده محکوم میشود. دولت مکلف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ لازم الاجراءشدن این قانون دستورالعمل مورد نیاز را تصویب نماید»؛ بنابراین کالاهای موضوع قاچاق اگر فرد از ضوابط تعیینی دولت در خرید، فروش، حمل و نگهداری آنها تخطی کند، مشمول مقررات قاچاق است؛ بنابراین اگر وزارت بهداشت تشخیص داد این دارو ایرانی است، لیکن فرد ضوابط تعیینی دولت در نگهداری و حمل و یا خریدوفروش این کالاها تخطی کرده است، در حکم قاچاق بوده و رسیدگی به آنها مگر در موارد حرفهای بودن یا سازمانیافته بودن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است؛ بنابراین قرار عدم صلاحیت به تعزیرات زده میشود.

سؤال: ضوابط نگهداری کالاها چیست؟

جواب: موارد این ضوابط توسط دولت تعیین میشود؛ در حال حاضر 30 قلم محصول دارای ضوابط خاص نگهداری، فروش، حمل و خرید است .عمدتاً بحث نگهداری دارای ضابطه است؛ مث لا کالاهای لوازمخانگی باید در انبارهای ویژه سامانه ویژه انبارها نگهداری شود و اگر در انبار عادی نگهداری شًود، ذیل تبصره 4 ماده 18 قانون مبارزه با قاچاق بوده و در حکم قاچاق است. بهطورکلی در ماده 3 دستورالعمل تبصره )4( الحاقی ماده) 18( قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است: «مصادیق کالاهای موضوع قاچاق و سایر ضوابط اختصاصی هر کالا حسب مورد به پیشنهاد دستگاه مربوط و تأیید ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعیین میگردد».

پس صرف ایرانی بودن سبب منع تعقیب نیست؛ بلکه حساسیت کالا نگهداری، حمل و خرید یا فروش آن طبق قانون معین شده است و تخطی از آن در حکم قاچاق است .

سؤال: اگر کالا سریع الفساد باشد ،چهکار باید کرد؟

جواب: بهطورکلی فروش کالا با صدور رأی قطعی است؛ لیکن اگر رأی قطعی صادر نشود کالا سریع

الفساد، سریع الاشتعال یا کالاهایی باشد که مرور زمان سبب تغییرات کمی و کیفی در آن میشود، طبق تبصرهماده 53 عمل میشود.

در تبصره 2 اصلاحی ماده 53 آمده است: «کلیه کالاهای موضوع مواد 25،25 مکرر و 26 و بند «الف» ماده 27 این قانون و دام به ترتیب در اختیار سازمان حفاظت محیطزیست، سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور، سازمان شیلات ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت جهاد کشاورزی قرار میگیرد. دستورالعمل نحوه تحویل و تحول، نگهداری و تعیین تکلیف این کالاها ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط ستاد با همکاری نهادهای مذکور تهیه میشود و به تصویب هیئتوزیران میرسد. کلیه سازمانها، نهادها و دستگاههای موضوع این ماده و تبصرههای آن موظفاند در مورد کالاهای سریع الفساد، سریع الاشتعال، احشام و طیور و یا کالاهایی که مرور زمان سبب ایجاد تغییرات کمی و کیفی در آنها میشود، پس از اخذ مجوز فروش از مرجع رسیدگیکننده، بلافاصله کالا را بر اساس مقررات مربوط به فروش برسانند». دقت شود که این فروش و اخذ مجوز قبل صدور رأی است؛ اما در سایر کالاها قبل از صدور رأی قطعی امکان فروش نیست .

**نکته:** در ماده 77 این قانون آمده است: «ماده 77ـ کلیه مبالغ حاصل از اجرای این قانون از قبیل وجوه ناشی از فروش کالا و ارز قاچاق، وسایل ضبطی و جریمههای وصولی به جز منابع حاصل از اموالی که لازم است در اختیار ولی فقیه قرار گیرد ،بهحساب ویژهای نزد خزانهداری کل کشور واریز میشود».

5- استعلام بررسی اسناد و مدارک ارائه شده توسط متهم: در صدر ماده 47 قانون مبارزه با قاچاق کالا

و ارز آمده است: «شعبه رسیدگی­کننده **مکلف است** جهت اتخاذ تصمیم درباره احراز قاچاق و یا حمل ،نگهداری، عرضه یا فروش کالا یا ارز قاچاق نسبت به **استعلام نظر کارشناسی مشورتی حسب مورد از**

**سازمانهای مأمور وصول درآمدهای دولت نظیر گمرك و بانك مرکزی در مورد تعیین ارزش کالا یا ارز مکشوفه و بررسی اسناد ابرازی جهت انطباق و تعلق به کالای مکشوفه اقدام نماید**»؛ بنابراین از این ماده دو استعلام تکلیف مرجع قضایی است.

مراد از اسناد در بند «ژ» ماده 1. الحاقی 1400 آمده است. یعنی **اسناد مثبته گمرکی: عبارت است از اصل یا تأییدیه الکترونیکی سند پروانه ورود گمرکی.**

نکته: طبق ماده 52 اصلاحی 1400 محدودیت زمانی مهلت زمان ارائه اسناد **ده روز** میباشد. در این ماده آمده است: «متهمانی که بهمنظور رد اتهام جرائم یا تخلفات موضوع این قانون به اسناد مثبته گمرکی استناد میکنند، مکلفاند **ظرف ده روز از زمان ابلاغ احضاریه یا جلب در مرجع رسیدگیکننده**، اصل آن سند را ارائه نمایند.

شرایط اسناد و مدارک ابرازی از سوی متهم شرایط اسنادی که در محاکم ارائه میشود:

1) اصل سند باشد مستند به ماده 52 و بند )ژ( ماده 1 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

2) محدودیت زمانی؛ مهلت زمان ارائه اسناد ده روز میباشد. (مستند به ماده 52 قانون)

3) محدودیت ارجاع به کارشناس، مستند به تبصره 3 ماده 47 قانون (الحاقی 1400)

4) محدودیت بررسی سند. مستند به ماده 47 قانون (اصلاحی 1400)

نکته 1: طبق ماده 42 مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[38]](#footnote-38) ، متوقف نمودن و بازرسی وسایل نقلیهای که ظن قوی به حمل کالا یا ارز قاچاق در مورد آنها وجود دارد، از سوی ضابطین نیاز به اذن موردی مقام رسیدگیکننده ندارد؛ لذا این ماده، ماده 55 قانون آیین دادرسی کیفری را در موضوع قانون قاچاق کالا و ارز نسخ میکند و طبق این قانون، در صورت بازرسی بدون اذن موردی، تخلف صورت نگرفته است .

نکته 2: در بررسی ادله (مدارک و اسناد ابرازی) نیز حسب قسمت اول ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (به غیراز نصوص مندرج در ماده اخیر) باید به قانون مجازات اسلامی (بخش پنجم از کتاب اول) مراجعه نماییم. مطابق ماده 160 قانون اخیرالذکر، ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است .بدیهی است قسامه و سوگند در رسیدگی به پروندههای قاچاق کالا و ارز جایگاهی ندارند .

نظریه کارشناسی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز:

طبق تبصره 3 ماده 47 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ،نمیتوان کالای مظنون به قاچاق را به کارشناس رسمی دادگستری ارجاع داد.

نکته: نظر کارشناسی مشورتی است و طریقت دارد و مطابق رویه قضایی میتوان آن را نپذیرفت و در صورتنپذیرفتن نظر کارشناس، طی یک مراحلی میتوان طبق ماده 144 امور گمرکی عمل کرد.

سؤال: اگر فرد به نظر کارشناسی اعتراض داشت چه باید کرد؟ فرض بر این است که نمیتوان به هیات سه نفره کارشناسان دادگستری ارجاع داد.

جواب: اگر افراد به نظر کارشناسی اعتراض کنند به کمسیون حل اختلافات گمرکی ارسال میشود؛ در ماده 144 قانون امور گمرکی آمده است: «مرجع رسیدگی به اختلافات گمرکی در تشخیص تعرفه، ارزش کالا ،جریمهها بهغیراز موارد قاچاق گمرکی، قوه قهریه )فورس ماژور( و مقررات گمرکی، کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی است».

6- صدور رأی:

طبق ماده 45 قانون مبارزه با قاچاق[[39]](#footnote-39) صدور رأی فقط باید ظرف مدت یك ماه باشد و اگر ظرف مدت یک ماده نتوان رأی صادر نمود باید علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق ارسال نماید. مقام مافوق در دادسرا دادستان است .توجیه­گر این مهلت دادن کوتاه سیاست افتراقی خاص در جرائم قاچاق است.

سؤال: اگر قانونگذار قاضی را مکلف به رسیدگی و صدور رأی ظرف یک ماه کرده است؛ لیکن مراجع استعلام یا ضابطان و یا سایر مراجع اجرایی در انجام وظایف خود کوتاهی کنند، تکلیف چیست؟

پاسخ: در ماده 74 قانون مبارزه با قاچاق ضمانت اجرای تخطی از دستور مقام قضایی آمده است: «مسئولان مستقیم دستگاههای کاشف و مأمور وصول درآمدهای دولت و سایر مراجعی که برای رسیدگی به پروندههای قاچاق موضوع این قانون مورد خطاب کتبی مرجع رسیدگیکننده و یا دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت قرار میگیرند، چنانچه ظرف بیست روز از تاریخ وصول استعلام نسبت به پاسخگویی مستند اقدام ننمایند ،به مجازات منع اشتغال در شغل خود در نوبت اول و انفصال موقت تا شش ماه از خدمات دولتی در نوبتهای بعدی محکوم میگردند، مگر اینکه اثبات نمایند عدم ارسال پاسخ، مستند به عذر موجه قانونی بوده است .

رسیدگی به این امر در صلاحیت محاکم کیفری دادگستری مراکز استانها میباشد».

1. تعیین و اعلام وقت رسیدگی به گمرک **ظرف ده روز**: اگر گمرک هم نیامد، مانع تشکیل جلسه رسیدگی نیست .
2. ارسال نسخه رأی محکومیت به سازمان اموال تملیکی و کمسیون مربوطه.
3. اگر رأی برائت یا محکومیت صادر شود باید طبق ماده 50 مکرر1علاوه بر متهم، به ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، دستگاه کاشف ضابط و دستگاه مأمور وصول درآمد دولت و دادستان باید ابلاغ شود. در حال حاضر رأی به کمسیون مبارزه با قاچاق استان ارسال میشود و کمسیون خودش به مراجعه فوق ارسال میکند؛ لیکن اگر سامانه SCMS و لینک آن به سامانه CMS قضایی راهاندازی شود، خود سامانه به مراجع مذکور ارسال میکند.

در ماده 50 مکرر 1)الحاقی( قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است: «قرارهای منع و موقوفی تعقیب و احکام صادره از دادسراها و شعب مراجع رسیدگیکننده، علاوه بر متهم، به ستاد، دستگاه کاشف ،ضابط، دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت و دادستان، ابلاغ میشود. هریک از موارد زیر ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض یا تجدیدنظرخواهی توسط دادستان، ستاد، دستگاه کاشف، ضابط و دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت میباشد.»

نکته: اگر رأی برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب باشد؛ طبق ذیل ماده 50 مکرر یک آمده است:

«هریک از موارد زیر ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض یا تجدیدنظرخواهی توسط دادستان ،ستاد، دستگاه کاشف، ضابط و دستگاه مأمور وصول درآمدهای دولت میباشد:

الف- رأی مبنی بر منع، موقوفی تعقیب یا برائت باشد.

1. رأی نسبت به برخی از متهمین مبنی بر منع، موقوفی تعقیب یا برائت باشد.

پ- رأی نسبت به بخشی از کالا و ارز مبنی بر منع، موقوفی تعقیب یا برائت باشد.

1. رأی نسبت به برخی از عناوین اتهامی متهم یا متهمین پرونده مبنی بر منع، موقوفی تعقیب یا برائت باشد.
2. رأی محکومیت در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف قانون، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته است یا بدون درنظرگرفتن بخشی از کالا یا ارز، صادر شده باشد یا با اتخاذ عنوان اتهامی ناصحیح، کمتر از میزان مقرر قانونی تعیین شده باشد.»

نکته مهم: آرای سازمان تعزیرات حکومتی مبنی بر برائت تا 200 میلیون باشد، قابل اعتراض نیست؛ برخلاف دادسرا که اگر یک پرونده مشروب در دادسرا منجر به منع تعقیب شود، همه مراجع فوق قابلیت اعتراض را دارند. البته اگر رئیس سازمان تعزیرات حکومتی یا رئیس قوه قضائیه تشخیص دهد، قابلیت اعتراض را دارد .

پس صدور حکم و قطعیشدن آن ماده 54 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز راجع به اموال اجرا میشود؛ «در موارد صدور رأی قطعی برائت متهم و حکم به استرداد کالا، صاحب کالا در صورت وجود عین، مستحق دریافت آن و در غیر این صورت حسب مورد مستحق دریافت مثل یا بهای کالا به قیمت روز فروش بوده و درصورتیکه فروش شرعاً یا قانوناً جایز نبوده، در خصوص پرداخت قیمت، مستحق قیمت یوم الاداء میباشد. حکم این ماده شامل کالاهایی که فروش آنها قانوناً جایز نیست ،نمیگردد. تبصره- در مواردی که موضوع ماده مرتبط با قاچاق ارز باشد، ارز واریزی بهحساب بانک مرکزی با رعایت مقررات مربوط به صاحب آن مسترد میشود.» توضیح آنکه:

اگر منع تعقیب یا برائت صادر شود؛

اگر کالا موجود است؛ عین آن مسترد میشود.

اگر عین کالا موجود نیست؛ دو راهکار وجود دارد: 1- نگه دارنده با رعایت مقررات قانون و اخذ دستور )ماده 53 راجع به اموال سریع الفساد یا رأی قطعی فروخته است[[40]](#footnote-40)(فروخته است، مکلف به استردادحاصل فروش به بهای روز فروش است .

اگر عین کالا موجود نباشد و برخلاف قانون فروش رود ،**به قیمت روز استرداد )یوم الاداء(**پرداخت میشود.

اگر محکومیت به قاچاق صادر شود؛

مجازات قاچاق: 1- جریمه یا جزای نقدی2- ضبط کالا است .

ضبط کالاتوسط اموال تملیکی کالا را سازمان اموال تملیکی ضبط و میفروشد.

اما جریمه: ظرف 20 روز محکومعلیه باید جریمه را بدهد؛ و اگر پرداخت نکرد طبق ماده 60 قانون مبارزه با قانون قاچاق کالا و ارز به ترتیب اولویت دو راهکار وجود دارد؛

1. از محل اموال شناسایی شده متهم. )موضوع ماده48قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز(
2. وثیقه تودیعی جریمه پرداخت میشود.

در ماده 60 آمده است: «درصورتیکه محکومان به جریمههای نقدی مقرر در این قانون ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی به پرداخت جریمههای مقرر اقدام ننمایند، جریمه نقدی از محل وثیقههای سپردهشده و یا فروش اموال شناساییشده محکو م علیه أخذ و مابقی به مالک مسترد میشود و چنانچه اموالی شناسایی نشود و یا کمتر از میزان جریمه باشد و جریمه مورد حکم، وصول نشود، جرائم نقدی مذکور مطابق قانون آیین دادرسی کیفری حسب مورد با دستور قاضی اجرای احکام دادسرای مربوطه یا قاضی اجرای احکام تعزیرات حکومتی که از بین قضات دارای پایه پنج قضائی به روش مندرج در ماده )49( این قانون انتخاب میشوند **به حبس تبدیل میشود. درهرصورت حبس بدل از جزای نقدی نباید از پانزده سال بیشتر باشد.**

**تبصره 1** **-**در مورد احکام صادره از شعب تعزیرات حکومتی پرونده جهت صدور حکم مبنی بر تبدیل جزای نقدی به حبس به شعبه یا شعبی از دادگاههای حوزه قضائی مربوطه که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین میشود ارجاع میگردد تا ظرف ده روز نسبت به مورد، اقدام مقتضی معمول نمایند.

**تبصره 2** **-**جزای نقدی مازاد بر حبس تبدیلی در صورت شناسایی اموالی از محکو م علیه، حتی پس از اتمام حبس وصول میگردد.

**تبصره ۳(الحاقی) -**در رسیدگی به جرائم و یا تخلفات موضوع این قانون، رفع مسئولیت وثیقهگذار و آزادی وثیقه تنها با تودیع وثیقه نقدی یا ملکی جایگزین و صدور قرار قبولی تأمین برای آن یا با اجرای کامل حکم امکانپذیر است و این موضوع و همچنین امکان برداشت جزاء یا جریمه نقدی از محل وثیقه تودیع شده توسط متهم یا دیگری، هنگام اخذ وثیقه بهصورت کتبی به وثیقهگذار تفهیم و در پرونده درج میشود.

استنکاف از اجرای این تبصره، مستوجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.»

## دو مطلب مهم

### 1-استثناء کردن بازرسی خودروهای مظنون به حمل کالای قاچاق از لزوم اخذ از اذن موردی موضوع ماده55ق.آ.دک

به این نکته در بخش اول بهصورت مختصر اشاره شد .در قانون اصلاح مجدداً قانونگذار به سراغ نگاه افتراقی به قاچاق کالا و ارز از ضوابط عام آیین دادرسی کیفری رفته است .بهعنوان نمونه استثناء کردن بازرسی خودروهای مظنون به حمل کالای قاچاق از لزوم اخذ اذن موردی مقام قضایی موضوع ماده 55 قانون آ.د.ک بوده است. در ماده 55 قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: اما در ماده 42 مکرر قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب1400 آمده است: «متوقف نمودن و بازرسی وسایل نقلیهای که ظن قوی به حمل کالا یا ارز قاچاق یا ارتکاب قاچاق کالا یا ارز در مورد آنها وجود دارد، از سوی ضابطین **نیاز به اذن موردی مقام رسیدگی­کننده ندارد**». در نتیجه در قانون آیین دادرسی کیفری جواز تفتیش فقط در جرائم مشهود است، اما در ماده 42 مکرر چنین اذنی لازم نیست.

به صراحت ماده 50 قانون مبارزه با قاچاق1تجدیدنظر در آرای قضایی تابع قانون آیین دادرسی کیفری است؛ اما در تجدیدنظر در امور قاچاق تابع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است و قواعد متفاوت دارند. از سوی دیگر آرای صادر از شعب تعزیرات حکومتی در بحث قاچاق قابل تجدیدنظر در شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی نیست؛ مگر اعاده دادرسی که در ماده 50 مکرر3 این قانون[[41]](#footnote-41)آمده است که به تشخیص رئیس محترم قوه قضائیه است .

### 2-اختیارات ضابطین در ورود به انبارها و اماکن خصوصی (اذن ورود به مخفیگاه)

طبق ماده42 مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[42]](#footnote-42) در بحث نحوه اختیارات ضابطین در ورود به انبارها و اماکن خصوصی تا قبل اصلاح 1400 با اذن مقام قضایی بود؛ اما در حال حاضر اصلاح شده و بهجای آن کلمه (مرجع رسیدگی­کننده) درج شده است؛ لذا در حال مقامات تعزیرات نیز شأنیت اذن در این موارد را دارند. اماکن عمومی نیز به استناد ماده 55 قانون آیین دادرسی کیفری از اساس نیاز به اخذ مجوزندارند .

تا بدین جا وظایف قاضی در دو بخش تشکیل پرونده در تحقیقات مقدماتی و رسیدگی بیان شد. در ادامه به برخی وظایف مدیران دفتر اشاره میشود؛

### وظایف مدیران دفتر

ماده 73 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: ثبت اطلاعات محکومان در سامانه محکومان قاچاق کالا و

ارز: در ماده 73 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است: «بهمنظور ثبت و دسترسی سریع به سوابق محکومان و ارائه آن به مراجع ذیربط، پایگاه اطلاعات محکومان قاچاق کالا و ارز در مرکز فن آوری و اطلاعات قوه قضائیه تشکیل میگردد. تمامی واحدهای اجرای احکام مکلفاند بهمحض دریافت رأی قطعی محکومیتهای راجع به قاچاق کالا و ارز، مشخصات فردی محکومان را در این پایگاه ثبت نمایند.مبادله اطلاعات بین سازمان تعزیرات حکومتی و قوه قضائیه باید به نحوی باشد که امکان تعامل دادهها و استفاده کاربران طرفین وجود داشته باشد. **تبصره** **-**نحوه و سطوح دسترسی مراجع ذیربط به دادهها بهموجب آییننامهای است که توسط سازمان تعزیرات حکومتی و قوه قضائیه تهیه میشود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازمالاجرا شدن این قانون، به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد».

## فصل سوم: صلاحیتها در جرائم قاچاق کالا و ارز

چنانکه بیان شد اولین وظیفه قاضی در مواجهه با پرونده توجه به صلاحیت است؛ در ادامه بهصورت تفصیلی مباحث این مبحث بیان خواهد شد .مقدمه فهم صلاحیتها در امور قاچاق با ذکر دو گفتار ذیل است.

پس از بیان این دو گفتار مباحث تفصیلی صلاحیتها در جرائم قاچاق کالا و ارز بیان خواهد شد.

### گفتار اول: نحوه صدور قرار عدم صلاحیت توسط مرجع قضایی و مراجع تعزیرات حکومتی

بر اساس قواعد عمومی صلاحیت در صدور قرار عدم صلاحیت به صلاحیت مراجع غیرقضایی (شبه قضایی یا غیرقضایی) باید ابتدا پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شود و دیوان خود قرار عدم صلاحیت صادر کند. ماده 28 قانون آیین دادرسی مدنی بیان میکند: «هرگاه بین دادگاههای عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت، اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاهها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رأی دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت، لازمالاتباع میباشد».

اما سیاست کیفری افتراقی در این مبحث بر اساس اصل )اصل تسریع در رسیدگی-مثل صدور رأی ظرف یک ماه مذکور در ماده 47 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز( که لازمه جرائم اقتصادی است، ارجاع به دیوان را مستثنی کرده است؛ یعنی قرار عدم صلاحیت در جرائم قاچاق کالا و ارز مستثنی از ماده 27 ق.آ.د.ماست؛ مستند این سخن تبصره ماده 44 قانون مبارزه با قاچاق است؛ «تبصره- درصورتیکه پس از ارجاعپرونده به سازمان تعزیرات حکومتی و انجام تحقیقات محرز شود رسیدگی به جرم ارتکابی در صلاحیت مرجع قضائی است، شعبه مرجوع الیه مکلف است بلافاصله قرار عدم صلاحیت خود را صادر کند. این قرار پس از تأیید مقام مافوق شعبه در سازمان تعزیرات حکومتی و یا در صورت عدم اعلام نظر آن مقام ظرف مدت یک هفته، قطعی است و پرونده مستقیماً به مرجع قضائی ذیصلاح ارسال میشود. همچنین در مواردی که پرونده به تشخیص مرجع قضائی در صلاحیت تعزیرات حکومتی است، پرونده مستقیماً به مرجع مذکور ارسال میگردد[[43]](#footnote-43) و شعب سازمان تعزیرات حکومتی مکلف به رسیدگی میباشند. مقررات این تبصره از شمول ماده) 28( قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب )در امور مدنی( مصوب 21 /1 /1379 مستثنی است».

به اعتقاد استاد محترم شعب رسیدگی­کننده قضایی به جرائم قاچاق )در مراجع دادگاه انقلاب( باید ویژه باشند؛ زیرا طبق بند الف ماده 11 قانون مبارزه با قاچاق[[44]](#footnote-44) سایر شعب حق رسیدگی ندارند. در برخی از استانها نیز ابلاغ ویژه صادر شده است.

در نهایت اگر مرجع قضایی به مرجع شبه قضایی )شعبه های ویژه تعزیرات( ارسال کند، دیگر آن شعبه حق اختلاف ندارد؛ بلکه اصل تسریع در رسیدگی اقتضای صدور فوری رأی را دارد و این تعلل به دلیل عدم صلاحیت پذیرفته نیست.

نکته مهم:

برای صدور قرار عدم صلاحیت در دادسرا اصلاً مرجع قضایی نیازی به موافقت دادستان یا دادیار اظهارنظر نیز ندارد؛ زیرا در ماده 51 قانون مبارزه با قاچاق میفرماید: در موارد غیر مصرح در این قانون میتوان به قانون آ.د.ک عمل کرد و در موارد مصرح باید طبق این قانون عمل کرد. در این مورد طبق تبصره ماده 44 مرجع قضایی باید مستقیماً پرونده را با صدور قرار عدم صلاحیت به شعب ویژه تعزیرات بفرستند؛ پس نمیتوان طبق قوانین عمومی قانون آیین دادرسی کیفری عمل نمود؛ در نتیجه نیازی به تأیید مقام مافوقنیست1؛ اما دررابطهبا تعزیرات که شعب ویژه صلاحیت رسیدگی دارند؛ آن شعب اگر قرار عدم صلاحیتصادر کنند، باید به مقام مافوق خود ارسال کنند تا آن مقام **ظرف یك هفته** اظهارنظر کند؛ اگر ظرف یک هفته اعلان نظر نکند ،)بدون توجه به نظر مقام مافوق( پرونده را مستقیماً به مرجع قضایی ذیصلاح ارسال میشود.

|  |
| --- |
| **برای مطالعه بیشتر**  چنانکه ذکر شد جز در موارد مصرح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز شعب ویژه تعزیرات حکومتی تمام اختیارات مقام قضایی را در رسیدگی به پرونده بهجز یک مورد دارند؛ قبل از قانون اصلاح ورود به مخفیگاه الزاماً نیاز به دستور مقام قضایی بود؛ اما در قانون مبارزه با قاچاق خود شعب چنین اختیاری را دارند .استناد این امر ماده 46قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است[[45]](#footnote-45). پس فقط یک موردنیاز به دستور مقام قضایی است که طبق تبصره یک ماده 60 یعنی تبدیل جریمه نقدی به حبس است. این مطالب در مباحث آتی مفصل بحث خواهد شد. |

## گفتار دوم. احکام صلاحیتها در امور قاچاق

باید پاسخ سؤالات ذیل را داد تا صلاحیت رسیدگی روشن شود؛

1. تشریفات قانون کجا نقض شده است؟ (پاسخ آن صلاحیت محلی را روشن میکند)
2. توسط چه کسی تشریفات قانون نقض شده است؟ (پاسخ به این سؤال بخش رفتار مجرمانه عنصر مادی را روشن میکند).

سؤال: اگر واردکننده آقای حسن باشد و مالک کالا آقای حسین باشد که در تهران است و در ارتکاب قاچاق جز در پرداخت پول و پشتیبانی مالی کاری نکرد باشد؛ این فرد (حسین) چه مجازاتی دارد؟

پاسخ: طبق قوانین جزای عمومی در مثال فوق معاون است؛ حال اگر شرایط معاون را نداشته باشد ،حتی نمیتوان تحت معاونت وی را مورد تعقیب قرارداد؛ مثلاً وحدت قصد یا اقتران رفتار معاونت با مباشر وجود نداشته باشد، معاونت وی منتفی است. مثل آنکه راننده خودرو کالا را در بندر خودش با پول خودشمیخرد و در تهران به فرد )در مثال بالا حسین( دهد؛ بدون آنکه حسین نقشی در عملیات قاچاق داشته باشد.

بی تردید این پاسخ اگرچه صحیح است؛ اما نوعی خلأ تقنینی است. زیرا قطع و یقین تبانی بین مالک کالا و حامل محرز است؛ اگرچه دلیل اثباتی بر آن نیست .به همین دلیل در قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق مصوب 1400 در تبصره 3 ماده 63 در اینباره چاره اندیشی شد و قانونگذار چنین معاونتی را بهصورت مستقل جرمانگاری کرده است. حال اگر راجع به فردی رفتار شرایط معاونت نیز وجود نداشته باشد، طبق تبصره مذکور مجازات میشود. در ماده تبصره سه ماده 63 آمده است: «**چنانچه شخصی بدون دخالت در**

عملیات مادی، دستور یا سفارش ارتکاب جرائم یا تخلفات موضوع این قانون را داده باشد یا کالا یا ارز قاچاق یا عواید و سود حاصل از آن متعلق به وی باشد، به مجازات مباشر جرم یا تخلف ارتکابی محکوم میگردد. این مجازات مانع از اعمال مجازات مباشر نیست»؛ بنابراین راجع به چنین اشخاصی قانونگذار خود فرد را بهعنوان مباشر در قاچاق تلقی کرده و مجازات و احکام قاچاق را برای آن قرار داده است.

در همین پروندهها پرونده بوده است که وکیل فرد بر اساس قواعد عمومی به بیانی که گذشت سعی در فریب دادرس داشته است؛ اما در حال حاضر با وجود تبصره سه ماده 63 مسئله روشن است .

بنابراین، در جرائم قاچاق کالا و ارز سه نفر ممکن است حاضر باشند؛

1. واردکننده: حسب مورد مجازات میشود؛ معمولاً بند الف ماده 113 قانون امور گمرکی.
2. حامل یا نگهدارنده: طبق ماده 18 و 22 مبارزه با قاچاق کالا و ارز حسب مورد که کالا ممنوع یا غیر آن باشد. [[46]](#footnote-46)

عین وسیله

3- مباشر معنوی: تبصره سه ماده 63 مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

بیان صلاحیتها

1. صلاحیت محلی: راجع به صلاحیت محلی در امور قاچاق همان قواعد عمومی صلاحیت محلی در قانون آیین دادرسی کیفری رعایت میشود؛ بنابراین فرقی بین بزه قاچاق با سایر جرائم نیست.
2. صلاحیت ذاتی:

بهطورکلی مراجع صلاحیتدار رسیدگی به پروندههای قاچاق کالا و ارز را میتوان به دودسته تقسیم کرد:

الف) مرجع تعیین تکلیف پرونده. یعنی چه مراجعی حق رسیدگی ماهوی )شان قضایی( به پرونده را دارند.

ب) مرجع تعیین تکلیف کالا: حال اگر کالایی کشف شد با آن چه باید کرد؟ )که بر عهده سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی میباشد( مراجع تعیین تکلیف پرونده به دودسته تقسیم میشود:

دسته اول: مراجع اداری (کاشفین و ضابطین)چند نکته:

1- تعداد کاشفین در امور قاچاق کالا در ماده 36 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[47]](#footnote-47) آمده است. در این ماده از روش احصائی در تعیین ضابطان و کاشفان استفاده کرده است؛ بنابراین روش تمثیلی کنار گذاشته شده است .

2- کاشفین دو گونهاند: کاشف ضابط: مثل نیروی انتظامی، اطلاعات سپاه، نیروی دریایی سپاه یا وزارتاطلاعات. کاشفین غیر ضابط نیز در ماده 36 ذکر شده است .اختیارات کاشفین و ضابطین در قانون آمده است و مختص ضابطان است و بحثی برای قضات ندارد .

بررسی تفصیلی شأن قضایی ضابطین و کاشفین (موضوع ماده 21 قانون مبارزه با قاچاق1) در مراجع مذکور که صرفاً اداری صرف میباشند، بحث رسیدگی تحت این عنوان که بخواهند تفهیم اتهام، اخذ دفاعیات و غیره را انجام دهند وجود ندارد، لذا صرفاً تعیین تکلیف پرونده را انجام میدهند؛ اما با وجود شرایط ماده 21 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز2 همین ضابط میتواند عملکرد قضایی داشته باشد؛ شرایط این ماده عبارت است از:

1. اگر ارزش کالا تا پنج میلیون تومان باشد: ارزش کالا زمانی که کاشفین یا ضابطین صلاحیت تعیین تکلیف پرونده را دارند، تا قبل از اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز یک میلیون تومان بود. اما بعد از اصلاح باید ارزش کالا تا 5 میلیون تومان باشد. شروط دیگری نیز دارد که باید به ماده 21 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز رجوع کرد[[48]](#footnote-48).
2. کالا موضوع ماده 18 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز باشد )یعنی کالای غیر ممنوع باشد( صلاحیت تعیین تکلیف پرونده توسط کاشفین و ضابطین در پروندههای کالاهای موضوع ماده 18 قاچاق کالا که در واقع مجاز ،مجاز مشروط و یارانهای میباشد صادق است؛ بنابراین اگر پروندهای دررابطهبا تبصره ۲- مرتکب قاچاق موضوع این ماده در صورت تکرار برای مرتبه سوم و بالاتر علاوه بر ضبط کالا ویا ارز به جریمه نقدی موضوع ماده) ۱۸( این قانون محکوم میگردد.

تبصره 3 - به کشفیات موضوع این ماده وجهی تحت عنوان حق الکشف یا پاداش تعلق نمیگیرد.

کالای ممنوع بود، صلاحیت آن برای دادسرا و دادگاه انقلاب میباشد و کاشف صلاحیت تعیین تکلیف پرونده را ندارد؛ بنابراین اگر مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره توسط ضابط کشف شود، حتی زیر پنج میلیون تومان حق رسیدگی ندارد .

نکته: اگر مرتبه سوم و بالا تر باشد، شرایط فوق باشد )1- ارزش کالا پنج میلیون یا کمتر باشد2- کالا ممنوعه نباشد. )ماده18ق.قاچاق کالا باشد(.، دیگر کاشف حق رسیدگی ندارد؛ بلکه در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است .

یکی دیگر از اختیارات این ضابطان ضبط کالا است؛ در ماده 43 و 53 از کلمه توقیف استفاده کرده است؛ اما در ماده 21 از کلمه ضبط استفاده کرده است؛ در اینجا یک رسید به فرد میدهد؛ این فرد این امکان را دارد که به شعب سازمان تعزیرات رجوع کند و اعتراض نماید .نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این که در واقع در مراجع اداری اصلاً پرونده تشکیل نمیشود و فقط تعیین تکلیف پرونده که مطابق گزارش کشف ارسال شده است، وفق ماده 21 قانون قاچاق رسیدگی میشود.

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **شأن قضایی ضابطین و کاشفین (موضوع ماده 21 قانون مبارزه با قاچاق)**  **1- ارزش کالا پنج میلیون یا کمتر باشد2- کالا ممنوعه نباشد. (ماده18ق.قاچاق کالا باشد).** | | | | |
| **مرجع تحویل­گیرنده کالا** | **مدت اعتراض** | **مرجع تجدیدنظر از رفتار ضابط** | **مرجع تصمیم­گیر** | **تشخیص­دهنده** |
| سازمان اموال تملیکی | 10 روز | شعب سازمان تعزیرات حکومتی | کاشف | **کاشف** |

### دسته دوم: مراجع رسیدگیکننده( قضایی یا شبه قضایی)

1- شعب ویژه سازمان تعزیرات حکومتی

در اینجا اصل بر صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است؛ چنانکه گفته شد صلاحیت اصلی و اولیه رسیدگی به عناوین مجرمانه قانون قاچاق کالا و ارز با شعب ویژه قاچاق تعزیرات است؛ کالای مجاز، مجاز مشروط ،یارانهای و ارز و کالاهای ماده 18 مکرر و تبصره 4 ماده 18 اصل اولیه باصلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی است.

تا قبل از 10/02/1401 راجع به صلاحیت مراجع قضایی گفته میشد: کالای ممنوع )اگر قاچاق باشد، انقلاب و اگر قاچاق نباشد، با دادگاههای عمومی( ]درهرصورت مرجع رسیدگی مراجع قضایی دادگستری است؛ خواه عمومی خواه انقلاب[ و کالاهای دیگر اگر اولاً قاچاق باشند و ثانیاً قاچاق حرفهای، سازمانیافته، مستلزم حبس یا مستوجب انفصال از خدمات دولتی و یا بهقصد مقابله با نظام و ... باشد، در صلاحیت انقلاب است؛بنابراین تبصره4 ماده 18 تا قبل 10/02/1401 در هیچ حالتی در صلاحیت انقلاب نبود و همیشه در صلاحیت تعزیرات حکومتی بود؛ چون اساساً هیچگاه قاچاق محسوب نمیشد؛ تا قبل از 10/02/1401تحقق عنوان قاچاق برای صلاحیت دادگاه انقلاب موضوعیت داشت )طبق آرای وحدت رویه؛ اما از تاریخ 10/02/1401 به بعد هدف تمرکز رسیدگی در قاچاق کالا در دادگاه انقلاب و ساماندهی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با تصویب تبصره 5 ماده 63 قانونگذار هم قاچاق و هم جرمانگاریهای مرتبط با آن )حتی اگر ذیل تعریف قاچاق نباشد را در صلاحیت دادگاه انقلاب برده است.

8 الی 12، 16، 19، 20، 30 الی 32، 34 الی 36، 38 الی 50، 53 الی 60، 65 الی 68، 70، 71، 73، 74 و 77 این قانون و تبصرههای این مواد، در مورد همه جرائم و تخلفات موضوع این قانون به جز تبصره 5 ماده 2مکرر جاری است». در این ماده از عنوان قاچاق صرفنظر کرده است؛ و فقط حکم، آثار و مجازات های قاچاق را ذکر کرده است؛ بنابراین تا قبل تصویب این تبصره فقط راجع به قاچاق عناوین حرفهای بودن ،سازمانیافته بودن و ... (بند2 ماده67 یا ماده یک)قابلتصور بود؛ اما پس از تصویب این تبصره این عناوین راجع به غیر قاچاق نیز قابلتصور بوده و به تناسب آن حکم و اثر قاچاق را دارند؛ بنابراین فرض رسیدگی آنها در انقلاب تحقق پیدا کرده است .

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| بررسی وضعیت صلاحیت دادگاه انقلاب در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز | | | |
| وضعیت صلاحیت بعد از  1401/02/10 | عامل تغیر و تحول | وضعیت صلاحیت  تا قبل از  1401/02/10 | تاریخ |
| بنابراین، حتی اگر رفتاری موضوعا قاچاق نباشد، حکم، اثر و مجازات  قاچاق را دارد؛ پس میتواند متصف  به حرفهای بودن ،سازمانیافته بودن و غیره شود. | تصویب تبصره 5  ماده 63 قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز  مصوب10/02/1401 | تحقق عنوان قاچاق برای صلاحیت دادگاه انقلاب  موضوعیت داشت | تشریح |
| با اتصاف به حرفهای بودن ،سازمانیافته بودن و ... در صلاحیت انقلاب قرار میگیرند.  نتیجه دوم: دیگر دادگاه کیفری2 هیچ صلاحیت رسیدگی ندارد؛ چون همه رفتارها حکم و اثر قاچاق را دارند. |  | 1- فقط قاچاق میتوانست متصف به حرفهای بودن ،سازمانیافته بودن و غیره شود و در نهایت در صلاحیت دادگاه انقلاب شود.  2- دادگاههای عمومی نیز در مواردی که قاچاق نباشد )نگهداری، حمل ،عرضه برای فروش و فروش( ،صلاحیت رسیدگی دارند . | نتیجه |

بنابراین، طبق تبصره5 ماده 63 رفتارهای دیگری که ذیل تعریف قاچاق نیز نمیباشند، میتوانند اثر و احکام قاچاق داشته باشند و در صورت اتصاف به شرایطی چون سازمان بافته بودن ،حرفهای بودن و غیره در صلاحیت انقلاب قرار گیرند؛ بهطورکلی در قانون حال حاضر مبارزه با قاچاق کالا و ارز اصل بر صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی است و فقط به جهات و ویژگیهای قانونی )مثل حرفهای یا سازمانیافته بودن آن(، از صلاحیت تعزیرات خارج و داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب میشود.

آثار قاچاق تلقی شدن سایر رفتارهای راجع به کالاهای ممنوعه

در حال حاضر نگهداری مشروبات الکلی یا هر کالای ممنوعه اثر قاچاق را دارد؛ در نتیجه میتواند متصف به حرفهای بودن شود[[49]](#footnote-49) )مستند به سه سابقه قاچاق داشته باشد حرفهای است(؛

تا قبل 10/02/1401 چون عنوان قاچاق ندارد، حتی اگر بیش از سه مرتبه شود ،اصلاً حرفهای تلقی نمیشود؛ چون ملاک برای حرفهای تلقیشدن قاچاق بودن است؛ اما پس از 10/02/1401 اگر این رفتارها را انجام دهد ،به استناد تبصره5 ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق اثر قاچاق را دارد و میتواند فرد وصف قاچاقی حرفهای را پیدا کند. پس باید زمان ارتکاب عمل معین شود. هرچه بعد تاریخ10/02/1401 باشد، اثر و احکام قاچاق رادارد .

تذکر مهم:

اگر اختلافی بین دادسرا و دادگاه انقلاب تعزیرات حکومتی پیش آید، اصل در صلاحیت تعزیرات است، چرا که اصل بر غیر ممنوعه بودن یا غیرسازمان یافته بودن یا غیرحرفهای بودن ،یا مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی است. اما در صورت شک و اختلاف در این موضوع، طبق تبصره ماده 44 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز این اختلاف به دیوان عالی کشور نمیرود؛ بنابراین اگر بین تعزیرات و دادسرا و دادگاه انقلاب اختلافنظر بود، تعزیرات عدم صلاحیت به انقلاب صادر میکند و اگر دادسرا این عدم صلاحیت را نپذیرفت و پرونده را دوباره برگرداند، تعزیرات باید تبعیت کند.

نکته 1: اصل در صلاحیت رسیدگی، سازمان تعزیرات حکومتی است. چرا که اصل به غیر ممنوع بودن کالا و یا اصل بر غیرسازمانی بودن یا غیرحرفهای بودن و غیر مستلزم حبس بودن است.

نکته 2: مرجع قضایی در موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به طور کامل دادسرا و دادگاه انقلاب میباشد؛ لذا در تمام مواردی که جرم موضوع قاچاق کالا بوده و در صلاحیت رسیدگی قوه قضائیه باشد ،همگی در صلاحیت دادگاه انقلاب است. در نتیجه بااینوجود آرای شماره 751 و809 هیات عمومی دیوان عالی کشور بلااثر شده است و نیز به استناد ماده 50 مکرر) 2( اگر قاچاق به همراه جعل و ارتشاء، رشا و غیره باشد، یعنی هم قاچاق و هم جعل اتفاق افتاده است، در صلاحیت انقلاب میباشد. در واقع به این معنی است که حدود صلاحیت ذاتی به نفع دادسرا و دادگاه انقلاب است. حتی اگر قاچاق عادی )در صلاحیت تعزیرات حکومتی( به همراه جعل باشد، بازهم در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

درصورتیکه جرم صورتگرفته سازمانیافته، حرفهای، مستلزم انفصال از خدمات دولتی، مستلزم حبس و یا بهقصد مقابله با نظام باشد و متهمان متعدد بوده و رسیدگی به یکی از جرایم متهمین در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب باشد، همگی در صلاحیت دادگاه انقلاب میباشد. بهصورت تفصیلی در مباحث آتی به صلاحیت دادگاههای انقلاب در جرائم قاچاق کالا و ارز اشاره خواهد شد.

قانونگذار در اصلاحیه سال 1400، نهتنها همه جرایم و تخلفات قانون موضوع مبارزه با قاچاق کالا و ارز را در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته «البته آنهایی که در صلاحیت تعزیرات است، جدا میباشد» یک کار بدیع دیگری نیز کرده و آن اینکه عناوین قانونی که موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیست و قطعاً هم قاچاق نیست را در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب دانسته، چرا که مرتبط با قاچاق است .مثلاً ماده 50 مکرر 2 که قطعاً قاچاق نیست، اما در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب دانسته است.

نکته: همیشه باید دادسرا و دادگاه انقلاب را در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هم آورد. نمیتوان استنادااستناداًبه ماده 340 قانون آیین دادرسی کیفری، ارجاع مستقیم به دادگاه در موضوع قاچاق کالا و ارز داشت، چرا که طبق ماده 51 قانون مبارزه با قاچاق، در صورتی میتوان به آیین دادرسی کیفری رجوع کرد که قواعد و مقرراتی در قانون قاچاق کالا و ارز قانون پیشبینینشده باشد. اما هرجا در این قانون، دادگاه انقلاب آورده است قبل از آن دادسرا را نیز ذکر کرده است. پس، ما هیچگونه ارجاع مستقیم به دادگاه نداریم و استناد به ماده 340 قانون آیین دادرسی کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز معنی ندارد.

موارد قانونی صلاحیت دادگاه انقلاب

1-کالا ممنوع باشد:

درصورتیکه کالا ممنوع باشد درهرصورت) چه رفتار ماهیتاً قاچاق باشد چه نباشد(، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب میباشد و نمیتوان آن را طبق ماده 21 قانون قاچاق مورد بررسی قرارداد. چرا که ماده 21 قانون مذکور، به ماده 18 اشاره کرده است و در ماده 18، کالای ممنوع ذکر نشده است .

رسیدگی به کالای ممنوع صلاحیت ذاتی دادسرا و دادگاه انقلاب ،میباشد و رأی شماره 736 هیات عمومی دیوان هم دراینخصوص حاکم میباشد. اما صلاحیت عرضی دادسرا و دادگاه انقلاب هم مواردی است که در ادامه ذکر میشود.

سؤال: چرا دیگر در مباحث قاچاق دادگاه کیفری2)دادگاه عمومی( صالح به رسیدگی نیست؟

تا قبل از اصلاحیه جدید قانون قاچاق کالا و ارز اصل در صلاحیت رسیدگی، شعب ویژه سازمان تعزیرات حکومتی بود و در مرحله بعد در مراجع قضایی )دادسرا و دادگاه انقلاب و دادگاه کیفری 2( رسیدگی میشد؛ دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به نگهداری و حمل مشروبات الکلی و ماهواره را طبق رأی وحدت رویه 809 و 751 داشت؛ اما در حال حاضر با تصویب اصلاحیه قانون قاچاق کالا و ارز، دادگاه کیفری دو به طور کامل کنار رفته و حذف شده است و همچنین آرای وحدت رویه شماره 809 و 751 نیز به طور کامل نسخ شده و صلاحیتهای رسیدگی در قانون فعلی قاچاق، سازمان تعزیرات حکومتی و دادگاه و دادسرای انقلاب میباشد.

بیان دیگری نیز برای این مطلب وجود دارد که به استناد تبصره5 ماده 63 است؛ مستند ااً به تبصره 5 ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «احکام، آثار و مجازاتهای قاچاق مذکور در مواد 3، 5، 6، 8 الی 12، 16، 19، 20، 30 الى 32، 34 الى 36، 38 الى 50، 53 الی 60، 65 الى 68، 70، 71، 73، 74 و 77 این قانون و تبصرههای این مواد، در مورد همه جرائم و تخلفات موضوع این قانون بهجز تبصره 5 ماده 2 مکرر جاری است».

بااین وصف آرای وحدت رویه شماره 809 و 751 هیات عمومی دیوان عالی کشور نسخ گردیده و دادگاهکیفری دو دیگر صلاحیت رسیدگی ندارد. توضیح بیشتر اینکه قانونگذار مستنداً به ماده 303 آیین دادرسیکیفری بیان داشته است که قاچاق در صلاحیت دادگاه انقلاب است. دادگاه انقلاب نیز یک دادگاه اختصاصی میباشد و در موارد شک در صلاحیت باید بهقدر متقین اکتفا کرد. به همین خاطر هیئت عمومی دیوان عالی کشور بر این عقیده بود که نگهداری کالای ممنوعه و حمل آنها بهخاطر تعریف ارائه شده دررابطهبا قاچاق که در قانون امور گمرکی و قاچاق اسلحه که تحت عنوان «ورود و خروج از مرز» بود را بهعنوان کالای قاچاق محسوب نمیکرد؛ لذا از نظر دیوان این کالاهای ممنوعه عنوان قاچاق نداشت پس در صلاحیت دادگاه کیفری 2 میباشد و آرای وحدت رویه شماره 751 و 809 را بر همین مبنا صادر کرد. اما باتوجهبه اینکه هدف قانونگذار از سال 92 تجمیع تمامی موارد قاچاق در یک قانون خاص بود و آن هم حسب مورد در صلاحیت دادگاه انقلاب و تعزیرات حکومتی باشد، بنابراین به این نتیجه رسید که با آوردن تبصره 5 ماده 63، تمام این موارد در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد ،بهطوریکه تمام موادی که در مبارزه با قاچاق کالا و ارز ذکر شده است ،حتی اگر ذیل تعریف قاچاق نباشند، نیز حکم و اثر قاچاق را داشته باشند. یکی از احکام و آثار قاچاق بودن آنها نیز در بحث صلاحیت رسیدگی به آنها تبلور پیدا کرده است که در نتیجه آن دادگاه کیفری2 بهطورکلی )حتی اگر رفتار ماهیات قاچاق نباشد(، صلاحیت رسیدگی را نداشته باشد؛ زیرا رفتار به استناد تبصره5 ماده63ق. مبارزه با قاچاق کالا و ارز اثر قاچاق را دارد. [[50]](#footnote-50)

کیفری

دادگاه

عدم

مستند

صلاحیت

2

در

ممنوعه

کالای

در

رفتار

قاچاق

بندپ

ماده

303

قانون

آیین

دادرسی

کیفری

در

سایر

رفتارها

:

حمل

مثل

نگه

،

،

فروش

داری

،

عرضه

برای

فروش

تبصره

5

ماده

63

قانون

اصلاح

ن

قانو

مبارزه

با

مخذر

مواد

اصلاح

قانون

تصویب

از

پس

مواد

با

مبارزه

قانون

مخدر

2/1401

10

/

آثار قاچاق تلقیشدن سایر رفتارهای راجع به کالاهای ممنوعه

در حال حاضر نگهداری مشروبات الکلی یا هر کالای ممنوعه اثر قاچاق را دارد؛ در نتیجه میتواند متصف به حرفهای بودن شود )مستند به سه سابقه قاچاق داشته باشد حرفهای است(؛

تا قبل 10/02/1401 چون عنوان قاچاق ندارد، حتی اگر بیش از سه مرتبه شود ،اصلاً حرفهای تلقی نمیشود؛ چون ملاک برای حرفهای تلقیشدن قاچاق بودن است؛ اما پس از 10/02/1401 اگر این رفتارها را انجام دهد ،به استناد تبصره5 ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق اثر قاچاق را دارد و میتواند فرد وصف قاچاقی حرفهای را پیدا کند. پس باید زمان ارتکاب عمل معین شود. هرچه بعد تاریخ10/02/1401 باشد، اثر و احکام قاچاق را دارد .

2. جرم سازمانیافته باشد:

اگر رفتاری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز سازمانیافته محسوب شده باشد، طبق بند«س» ماده 1 قانون مبارزه با قاچاق، جرم تلقی شده و دیگر تخلف نیست. در نتیجه تخلف قاچاق بهصورت سازمانیافته وجود ندارد؛ بنابراین جرم، سازمانیافته میشود و فقط در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب میباشد[[51]](#footnote-51).

در بند «س» ماده 1 قانون که تغییر نیز نکرده است چنین است: «قاچاق سازمانیافته: جرمی است که با برنامهریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق، تشکیل یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده است صورت میگیرد».

نکته: بین شرکت در جرم با سازمانیافته بودن فرق است؛ جرم سازمانیافته باید هماهنگی و برنامه ریزی شده باشد .یعنی اینکه اگر از سه نفر بیشتر بوده؛ اما هماهنگی و برنامهریزی نبود ،سازمانیافته نیست. چرا که اگر این را سازمان یافته بدانیم، در این صورت مصداقی برای شرکت در جرم نخواهیم داشت؛ بنابراین هر شرکتدر جرمی قاچاق سازمانیافته نیست و یا هر اشتراک سهنفری سازمانیافته نیست و در صورتی آن را میتوان سازمانی افته دانست که هماهنگی قبلی در آن وجود داشته باشد.

3. قاچاقچی حرفهای باشد:

ابداع این نوع جرم در سال 1392 و در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بود. در این سال قانونگذار تعدد یا تکرار را ملاک برای قاچاقچی حرفهای بودن قرار داده بود. اما در سال 1394 قانونگذار تعدد را برداشت و صرفاً تکرار، موضوع حرفهای بودن شد. اما با اصلاح قانون قاچاق کالا و ارز در سال 1400، دوباره تعدد و تکرار، ملاک برای قاچاقچی حرفهای بودن در قانون ذکر شد.

بند«ش» ماده 1 قانون مبارزه با قاچاق، قاچاقچی حرفهای را تعریف نموده است «شخصی است که بیش از سه بار مرتکب به قاچاق ،شود اعم از اینکه در هر مرتبه تعقیب شده یا نشده باشد و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از یكصد میلیون ریال باشد».

فرق بند «ش» ماده 1 جدید قانون دررابطهبا قاچاقچی حرفهای، با ماده 1 سال 1394، از حیث تکرار و ارزش کالا بود .

بنابراین، طبق بند«ش» ماده 1، در حال حاضر قاچاقچی حرفهای کسی است که مؤلفههای زیر را داشته باشد:

**1) ارزش کالا بیش از 1۰ میلیون تومان باشد.**

**2) تعقیب شده یا نشده باشد.**

**۳) ارتکاب به جرم بیش از سه مرتبه باشد.**

سؤال: مرتکب قاچاق پارچه در هنگام کشف، رشوه به مأمورین داده و در بررسی سوابق متهم در پایگاهداده محکومان قوه قضاییه، قبلاً یک سابقه نگهداری مشروبات الکلی و یک سابقه قاچاق تعزیرات نیز داشته است و الان نیز یک فقره جرم انجام داده است، آیا این شخص قاچاقچی حرفهای است؟

اگر سوابق شخص تا قبل از 10/ 2/ 1401 )زمان لازم اجراشدن اصلاحیه جدید قانون قاچاق( باشد، سابقه نگهداری مشروبات الکلی جرم قاچاق محسوب نمیشود. اما اگر جرم نگهداری مشروبات الکلی بعد از تاریخ10/ 2/ 1401 شده باشد و حتی تعقیب هم نشده باشد، قاچاقچی حرفهای محسوب میشود. قاچاق تلقیشدن این رفتارها نیز به استناد تبصره5 ماده 63 قانون مجازات اسلامی است.

نکته: همیشه قاچاقچی حرفهای، موضوع سؤال امتحان بوده است. معمولاً بهصورت کاملاً ظریف سوابق متهم را ذکر میکنند، مثلاً سابقه را ادارات ضابط و کاشف اعلام میکند، اما چیزی که ملاک و مؤثر در حکم قضایی است، سوابق اصلی متهم است که باید از پایگاهدادههای محکومان قوه قضائیه استعلام شود.

عمده تفاوت قاچاقچی حرفهای در قانون سابق، از سال 1392 به بعد، با سال 1400 همین استعلام از پایگاه دادهای محکومان قوه قضائیه میباشد. چراکه قبل از سال 1400 باید حتماً از پایگاهداده استعلام میشد و ملاک محکومیت قطعی میبود، اما از اصلاحیه سال 1400، دیگر نیازی به محکومیت قطعی نیست. مثلاً درسال 92 ملاک قانونگذار این بود که هرکس مرتکب سه بار تعدد یا تکرار جرم شود در این صورت هرچندمحکوم شده یا نشده باشند، قاچاقچی حرفهای محسوب میشود، اما در سال 1394 نظر قانونگذار تغییر و تعدد برداشته شد و فقط از باب تکرار قاچاقچی حرفهای محسوب میکرد؛ بنابراین اگر طبق قانون سال 1394 کسی مرتکب قاچاق شده و محکومیت قطعی پیدا میکرد و بار دوم هم مرتکب میشد و محکومیت قطعی پیدا میکرد و بار سوم هم همینطور و در مرتبه چهارم اگر جرم قاچاق انجام میداد، در این صورت قاچاقچی حرفهای بود .اما در سال 1400 تعدد و تکرار بازگشت؛ لذا از زمان لازم اجراشدن اصلاحیه جدید، اگر شخصی سه بار جرم قاچاق انجام داده و محکوم هم نشده باشد، باز هم قاچاقچی حرفهای محسوب میشود.

سؤال: شخصی در سال 96 مرتکب جرم قاچاق مشروبات الکلی و در سال 98 مرتکب جرم تجهیزات دریافت از ماهواره شده است و محکومیت قطعی نیز پیدا کرده است و در سال 1401 به اتهام قاچاق اسلحه نیز محکوم شده است، آیا این شخص قاچاقچی حرفهای است؟

پاسخ: سابقه مدنظر برای قاچاقچی حرفهای باید سابقه موضوع قانون مبارزه با قاچاق باشد، لذا قاچاق اسلحه و مهمات و مواد تحت کنترل با این که قاچاق محسوب میشود، اما موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیست؛ بلکه موضوع قاچاق تشدید اسلحه و مهمات و مواد تحت کنترل است که تخصصاً از موضوع قاچاق کالا و ارز خارج است. در این صورت شخص را طبق صورت سؤال، )علیرغم اینکه جرم تجهیزات دریافت از ماهواره نیز قاچاق محسوب نمیشود( نمیتوان قاچاقچی حرفهای محسوب کرد. حتی اگر شخص بهجای اسلحه، پارچه قاچاق کرده بود باز هم قاچاقچی حرفهای محسوب نمیشد؛ چرا که جرم تجهیزات دریافت ماهواره در سال 98 قاچاق کالا محسوب نشده و باز هم به این شخص قاچاقچی حرفهای اطلاق نمیشد؛ بنابراین در صورتی این شخص قاچاقچی حرفهای محسوب میشود که اولاً جرایم ذکر شده بعد از سال 1401 باشد و اینکه بهجای قاچاق اسلحه، قاچاق پارچه انجام داده باشد.

نکته: باتوجهبه اینکه تا قبل از 10/ 2/ 1401، قانون سابق لازمالاجرا بود و این امکان وجود دارد که سوابق متهم قبل از 10/ 2/ 1401 ثبت شده باشد، لذا معیار قاچاقچی حرفهای قبل از تاریخ 10/2/1401، صدور حکم قطعی یا تکرار مبنی بر قاچاق کالا است. در اینجا دو رأی وحدت رویه751 و 809 که این جرمها را مشمول میشد را خارج کرد؛ یعنی نگهداری مشروب و ماهواره .درصورتیکه اگر شخص، قبل از 10/ 2/ 1401 محکوم شده بود، دیگر موضوع قاچاقچی حرفهای نیست.

معیار قاچاقچی حرفهای؟

قبل از تا ریخ 10/2/1401 (تاریخ لازمالاجرا شدن اصلاحیه قانون قاچاق کالا و ارز):

1. صدور حکم قطعی یا تکرار جرم. حکم قطعی مبنی بر ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز باشد. طبق این نظر دو رأی به شمارههای 751 و 809 )مشروبات الکلی و ماهواره( قبل تاریخ مذکور جرم قاچاق محسوب نمیشود.
2. ارزش کالا بیش از 10 میلیون ریال باشد.

بعد از تا ریخ 10/2/1401:

1. وجود سابقه ارتکاب بزه. فرقی بین تعقیبشدن یا نشدن )تعدد جرم( ندارد ونیز حکم قطعی داشته یانداشته )تکرار جرم( باشد یا اصلاً تعقیب نشده باشد (مثل اقرار متهم). [[52]](#footnote-52) 2. ارزش کالا بیش از 100 میلیون ریال باشد.

نکته: به طور خلاصه در صورتی میتوان قاچاقچی حرفهای را به شخصی اطلاق کرد که اولاً ارزش کالا بالای 10 میلیون تومان باشد و ثانیاً اگر جرم صورتگرفته قبل از تاریخ10/ 2/ 1401 است، باید محکومیت قطعی داشته و موضوع آرای وحدت رویه 751 و 809 نباشد .

سؤال: شخصی به اتهام ارتکاب تخلف موضوع تبصره4 ماده 18 قانون مبارزه با قاچاق ،یعنی تخطی از ضوابط تعیینی دولت در فروش نهادههای کشاورزی مثلاً سویا، در حال محاکمه میباشد و در بررسی سوابق متهم مشخص شد نامبرده، سابقبراین نیز مرتکب دو فقره قاچاق پارچه و مشروبات الکلی و یک فقره تخلف موضوع تبصره4 ماده 18 شده است، آیا این فرد قاچاقچی حرفهای میباشد؟

پاسخ: برخی از تخلفاتی که در قانون مبارزه با قاچاق آمده، درعینحال که در قانون قاچاق قید شده، اما سابق بر اصلاحیه قانون، حکم قاچاق را نداشت. مثل نگهداری مشروبات الکلی که قاچاق نبود و تخلف موضوع ماده 18 که همین وصف را داشت. لذا الزامی برای صدور قرار وثیقه توسط شعبه رسیدگیکننده نبود. اما بعد از اصلاح و تصویب قانون در تاریخ 10/2/ 1401، طبق تبصره 5 ماده 63 قانون یادشده، تمام احکام و آثار و مجازاتهای قاچاق موضوع این مواد در خصوص تخلفات نیز حاکم است. بنابراین کسی که سابقه تخلف قبل از10/ 2/ 1401 را داشته، قطعاً قاچاقچی حرفهای محسوب نمیشود؛ اما اگر بعد از10/ 2/ 1401 این جرایم را انجام دهد، قطعاً قاچاقچی حرفهای خواهد بود.

بنابراین، اگر ضابطین عنوان کردند که شخص مرتکب جرم، قاچاقچی حرفهای شده است، در صلاحیت دادگاه انقلاب میباشد. لیکن اگر وکیلمدافع متهم با استناد به بند«ش» ماده 1 قانون ادعا کند )به لحاظ ملاک در حرفهای تلقیشدن ماهیت قاچاق بودن رفتار است و تبصره4 ماده 18قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[53]](#footnote-53) کالاهای موضوع قاچاق است نه کالای قاچاق )عنوان قاچاق ندارد(، لذا موکل قاچاقچی حرفهای محسوب نمیشود(، این حرف را باید به استناد تبصره 5 ماده 63 رد کرده و فرد را قاچاقچی حرفهای محسوب نماییم؛ چون به استناد این تبصره حکم و اثر قاچاق را دارد.

نکته: تا قبل از 10/02/1401 شعب تعزیرات دررابطهبا تبصره 4 ماده 18 الزامی به اخذ وثیقه یا شناسایی اموال متهم نداشتند؛ چرا که امور فوق فقط در صورت قاچاق بودن عمل الزامی بود؛ لیکن با تصویب تبصره5 ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز1 این رفتارها نیز اثر و حکم قاچاق را دارد و ثمره این امر در لزوم اخذوثیقه، لزوم شناسایی اموال متهم محقق شده است؛ کمااینکه چنان که توضیح داده شد )چندین مرتبه توضیحداده شد( با تصویب این تبصره اتصاف حرفهای بودن ،سازمانیافته بودن یا مستلزم انفصال و ... بر این رفتارها صدق پیدا کرد؛ اما تا قبل تصویب این تبصره چون در تمام این مواد عنوان قاچاق شرط اولیه تحقق و صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب بود. در حال حاضر دیگر عنوان قاچاق بودن شرط نیست .

خلاصه: سابقهی کلیهی تخلفات و جرایم موضوع قانون قاچاق، سه مرتبه یا بیشتر بعد از تاریخ 10/2/1401 به استناد تبصره 5 ماده 63 قانون مبارزه یا قاچاق کالا و ارز، سابقه مؤثر در قاچاقچی حرفهای بودن محسوب میشود.

4. قاچاق کالا و ارز، مستلزم حبس باشد

طبق ماده 44 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز2 **صلاحیت رسیدگی به قاچاق مستلزم حبس** و انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است.

قانونگذار با سیاست کیفری افتراقی و سختگیرانه در بعضی کالاها به جهت اهمیت سلامت مردم، اهمیت حفاظت از منابع زیستمحیطی و درعینحال که کالا، کالای مجاز مشروط میباشد، ولی مجازات کالای ممنوع را بر آن بار کرده است. قانونگذار این مثلاً در ماده 27 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[54]](#footnote-54) ، موضوع کالای سلامتمحور، و ماده 26 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[55]](#footnote-55)، موضوع شیلات و ماهیان خاویار و ماده 25 قانونمبارزه با قاچاق کالا و ارز[[56]](#footnote-56) موضوع حیاتوحش

باتوجهبه این که کالا، مجاز مشروط میباشد، به جهت اهمیت موضوع در صورت دارابودن حبس، رفتار ارتکابی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب دانسته است و مجازات کالای ممنوع موضوع ماده 22 قانون صدرالذکر بر آن تسری دارد. اما درصورتیکه محکومیت این نوع کالاهای مجاز مشروط، مجازات حبس نداشته باشد ،بهشرط اینکه مشمول بندهای «الف» و «ب» ماده 22 باشد، در صلاحیت تعزیرات است .

پس باتوجهبه مطالب بالا اگر:

1. اگر کالا در حکم ممنوعه باشد و محکومیت حبس نبود )مثلاً ضبط کالا یا جزای نقدی باشد(، پرونده در صلاحیت تعزیرات حکومتی است. اما باید مجازات کالای ممنوع برای آن تعیین شود. )مثلاً ضبط کالا یا جزای نقدی(
2. اگر کالا در حکم ممنوعه باشد و محکومیت حبس بود، موضوع در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب بوده و باید مجازات کالای ممنوع برای جرم تعیین شود.

تخلفات موضوع مواد 25 و 26 و بند «الف» ماده 27 قانون، مشمول مجازات کالاهای ممنوع و اگر ارزش کالا تا یکصد میلیون ریال باشد در صلاحیت تعزیرات است؛ نه اینکه خود کالاها، کالای ممنوع باشند. در نتیجه اگر ارزش این کالاها طبق بند )پ( و )ت( ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز باشد ،مستلزم حبس و در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. )دقت شود بند «الف» و «ب» اصلاً مجازات حبس ندارد(.

نتیجهگیری کلی: "در این موارد مجازات بر اساس ماده22 و صلاحیت بر اساس ماده44 است. پس اگر ذیل بند «پ» و «ت» ماده 22 تعیین مجازات شد، طبق ماده44 بخش )مستلزم حبس بودن( به دادگاه انقلاب میرود."

معیار احراز صلاحیت کالای موضوع حیاتوحش در دادسرا طبق ماده25 قانون مبارزه با قاچاق

کالا و ارز ماده25

طبق ماده25 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «هر کس بدون اخذ مجوز قانونی از سازمان حفاظت محیطزیست و عدم رعایت سایر ترتیبات پیشبینیشده در قوانین و مقررات به صدور حیوانات وحشی عادی، در معرض نابودی و کمیاب، انواع موجودات آبزی، پرندگان شکاری و غیرشکاری اعم از بومی یا مهاجر وحشی به طورزنده یا غیرزنده و نیز اجزای این حیوانات مبادرت کند، یا در حین صدور و خارج نمودن دستگیر شود ،هرچند عمل او منجر به خروج موارد مذکور از کشور نشود، به مجازات قاچاق کالای ممنوع محکوم میگردد.

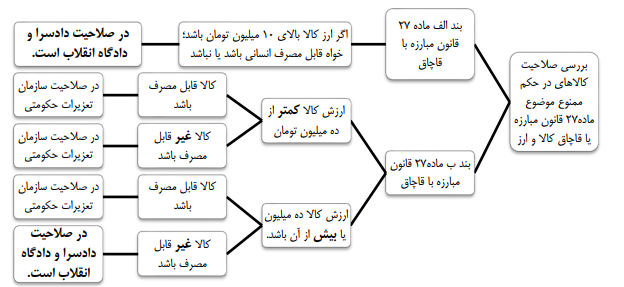
تعیین مصادیق این حیوانات بر عهده سازمان حفاظت محیطزیست است».

معیار احراز صلاحیت کالای سلامتمحور در دادسرا، طبق بند «الف» ماده ۲7 قانون مبا رزه با قاچاق کالا و ارز:

یک شرط اساسی ماده 27 قانون این است که اگر کالا دارو، کالای بیولوژیک، مکمل و ملزومات پزشکی باشد و ارزش کالا تا 10 میلیون تومان بود، در صلاحیت تعزیرات حکومتی و اگر بیش از آن بود در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. درهرحال نیازی به احراز قابلیت انسانی ندارد.

معیار احراز صلاحیت کالای خوراکی و آشامیدنی در دادسرا و دادگاه انقلاب طبق بند «ب» ماده ۲7 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز:

علاوه بر شرط ارزش کالا ،یک شرط دیگر برای اینکه در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب قرار گیرد، احراز عدم قابلیت مصرف انسانی است. اگر کالا قابلیت مصرف انسانی داشت، ارزش کالا حتی اگر از10 میلیون تومان هم بیشتر باشد، باز هم در صلاحیت تعزیرات حکومتی است .

**توضیح مجدد جدول:**

در موارد بند الف ماده27 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز استعلام قابلیت مصرف لازم نیست؛ اما اگر بند «ب» ماده 27 قانون مبارزه یا قاچاق کالا و ارز باشد، با دو شرط )ارزش کالا بالای 10 میلیون تومان و عدم قابلیت مصرف انسانی بود(، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب و در صورت فقدان هرکدام از دو شرط، در صلاحیت تعزیرات حکومتی است .علت این فرق نص ماده 27 ماده27 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است که فقط در بند «ب» استعلام را الزام کرده است.

ملاک احراز عدم قابلیت مصرف انسانی در بند «ب» ماده 27:

الزما باید کالا استعلام شود و مهم اینکه باید از وزارت بهداشت استعلام شود. در مراکز استانها این وظیفه به عهده دانشگاه علوم پزشکی است.

نکته: استعلام گرفته شده از دانشگاه علوم پزشکی صرفاً طریقیت داشته و موضوعیت ندارد؛ بنابراین چنانچه استعلام مأخوذه با اوضاعواحوال پرونده منطبق نباشد، قاضی میتواند آن را نپذیرد.

تأمل: درصورتیکه قاضی طبق رأی خود و بر خلاف نظر دانشگاه علوم پزشکی رأی به برائت داد، چون با دستور قاضی باید اموال مسترد شود، سازمان اموال تملیکی به مشکل برمیخورد، لیکن طبق نظر دانشگاه علوم پزشکی نباید اموال را به شخص داد؛ چرا که ممکن است شخص آن را توزیع کند .

نکته: آیا گندم، ذرت، ماکارونی، لوبیا، کنسرو لوبیا، تن ماهی، ماهی، کنسرو انبه، برنج و سیگار جزو کالاهای خوراکی و آشامیدنی محسوب میشوند که در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است؟

در بند «ب» ماده 27 قانون ،«مواد و فراورده» آورده شده است که باتوجهبه این قید، ما باید تفسیر مضیق و به نفع متهم کنیم؛ لذا اگر کالایی جزء فراوردهها بوده و دست انسان در آن دخیل باشد، مثل کنسرو لوبیا، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. اما اگر فراورده نباشد و یا اینکه دست انسان در آن دخیل نباشد مثل گندم، دادسرا و دادگاه انقلاب صلاحیت رسیدگی ندارد. سیگار نیز استنشاقی میباشد و از ماده مذکور خروج موضوعی دارد.

5- مستلزم انفصال از خدمات دولتی باشد.

طبق ماده 44 قانون قاچاق، مجازات انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب میباشد.

افرادی که مشمول انفصال از خدمات دولتی میباشند:

افرادی که در استخدام دولت میباشند.

افرادی که شامل تبصره 2 ماده 67 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز میباشند. اگر قاچاق توسط شخص حقوقی و یا قاچاق توسط شخصی که موضوع تبصره 2 ماده 67 قانون مبارزه با قاچاقمی باشند صورت بگیرد، با اینکه این شخص مامور به خدمات عمومی است )مثل شهرداری(، در حکم کارمند دولت میباشد و صلاحیت رسیدگی به قاچاق وی در دادگاه و دادسرای انقلاب است. پس اگر دولتی باشد، به استناد ماده 44 در صلاحیت دادگاه انقلاب است و عمومی غیردولتی باشد، در صلاحیت تعزیرات است. در ماده 67 و تبصره آن آمده است: «اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد، مرجع صدور حکم نسبت به ضبط کالا و یا ارز قاچاق مکشوفه اقدام میکند و شخص حقوقی، علاوه بر محکومیت به جزای نقدی، حسب مورد به دو تا چهار برابر حداکثر جریمه مقرر برای شخص حقیقی به ترتیب زیر محکوم میشود ... تبصره 2- چنانچه شخص حقوقی، وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی باشد، مرجع رسیدگیکننده، کارکنان و مدیران مرتکب قاچاق را علاوه بر مجازاتهای مربوط حسب مورد به محرومیت یا انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و عمومی غیردولتی محکوم مینماید».

سؤال: اگر رفتار این افراد قاچاق نباشد، آیا ذیل ماده 44 میآید؟

جواب: با تصویب تبصره 5 ماده 65 ارتکاب سایر تخلفات و جرائم این قانون حکم و اثر قاچاق را دارد .

نکته: اگر غیر از تبصره 2 ماده 67 باشد، مثلاً مستلزم محرومیت خدمات عمومی باشد، در صلاحیت تعزیرات است؛ چراکه صلاحیت دادگاه انقلاب استثنای بر صلاحیت تعزیرات است و در موارد دیگر به اصل رجوع میشود.

6- ماده 35 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز:

این ماده در قانون اصلاح تغییر نکرده است یکی از مواردی که مستلزم حبس میباشد، ماده 35 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است؛ «درصورتیکه مأموران دستگاههای کاشف یا وصول درآمدهای دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب نمایند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم میشوند.

تبصره 1ـ مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق از تعقیب مرتکبان خودداری یا برخلاف قوانین و مقررات عمل نمایند در حکم مختلس محسوب و به مجازات مقرر برای مختلسین اموال دولتی محکوم میگردند مگر آنکه عمل مرتکب بهموجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به مجازات شدیدتر محکوم میشوند. در تبصره 2 آمده است: «کارکنان تمامی دستگاهها و سازمانهای مؤثر در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله ستاد و سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی نیز مشمول حکم این ماده و تبصره یک آن میشوند».

صدر ماده 35 چنین بیان می دارد، چنانچه مأموران دستگاههای کاشف یا وصول درآمدهای دولت فعل ناشی از ترک فعل را انجام دهند و جزء افرادی که شامل صدر ماده 35 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و تبصره 2 ماد 35 باشند از قبیل 1( مأموران دستگاههای کاشف 2( مأموران وصول درآمد دولت 3( مسئولان مراجع رسیدگیکننده 4( مسئولان مرجع تحویلگیرنده«فروش اموال تملیکی»، اگر همه این افراد جرمی چه بهصورت مشارکت، چه بهصورت مباشرت، و چه بهصورت معاونت انجام دهند، علاوه بر مجازات قاچاق کالا و ارز به مجازات مختلسین نیز محکوم میشوند.

سؤال: تفاوت صدر ماده 35 قانون قاچاق با تبصره یک همان ماده چیست؟ پاسخ: باتوجهبه صدر ماده 35 مذکور:

1( برای شخص مرتکب جرم پرونده قاچاق تشکیل میشود.

2( صرفاً جرم قاچاق به او تفهیم میشود.

3( علاوه بر مجازات قاچاق به مجازات اختلاس نیز محکوم میشود.

4( مرجع ذیصلاح برای رسیدگی به این جرم دادسرا و دادگاه انقلاب است .

نکته: طبق صدر ماده 35 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تعزیرات حکومتی حق رسیدگی به این پرونده را ندارد، چرا که این پرونده مستلزم حبس میباشد.

این اصل ماده شامل قضات نیز میشوند؛ بنابراین اگر قاضی در پرونده قاچاق کوتاهی کند و تعقیب ننماید به استناد همین ماده محکوم میشود. عنوان اتهامی در این تبصره همان قاچاق است که مجازات آن علاوه بر قاچاق با اختلاس نیز تشدید شده است. مرجع ذیصلاح نیز تغییر نمیکند.

اما در تبصره یک ماده 35 قانون موارد ذیلالذکر آمده است:

1) نوع اتهام رفتار در حکم اختلاس است نه قاچاق (چون رفتار موجب تضییع حقوق بیتالمال میشود، بنابراین نوعی اختلاس است)

2) برای شخص پرونده اختلاس تشکیل میشود.

3) مرجع ذیصلاح: تا قبل از 10/02/1401 بدون هیچ شک و تردیدی در صلاحیت دادگاههای عمومی است؛ اما پس از تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و تبصره 5 ماده 63 این قانون اختلافنظر وجود دارد؛

1- برخی آن را ذیل تبصره بوده و آن را دارای احکام و آثار قاچاق میدانند؛ بنابراین صلاحیت انقلاب است.

به عبارت دیگر از باب ماده 44 هر امری که قاچاق باشد، در صلاحیت انقلاب است و به استناد تبصره5 ماده 63 کلیه جرائم و تخلفات این قانون حکم و اثر اختلاس را دارد؛ بنابراین در صلاحیت انقلاب است

2- تبصره 1 ماده 35 جزء جرایم قاچاق محسوب نمیشود تا مشمول تبصره 5 ماده 63 گردد؛ بلکه از قبل مجازات آن اختلاس بوده است. بهعبارتدیگر مأموریت تبصره5 ماده 63 تسری احکام و آثار قاچاق بر تخلفات و جرائم این قانون است و حالآنکه اختلاس بودن این عمل خودش در قانون مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری بحث شده است؛ یعنی تبصره1 ماده 35 از تخلفات و جرمانگاری این قانون نیست؛ تا ذیل تبصره 5 ماده 63 احکام و آثار قاچاق را داشته باشد.

درهرحال باید دید که رویه قضایی به چه طرفی سوق پیدا میکند. البته اگر تفسیر مضیق را هم حاکم بدانیم و تفسیر به نفع متهم باشد، باید دادگاه کیفری یک و دو حسب مورد صالح باشد .

7-ارتکاب قاچاق کالا و ارز به قصد مقابله با نظام باشد:

در ماده 30 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است: «درصورتیکه ارتکاب قاچاق کالا و ارز بهصورت انفرادی و یا سازمانیافته بهقصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثربودن آن صورت گیرد و منجر به اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب 19 /9 /1369 میگردد و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات میشود». در این موارد احاله حکمی به قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب 19 /9 /1369 داده است؛ لذا طبق این قانون نوع اتهام )اخلال در نظام اقتصادی(، مجازات و صلاحیت آن معین شود .

8-تخصیص درآمد و یا قسمتی از درآمد حاصل از قاچاق به گروههای معاند

در ماده 31 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است: «درصورتیکه احراز شود مرتکب جرائم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرائم را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروههای معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه نموده است، علاوه بر مجازاتهای مقرر در این قانون حسب مورد به مجازات محارب یا مفسدفیالارض محکوم میگردد.» در این ماده ارجاع حکمی نداده است؛ بلکه:

* 1. اولاً اعمال مجازاتهای موضوع قانون مبارزه با قاچاق را حسب مورد دارد.
  2. مجازات محارب یا مفسدفیالارض: برای عنوان محارب به قانون مجازات اسلامی ماده 279 و 286 رجوع میشود.

در این قانون نوع اتهام 1- قاچاق بهحسب نوع کالا و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ 2- تخصیص عواید حاصل از قاچاق به تروریست، گروه معاند و غیره بهعنوان محارب و مفسدفیالارض.

9- ارتکاب قاچاق کالا و ارز به همراه جرمهای رشوه، ارتشاء جعل، استفاده از سند مجعول ،اعمالنفوذ بر خلاف حقیقت و تمرد مسلحانه

در ماده 50 مکرر2 آمده است: «درصورتیکه در راستای ارتکاب جرائم و تخلفات موضوع این قانون ،جرائم رشاء، ارتشاء، جعل، استفاده از سند مجعول ،اعمالنفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی و یا تمرد مسلحانه نیز ارتکاب یافته باشد ،بهتمامی جرائم و تخلفات ارتکابی موضوع این قانون به همراه جرائم مرتبط فوق در دادسرا و دادگاه انقلاب رسیدگی میشود». یعنی دادگاه انقلاب چون دو جرم مرتکب شده است، دو تفهیم اتهام میکند. در این ماده قانونگذار دو عدول از اصلهای صلاحیت کرده است:

1. عدول از اصل صلاحیت شعب ویژه تعزیرات حکومتی به صلاحیت دادگاه انقلاب.
2. عدول از صلاحیت دادگاههای عمومی به صلاحیت دادگاه انقلاب.

سؤال: فردی مرتکب قاچاق پارچه شده است و در هنگام کشف به موضوع قاچاق توسط ضابطین، نسبت به پرداخت رشوه به ضابطین اقدام کرده است و یا این که جعل مدرک کرده است، مرجع ذیصلاح برای رسیدگی کجاست و مجازات آن چیست؟

پاسخ: صرفنظر از این که قاچاق پارچه، مجاز مشروط میباشد و همچنین سازمانیافته و حرفهای هم نیست.

اصل اولیه این بود که در صلاحیت تعزیرات باشد، اما به دلیل اینکه رشوه داده است، به استناد ماده 50 مکرر 2 در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب میباشد.

10-تبدیل جریمه نقدی موضوع پروندههای تعزیرات به حبس

بر اساس تبصره یک ماده 60 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[57]](#footnote-57) تبدیل جریمه نقدی موضوع پروندههای تعزیرات به حبس در صلاحیت رسیدگی شعب تعزیرات حکومتی نیست و بحث تبدیل است که در مقام اجرای حکم میباشد. البته الزامی هم ندارد در دادگاه انقلاب رسیدگی شود؛ ممکن است غیر از دادگاه انقلاب مثلاً کیفری باشد .

# بخش چهارم قاچاق ارز

## مقدمه: تفکیک عناوین قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

قانون مبارزه با قاچاق شامل دو بخش است. جرایم و تخلفات مربوط به ارز؛ جرایم و تخلفات مربوط به کالا .

تا بحال هر چه بحث شد راجع به قاچاق کالا بود؛ در ادامه به بهصورت مختصر مباحث مربوط به ارز قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مورد بررسی قرار میگیرد.

بخش اول: جرایم و تخلفات مربوط به ارز

الف.تعریف ارز:

مطابق بند«پ» ماده 1 قانون، ارز پول رایج کشورهای خارجی اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد.

نکات:

1. اگر پول باشد؛ ولی غیر رایج باشد دیگر عنوان قاچاق ارز ندارد؛ بلکه امکان دارد عناوین دیگری از قبیل قاچاق عتیقه و یا غیره داشته باشد .مثلاً لیر ایتالیا قبل از حکومت دلار در ایتالیا و...
2. اگر این نوع از پولهای غیر رایج، ارزشی داشته باشند، شاید بتوان تحت عنوان قاچاق کالا با آنها مقابله کرد. اما قاچاق ارز خیر؛ چرا که اگر عتیقه باشند کالا محسوب شده و مستند به تبصره 4 ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تحت عنوان قاچاق کالاهای ممنوع بوده و در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب میباشد.
3. ارز کشورهای خارجی اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب و الکترونیکی میباشد.

لازم به توضیح است که قید الکترونیکی را اگر به «پول رایج» برگردانیم، شامل رمز ارزها نمیشود، چرا که رمزارز مثل بیتکوین دیگر پول محسوب نمیشود که رایج باشد، اما اگر پول الکترونیکی را قید احترازی و جدا فرض کنیم در این صورت شامل بیتکوین یا هر رمزارز خارجی میشود. به طور کلی چیزی که مهم است، چه پول رایج و چه پول الکترونیکی باید در معاملات مالی کاربرد داشته و رایج باشد.

در ابتدا و زمان اصلاحیه سال 1400، بندی در قانون قاچاق کالا و ارز برای رمزارز اضافه شده بوده و قبل از تصویب نهایی برداشته شد و در حال حاضر ،رمزارز مثل بیتکوین، ارز نیست؛ بلکه چیزی است که ارز تولید میکند.

1. ریال تا قبل از تصویب قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مشمول احکام قانون مذکور نبود، اما بعد از تصویب قانون جدید، ریال نیز تخلف محسوب شده و استناداً به بند اخیر تبصره 5 ماده 2 مکرر در صلاحیت تعزیرات حکومتی میباشد.[[58]](#footnote-58)

5.ریال چون کالا نیست (ا مشمول قانون مبارزه با قاچاق شود)؛ از سوی دیگر ارز هم نیست )تا مشمول ماده2 مکرر شود(؛ از تبصره 5 ماده 63 نیز استثناء شده است؛ لذا درهرصورت در صلاحیت شعب سازمان تعزیرات حکومتی است؛ اما درصورتیکه واردکردن، خارجکردن و یا اقدام به خارجکردن ریال )وجه رایج ایران(، سازمانیافته و به قصد اخلال در نظام اقتصادی کشور باشد، در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

سؤال: اگر شخصی در فرودگاه با مقداری پول رایج ایران )ریال( دستگیر شود، آیا مرتکب جرم قاچاق شده است؟

پاسخ: مطابق تبصره 5 ماده 2 مکرر جرم نیست و تخلف بوده و در صلاحیت تعزیرات و مجازات آن جریمه نقدی معادل یکچهارم موضوع تخلف بعلاوه یک یا دو مورد از مجازات ماده 69 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[59]](#footnote-59) است.

اما اگر تخلفات ریال سازمانیافته باشند باز هم تخلف محسوب میشود، زیرا قسمت اخیر تبصره 5 ماده 63 قانون قاچاق، تبصره 5 ماده 2 مکرر را استثنا کرده است .یعنی تبصره 5 ماده 2 مکرر شامل جرم سازمانیافته نخواهد شد؛ ولی اگر باعث اخلال در نظام پولی و بانکی باشد در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب بوده و طبق قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی محاکمه خواهند شد.

نکته: ضوابط و مقررات مربوط به ریال در شورای پول و اعتبار تصویب میگردد که ملاک آن، داشتن حداکثر 5 میلیون تومان پول همراه فرد است.

ب .مقررات ارز:

واردکردن، خارجکردن، عرضه، فروش، حمل و نگهداری، خرید، معاملات فردایی ارز و حواله ارز بهصورت غیرمجاز که همگی تحت شرایط مقرر در ماده 2 مکرر قانون، قاچاق محسوب میشود.

ج .شرایط تحقق قاچاق ارز

ارتکاب اعمال مربوط به ورود، خروج، خرید، فروش، نگهداری، عرضه، حمل و حواله ارز، عدم ثبت معاملات

ارزی، انجام معامله ارزی در کشور تحت هر عنوان حتی معاوضه به صلح، معامله ارز توسط صرافی )معاملات فردایی(، عدم ارائه صورتحساب طبق ماده 2 مکرر تخلف محسوب میشود.

ماده 2 مکرر )الحاقی(: موارد زیر قاچاق ارز محسوب میشود:

الف- ورود ارز به کشور یا خروج ارز از کشور، بدون رعایت ضوابط مربوط که در حدود اختیارات قانونی توسط شورای پول و اعتبار تعیین میشود.

1. هرگونه اقدام به خروج ارز از کشور بدون رعایت ضوابط مربوط که در حدود اختیارات قانونی توسط شورای پول و اعتبار تعیین میشود.

پ- انجام معامله ارزی در کشور، تحت هر عنوان نظیر خرید، فروش، حواله، معاوضه یا صلح، مگر آنکه حداقل یکی از طرفین معامله، صرافی مجاز، بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی باشد. حکم این بند شامل مواردی است که در زمان انجام معامله، حداقل یکی از طرفین در کشور باشند.

معاملاتی که با مجوز بانک مرکزی و در حدود ضوابط تعیین شده این بانک توسط اشخاصی نظیر واردکنندگان و صادرکنندگان و معامله گران در بورسهای کالایی صورت میگیرد، از شمول این بند و بند «ت» این ماده خارج است.

1. هرگونه معامله ارز توسط صرافی یا غیر آنکه تحویل ارز و ما بهازای آن بهروز یا روزهای آینده موکول شده؛ ولی منجر به تحویل ارز نمیشود یا از ابتدا قصد تحویل ارز وجود نداشته است و قصد طرفین تنها تسویه تفاوت قیمت ارز بوده است.
2. انجام کارگزاری خدمات ارزی در داخل کشور برای اشخاص خارج از کشور، بدون داشتن مجوز انجام عملیات صرافی از بانک مرکزی.

تبصره- کارگزار، شخصی است که ما بهازای ارز معامله شده را در کشور دریافت مینماید.

1. عدم ثبت معاملات ارزی در سامانه ارزی یا ثبت ناقص یا خلاف واقع اطلاعات مربوط به معاملات مذکور در این سامانه توسط صرافی، بانک یا مؤسسه مالی – اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی.

چ- عدم ارائه صورتحساب خرید معتبر یا ارائه صورتحساب خرید خلاف واقع یا دارای اطلاعات ناقص به مشتری توسط صرافی، بانک یا مؤسسه مالی – اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی.

1. عرضه، حمل یا نگهداری ارز فاقد صورتحساب خرید معتبر یا فاقد مجوز ورود توسط اشخاصی غیر از صرافی، بانک یا مؤسسه مالی – اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی. ورود ارز به کشور تا سقف تعیینی توسط بانک مرکزی از شمول این بند خارج است. مالکان ارز در خصوص ارزهایی که قبل از لازم الاجراء شدن این قانون در اختیار داشتهاند و مازاد بر میزان معافیت ارز قابلحمل و نگهداری اعلامی از سوی بانک مرکزی و فاقد صورتحساب معتبر موضوع تبصره) 2( این ماده است ،مکلفاند ظرف سه ماه نسبت به ثبت اطلاعات در سامانه مذکور در تبصره) 3( این ماده اقدام کنند.

د .تخطی از ضوابط شورای پول و اعتبار ضوابط شورای پول و اعتبار عبارت است از:

1. خروج ارز از کشور تا پنج هزار یورو )یا معادل آن به ارزهای دیگر( در مرز هوایی و دو هزار یورو )یا معادل آن به ارزهای دیگر( در مرز زمینی و دریایی قاچاق محسوب نشده و نیاز به مجوز ندارد. بیش از این مقدار ارز، باید یکی از مجوزات را داشته باشد، لذا اگر این دو شرط )داشتن مجوز، رعایت سقف خروج ارز( وجود نداشته باشد، قاچاق محسوب میشود. چرا که منشأ قانونی ارز را نتوانسته اثبات کند، در نتیجه قاچاق محرز میگردد.
2. ورود ارز تا دههزار یورو )یا معادل آن به ارزهای دیگر( مجاز است. )فرقی بین مرز زمینی و هوایی و دریایی نیست( و بیش از آن را متقاضی باید اظهار کرده و طبق بخشنامه بانک مرکزی کد رهگیری دریافت کند )اهمیت این اظهار در پولشویی به درد میخورد(. رسیدی که دریافت میکند همان کد رهگیری بوده و شخص طبق همان کد رهگیری میتواند ارز خود را خارج کند.
3. حمل و نگهداری ارز تا دههزار یورو )یا معادل آن به ارزهای دیگر( برای هر فرد اشکالی ندارد و اگر بیش از آن باشد، فرد باید منشاء قانونی ارز را ثابت کند .مثلاً کد رهگیری را ارائه دهد.
4. خریدوفروش حواله ارزی سقفی ندارد و باید در مراکز مجاز )بانک مرکزی یا صرافیها( انجام شود، در غیر این صورت رفتار ارتکابی قاچاق محسوب میشود.

نکته: در اصلاحیه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دو اتفاق رخداده است:

1. بند «ح» ماده 2 قانون قاچاق کالا و ارز سال 92 نسخ گردیده و یک ماده مستقل الحاق شده تحت عنوان ماده 2 مکرر که در این ماده، رفتارهایی که بهعنوان قاچاق بزه انگاری شده بهصورت کاملتری ذکر شده است.
2. دررابطهبا احکام مجازات ارز قاچاق:
3. 1.صلاحیت رسیدگی: در رسیدگی به پروندههای ارزی، اصل در صلاحیت تعزیرات است مگر اینکه سازمانیافته یا حرفهای یا مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی باشد.

2.2. مجازات قاچاق ارز: مطابق بند«ت» ماده 18 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز )اصلاحی 1400(، مجازات قاچاق ارز عبارت است از جریمه نقدی ارز ورودی، یک تا دوبرابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی یا اقدام به خروج ارز، دو تا چهار برابر بهای ریالی آن و در سایر موارد ضبط ارز انجام نشده و تنها معادل بهای ریالی ارز بهعنوان جریمه نقدی اخذ میگردد. معیار محاسبه ارز برای تعیین بهای ریالی در این قانون ،بهای ارز موضوعبند «د» ماده یک این قانون است و درصورتیکه اصل وقوع قاچاق ارز و معادل ریالی کل ارز موضوع قاچاق مشخص بوده، اما تفکیک نوع و میزان ارزهای موضوع قاچاق مقدور نباشد، همان معادل ریالی کل ارز موضوع قاچاق مبنای تعیین مجازات است.

ه .نکات راجع به ماده 18 قانون:

1. برای ورود: جریمه نقدی یک تا دوبرابر بهای ریالی ارز و علاوهبرآن ارز نیز ضبط میشود.
2. برای خروج یا اقدام به خروج: جریمه نقدی 2 تا 4 برابر بهای ریالی ارز و علاوهبرآن ارز نیز ضبط میشود.
3. سایر موارد «مثل نگهداری، حمل، عدم صدور فاکتور» : فقط جریمه نقدی به میزان بهای ریالی ارز و ضبط ارز انجام نمیگیرد.

در قانون قبلی، برای محکومیت قاچاق ارز، ضبط ارز وجود داشت؛ ولی با تصویب قانون اخیر، ضبط ارز برداشته شد و این که چون این قانون اخیر مساعدتر به حال متهم میباشد، طبق بند «ب» ماده 10 قانون مجازات اسلامی، قانون جدید را میتوان عطف بماسبق کرد. لذا اگر ارزهایی طبق قانون قبل از شخص گرفته شده باشد و حکم ضبط هنوز اجرا نشده باشد، میتوان ارزها را به وی بازگرداند.

و .تبصره6 ماده 2 مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

این تبصره یک تخلف انگاری جدید است؛ «کلیه صادرکنندگان کالا به خارج از کشور موظفند ارز مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها را به بانک مرکزی بفروشند و یا با تأیید بانک مرکزی نسبت به فروش آن به سایر اشخاص اقدام یا جهت تأمین ارز واردات کالای خود یا بازپرداخت بدهی تسهیلات ارزی استفاده نمایند. متخلف علاوه بر الزام به ایفای تعهد موضوع تخلف، به جریمه نقدی معادل یک پنجم موضوع تخلف و دو یا چند مورد از محرومیت های موضوع ماده) 69( این قانون محکوم میشود. در صورت عدم ایفای تعهد ظرف سه­ماه از زمان ابلاغ حکم قطعی، معادل ارزش تعهد بر اساس بالاترین نرخ اعلامی بانک مرکزی در زمان صدور حکم، به جریمه نقدی مرتکب افزوده میشود. تخلف موضوع این تبصره صرفاً در مواردی که ارزش موضوع تخلف بیشتر از سه میلیون )000 /000 /3( یورو یا معادل آن به سایر ارزها باشد، می تواند با تحقق شرایط مربوط، مشمول عناوین سازمان یافته وحرفه ای موضوع این قانون قرار گیرد .درصورتیکه عدم رفع تعهد موضوع این تبصره و تبصرههای )5( و) 7( با تشخیص مرجع رسیدگی به علت قوه قاهره )حادثه خارجی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل دفع( باشد، محکومیت موضوع این تبصرهها اعمال نمیشود.

آیین نامه اجرائی این تبصره شامل مواردی از قبیل مهلت رفع تعهد که بیش از یک سال نیست و شرایط تمدید آن تا حداکثر سه ماه، موارد مشمول معافیت تا سقف سی هزار) 000 /30( یورو یا معادل آن به سایر ارزها در سال و معافیت کالای موضوع ماده) 65( قانون امور گمرکی، میزان تعهد که کمتر از شصت درصد )60 %( ارزش ارزی صادرات نیست، اولویت بندی و نحوه انتخاب یک یا ترکیبی از روشهای رفع تعهد و تعیین سامانه های اجرائی این تبصره، توسط بانک مرکزی با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه و ظرف یک­ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد. درهرصورت، برخورداری از کلیه معافیت های مالیاتی برای درآمدهای حاصل از صادرات و هرگونه جایزه و مشوق های صادراتی به تناسب میزان ایفای تعهد موضوع این تبصره است.

اعمال محدودیتهای موضوع این تبصره تا ابتدای سالِ بعد از زمانی که ارزش سالانه صادرات غیرنفتی طبق اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت، به بیش از یک ممیز هشت دهم) 8 /1( برابر ارزش سالانه واردات کشور برسد ،قابلاجرا است.»

در این تبصره برای تحقق سازمانیافته بودن شرایط مضاعفی قرار داده است؛ طبق تبصره5 ماده63 احکام و آثار قاچاق را دارد؛ لیکن برای سازمانیافته بودن و قاچاقچی بودن علاوه بر شرایط بند«س» و«ش» باید شرط«ارزش موضوع تخلف بیشتر از سه میلیون )000 /000 /3( یورو یا معادل آن به سایر ارزها باشد» را داشته باشد.

سؤال: فردی ارز حاصل از صادرات را در بازار آزاد فروخته است، مجازات وی و صلاحیت رسیدگی به آن را بیان کنید؟

پاسخ: تبصره6 ماده22 مکرر پاسخ است و برحسب میزان و شرایط مجازات و صلاحیت آن متفاوت است .

برای حرفهای و سازمانیافته تلقیشدن نیز علاوه بر بند«س»و«ش»ماده یک باید میزان ارز نیز3 میلیون یورو باشد .

ح .تبصره7 ماده2 مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: عدم ایفای تعهدات ارزی

یکی دیگر از بزهانگاریهای دیگر قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا است، تخلف تبصره7 ماده2 مکرر بهعنوان اتهامی«عدم ایفای تعهدات ارزی واردکنندگان در قبال دریافت ارز خدمات دولتی» است. در تبصره7ماده آمده است: «در خصوص عدم رفع تعهد ارزي موضوع ماده) 10( قانون تعزیرات حکومتي درصورتیکه تا مبلغ صد میلیارد )000 /000 /000 /100( ریال بر اساس بالاترین نرخ اعلامي بانك مرکزي در زمان دریافت ارز باشد ،مرتکب علاوه بر اعاده ارز به میزان رفع تعهد نشده و محرومیت از فعالیت بازرگاني از شش ماه تا یکسال، به **جریمه نقدي** معادل دوبرابر کسري یا عدم رفع تعهد بر اساس بالاترین نرخ اعلامي بانك مرکزي از زمان دریافت ارز، محکوم مي­شود. درصورتیکه مبلغ عدم رفع تعهد ارزي معادل صد میلیارد )000 /000 /000 /100( ریال یا بیش از آن بر اساس بالاترین نرخ اعلامي بانك مرکزي در زمان دریافت ارز باشد، مرتکب علاوه بر اعاده ارز به میزان رفع تعهد نشده و محرومیت از فعالیت بازرگاني از یك تا ده سال، به حبس تعزیري درجه پنج موضوع ماده) 19( قانون مجازات اسلامي مصوب 1 /2 /1392 و **جزاي نقدي** به میزان معادل دوبرابر کسري یا عدم رفع تعهد بر اساس بالاترین نرخ اعلامي بانك مرکزي از زمان دریافت ارز، محکوم میشود. درصورتیکه رفع تعهد ارزي و یا هرگونه اقدام به این منظور، با استفاده از اسناد جعلي یا خلاف واقع باشد و یا از طریق بیش بود ارزش اظهاري کالا و یا بیش اظهاري در تعداد یا مقدار کالا به گمرك و یا مغایرت در کالاي اظهار شده یا مکشوفه با کالاي موضوع تعهد باشد، مرتکب علاوه بر اعاده ارز به میزان رفع تعهد نشده و ابطال دائم کارت بازرگاني، به حبس تعزیري درجه چهار موضوع ماده) 19( قانون مجازات اسلامي و جزاي نقدي به میزان معادل سه برابر کسري یا عدم رفع تعهد بر اساس بالاترین نرخ اعلامي بانك مرکزي از زمان دریافت ارز، محکوم میشود. در موارد تعدد عدم رفع تعهد، ملاك براي شمول این تبصره جمع مبالغ است و تعدد جرم مانع از حرفهای محسوبشدن مرتکب نیست؛ شخصي که جهت واردات کالا، ارز موضوع تبصره) 6( این ماده را دریافت کرده و یا از روش «تأمین ارز واردات کالاي خود» استفاده نموده است نیز مشمول احکام این تبصره میباشد».

چند نکته راجع به تبصره7 ماده2 مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز:

1. عنوان اتهامی**«**عدم ایفای تعهدات ارزی واردکنندگان در قبال دریافت ارز خدمات دولتی**»** است.
2. مرجع ذیصلاح: تا قبل 10/02/1401 این تخلف هرچه میزان آن باشد، فقط در صلاحیت تعزیرات بوده است؛ بعد از 10/02/1401 کمتر از 10 میلیاردتومان چون مجازات حبس ندارد، در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است و 10 میلیارد تومان و بیشتر از آن چون حبس دارد، در صلاحیت دادگاه انقلاب است .
3. یکی از موارد خلط بین جریمه و جزای نقدی همین تبصره7 ماده2 مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالاو ارز است؛ در صدر ماده از عنوان جریمه و در ذیل از عنوان جزای نقدی استفاده کرده است .

# بخش پنجم: سایر بزهانگاریها در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

### 1- تغییر در ارکان خودرو:

در قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز یک بزهانگاری با عنوان اتهامی «تغییر در ارکان خودرو» صورتگرفته است؛ در این تبصره آمده است: «**تغییر وسیله نقلیه بهصورت نامتعارف جهت قاچاق کالا یا حمل کالاي قاچاق مانند افزایش ارتفاع یا تعبیه جاساز و همچنین استفاده و یا نگهداري وسایل نقلیه مذکور به هر نحو ،صرفنظر از اینکه در زمان استفاده و یا نگهداري، محتوي کالاي قاچاق باشد یا نباشد، مستوجب جزاي نقدي درجه پنج موضوع ماده) 19( قانون مجازات اسلامي خواهد بود .علاوهبرآن، مرتکب در مرتبه اول به اصلاح وسیله نقلیه و در صورت تکرار، به ضبط وسیله نقلیه محکوم خواهد شد .درصورتیکه وسیله نقلیه متعلق به شخصي غیر از مرتکب بوده و عدم علم و اطلاع مالك و یا اقدام بازدارنده وي پس از علم و اطلاع احراز شود، وسیله پس از اصلاح توسط مرتکب به مالك مسترد و در موارد تکرار، علاوه بر محکومیت مرتکب به اصلاح وسیله نقلیه و استرداد به مالك، معادل قیمت آن به جزاي نقدي مرتکب اضافه میشود. مجازاتهای موضوع این تبصره با مجازاتهای مقرر در این قانون یا سایر قوانین جمع شده و مانع از اجراي آنها نیست .**

الف- وسایل نقلیه سبك درصورتیکه ارزش کالاي قاچاق مکشوفه یکصد میلیون) 000 /000 /100( ریال یا بیشتر باشد.

1. وسایل نقلیه نیمهسنگین زمیني درصورتیکه ارزش کالاي قاچاق مکشوفه سیصد میلیون) 000 /000 /300( ریال یا بیشتر باشد.

پ- وسایل نقلیه نیمهسنگین هوایي و دریایي درصورتیکه ارزش کالاي قاچاق مکشوفه نهصد میلیون) 000 /000 /900( ریال یا بیشتر باشد.

1. وسایل نقلیه سنگین زمیني درصورتیکه ارزش کالاي قاچاق مکشوفه یك میلیارد) 000 /000 /1000( ریال یا بیشتر باشد.
2. وسایل نقلیه سنگین هوایي و دریایي درصورتیکه ارزش کالاي قاچاق مکشوفه سه میلیارد) 000 /000 /000 /3( ریال یا بیشتر باشد.

تبصره 1- در غیر از موارد فوق وسیله نقلیه توقیف میشود و درصورتیکه محکومعلیه ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعي، جریمه نقدي مورد حکم را نپردازد از محل فروش وسیله نقلیه برداشت و مابقي به مالك مسترد میگردد. در هر مرحله از رسیدگي چنانچه متهم وثیقهای معادل حداکثر جزاي نقدي تودیع نماید از وسیله نقلیه رفع توقیف میشود.

تبصره 2- درصورتیکه ارتکاب جرم قاچاق با هر یك از انواع وسایل نقلیه مذکور حداقل سه بار تکرار شود و ارزش کالا در مجموع معادل یا بیشتر از مبالغ این ماده باشد وسیله نقلیه ضبط میشود.

تبصره 3- مصادیق وسایل نقلیه در این ماده به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازي تهیه میشود و به تصویب هیات وزیران مي رسد.

تبصره 4- درصورتیکه وسیله نقلیه متعلق به شخصي غیر از مرتکب قاچاق باشد و از قرائني از قبیل سابقه مرتکب ثابت شود با علم و اطلاع مالك براي ارتکاب قاچاق در اختیار وي قرار گرفته است، وسیله نقلیه ضبط میشود و در غیر این صورت وسیله نقلیه به مالك مسترد و معادل ارزش آن به جریمه نقدي مرتکب اضافه میگردد.

تبصره 5- درصورتیکه وسیله نقلیه بلاصاحب یا صاحب متواري و یا مجهولالمالک باشد، عین وسیله نقلیه به نهاد مأذون از سوي ولیفقیه تحویل میشود و یا با هماهنگي و اخذ مجوز فروش از نهاد مأذون کالاي مزبور توسط سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکي به فروش میرسد و وجوه حاصل از آن بهحساب نهاد مأذون از سوی ولیفقیه واریز میشود».

چند سؤال در تبصره7 ماده مطرح است؛

1. نوع اتهام چیست؟ «تغییر نامتعارف در ارکان خودرو جهت قاچاق یا حمل کالای قاچاق )اگر کالا برای خودش نیست(» شرط اولیه این جرم تغییر نامتعارف و ثانیاً احراز انگیزه از این کار یعنی قاچاق است .افزایش ارتفاع یا تعبیه جا ساز از باب مثال است. ثالثا صرفنظر از اینکه در زمان استفاده و یا نگهداري ،محتوي کالاي قاچاق باشد یا نباشد جرم است .
2. مرجع ذیصلاح کجاست؟ مستند صلاحیتها چیست؟ مرجع ذیصلاح سازمان تعزیرات حکومتی است؛ چون صلاحیتهای انقلاب در ماده44 و ماده50 مکرر2 احصا شده است و در سایر موارد باید به اصل رجوع کرد. در این دو ماده این تخلف ذکر نشده است پس در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است. پس اینکه در تعیین مجازات از عنوان )جزای نقدی درجه5( استفاده میشود، نباید رهزن باشد و قاضی را بهاشتباه بیندازد.
3. تسری احکام و آثار مجازات های قاچاق را دارد یا خیر؟ مثلاً آیا اموال وی شناسایی و ضبط میشود؟ یا مثلاً آیا قرار تأمین وی وثیقه است؟ جرم و تخلف موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است و در تبصره5 ماده 63 نیز ذکر شده است، پس احکام و آثار قاچاق را نیز دارد .
4. امکان تحقق این بزه بهصورت حرفهای و سازمانیافته وجود دارد؟ با همان بیان پاسخ سؤال قبل چون اثر و حکم قاچاق را دارد، در مرتبه چهارم قاچاقچی حرفهای یا سازمانیافته نیز تلقی میشود. پس اگر سازمانیافته، حرفهای یا هر یک از موارد صلاحیت دادگاه انقلاب باشد، در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود .

### 2- حمل کالا و ارز قاچاق و مجازات آن

1. کالای غیر ممنوع: بزهانگاری )اعم از جرم و تخلف است( در صدر ماده18 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است. مجازات آن 1- جزای نقدی یا )جریمه( حسب مورد یکی از بندهای ماده18 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
2. کالای ممنوع: ماده 23 حاکم است و نسبت به قانون قبل تغییری نکرده است.

نحوه اقدام در خصوص خودروی حامل: ماده 20 حاکم است؛ تا قبل اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز بیش از ده میلیون تومان خود خودرو ضبط میشود؛ اما الان فقط ارزش خودرو بهعنوان جریمه اخذ میشود.

)خود خودرو اخذ نمیشود(.

### 3-قاچاق هیزم و زغال

طبق ماده 25 مکرر قانون، قاچاق هیزم و زغال همگی در صلاحیت تعزیرات میباشد. در این ماده آمده است:

«حمل، عرضه، خرید، فروش، نگهداری، اقدام برای خروج و یا خارجکردن چوب، هیزم یا زغال حاصل از درختان جنگلی مطلقاً و ارتکاب این اعمال در مورد سایر محصولات و فرآوردهها یا مصنوعات منابع طبیعیاعم از جانوری و گیاهی بهقصد تجاری، بدون تحصیل پروانه از مرجع ذیصلاح ممنوع است و مرتکبعلاوه بر ضبط کالاهای مزبور و آلات و ادوات مورداستفاده، جز در موارد مذکور در مواد) 25( و) 26( این قانون و سایر مواردی که مجازات بیشتری بهموجب قوانین پیشبینی شده است مشمول مجازاتها و احکام مقرر برای قاچاق کالای مجاز مشروط میشود. چنانچه خرید اقلام ذکر شده بدون علم و عمد نسبت به منشأ آن صورتگرفته باشد از شمول این ماده خارج است». چند سؤال راجع به این ماده وجود دارد؛ سؤال1( آیا قاچاق هیزم و زغال میتواند **سازمانیافته** یا **حرفهای** باشد؟

پاسخ: طبق رأی وحدت رویه شماره 749 هیات عمومی دیوان عالی کشور[[60]](#footnote-60) کهصریحاًاً بیان داشته است قاچاق هیزم و زغال در صلاحیت تعزیرات است و توجها به ماده 25 مکرر قاچاق کالا و ارز نیز بیان داشته است که قاچاق هیزم و زغال تخلف و در صلاحیت تعزیرات میباشد، در نظر اول صلاحیت مرجع اخیر به ذهن متبادر میشود. اما رأی وحدت رویه شماره 749 به استناد تبصره 5 ماده 63 قانون قاچاق دررابطهبا بخشی از صلاحیت تعزیرات نسخ شده است، یعنی درصورتیکه سازمانیافته یا حرفهای باشد در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است .

سؤال 2( آیا میتوان رأی وحدت رویه شماره 749 را طبق تبصره 4 ماده 63 نسخ شده دانست؟

پاسخ: تبصره 4 ماده 63 بیان میکند: «چنانچه جرائم یا تخلفات موضوع این قانون بهتنهایی و یا با درنظرگرفتن دیگر جرائم یا تخلفات این قانون به نحو سازمانیافته ارتکاب یافته باشد، هر یک از اعضای گروه سازمانیافته به حداکثر مجازات مقرر برای رفتار ارتکابی خود محکوم میشوند. در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه میگردد. درصورتیکه قاچاق بهتنهایی، به نحو سازمانیافته ارتکاب یافته باشد، وفق مواد) 28( و) 29( این قانون عمل خواهد شد».

بر طبق تبصره 4 ماده 63، درصورتیکه قاچاق سازمانیافته اتفاق افتاد؛ رأی وحدت رویه 749 نسخ ضمنی میشود و موضوع در صلاحیت دادگاه انقلاب میشود.

# بخش ششم: اجرای احکام پروندههای قاچاق کالا و ارز

در بخش قبل گفتیم که برای آیین دادرسی پروندههای قاچاق کالا و ارز از جمله نحوه اجرای آرای صادره، مکلفیم بدواً به قانون قاچاق استناد کنیم و در صورت عدم وجود مقررات خاص، به تجویز ماده 51 قانون یادشده، میبایست به قانون آیین دادرسی کیفری مراجعه نماییم. بدیهی است این اصل کلی مقرر در ماده 51، شامل کلیه مواد قانون آیین دادرسی کیفری است.

لیکن برای اجرای احکام صادره، مجوز و مستند قانونی دیگری داریم که گستردهتر از قانون آیین دادرسیکیفری است. به تکلیف مقرر در تبصره ماده 27 قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب 1394، «محکومیتهای کیفری سازمان تعزیرات حکومتی تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری دادگاهها است».

مستند مذکور بهصورت عام شامل کلیه قوانین و مقررات تحت صلاحیت تعزیرات حکومتی از جمله قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز میشود.

در این بخش، به نحوه اجرای احکام پروندههای قاچاق کالا و ارز اشاره کوتاهی داریم.

## 1. محکومیت ضبط کالا و ارز

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز سه نوع ضبط کالا داریم:

الف( ضبط کالا بهعنوان محکومیت اصلی

ب( ضبط کالا بهعنوان تعیین تکلیف کالاها و اموال تحصیل از بزه که بهمنظور تسهیل وقوع بزه در نظر گرفته شده است.

ج( ضبط وسایل نقلیه

### الف( ضبط کالا بهعنوان محکومیت اصلی

بهموجب ماده 21 قانون، چنانچه کالا و ارز مکشوفه معادل یا کمتر از 5.000.000 تومان باشد ،صرف ا به نفع دولت ضبط شده و مجازات دیگری مورد حکم قرار نمیگیرد. مگر اینکه کالا ممنوعه باشد که دراین صًورت مطابق ماده 22 قانون اقدام میشود.

چنانچه کالا و ارز مطابق قانون به نفع دولت ضبط شود، مستنداً به قسمت اخیر ماده 21 [[61]](#footnote-61)، حسب مورد، کالا ضبط و به همراه صورتجلسه به سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی تحویل میشود و ارز مکشوفه بهحساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و رونوشتی از اوراق به متهم ابلاغ میگردد.

نکته: اگر بهموجب تشخیص مرجع رسیدگیکننده، کالای مکشوفه، بلاصاحب یا صاحب متواری و یا مجهولالمالک تلقی شود، عین کالای مکشوفه به نهاد مأذون از سوی ولیفقیه تحویل داده میشود. تبصره 2 ماده 43 قانون[[62]](#footnote-62) موید همین نظر است.

این حکم در تبصره 1 ماده 53 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز تصریح و تأکید گردیده است. لیکن دقتشود این الزام قانونی صرفاً مشمول کالای بلاصاحب یا صاحب متواری و یا مجهولالمالک میباشد و برایارز مکشوفه در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اشارهای نشده است .

درهرحال نهاد مأذون نیز )مانند سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی( موظف است در فروش و تعیین تکلیف کالای قاچاق بلاصاحب یا صاحب متواری و یا مجهولالمالک مقررات قانونی از جمله الزامات مقرر در ماده 56 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[63]](#footnote-63) را رعایت نماید.

رای ضبط کالا یا ارز موضوع ماده 21 قانون، صلاحیت با دستگاههای کاشف مصرح در ماده 36 قانون است.

.ضبط ارز با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

### ب) ضبط کالا بهعنوان تعیین تکلیف کالاها و اموال تحصیل از بزه که بهمنظور تسهیل وقوع بزه در نظر گرفته شده است.

باتوجهبه ماده 51 قانون و جواز استناد به قانون آیین دادرسی کیفری، ممکن است در برخی موارد و پروندهها، برای تعیین تکلیف کالاهای مکشوفه )بجز کالای اصلی قاچاق( به ماده 148 قانون آیین دادرسی کیفری[[64]](#footnote-64) استناد نماییم. مثلاً لوازم و ابزار یا اموالی که مرتبط با قاچاق کالا و ارز هست، کشف شده و نیازمند تعیین تکلیف قانونی است.

البته مواردی در قانون قاچاق )بهعنوان قانون خاص( برای ضبط کالاها و اموال تحصیل شده از بزه )جرم یا تخلف( نیز داریم. بهعنوانمثال، چنانچه حین کشف کالای قاچاق ممنوع، کالاها یا اموالی که برای ارتکاب بزه در نظر گرفته شده، کشف شود، مطابق تبصره 1 و 2 ماده 22 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[65]](#footnote-65) اقدام میشود.

بدیهی است ضبط کالا یا ارز قاچاق مکشوفه، مشمول این مستند قانونی نمیشود. مگر اینکه به جهتی از جهات قانونی، مرتکب مستوجب مجازات کیفری نباشد .مثلاً متهم، مجنون یا صغیر باشد که توجها به فقدان مسئولیت کیفری افراد مذکور، چون کالا یا ارز مکشوفه، حسب تحقیقات صورتگرفته، قاچاق تشخیصدادهشده، مستنداً به ماده 148 ق آ د ک، به نفع دولت ضبط می­شود.

### ج)ضبط وسایل نقلیه

در اینکه ضبط وسیله نقلیه، مجازات اصلی است یا مجازات تکمیلی اجباری، دو نظر وجود دارد. برخی معتقدبه این هستند که مجازات مذکور، اصلی محسوب میشود. مانند مجازات نقدی و حبس و انفصال از خدمات .لیکن چون مقنن، ضبط وسیله نقلیه را در ذیل مواد قانونی مربوطه که مجازات اصلی را تعیین کرده است ،نیاورده برخی معتقد به مجازات تکمیلی اجباری آن هستند.

ماده 20 قانون قاچاق راجع به ضبط وسایل نقلیه قاچاق کالاهای مجاز، مجاز مشروط، یارانهای و تبصره 4 ماده 18 است و ماده 23 قانون راجع به ضبط وسایل نقلیه کالاهای ممنوع میباشد.

. محکومیت نقدی (جریمه و جزای نقدی)

راجع به نحوه وصول محکومیت نقدی مطابق ماده 60 قانون قاچاق و نیز مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، از جمله ماده 529 آن[[66]](#footnote-66) اقدام میشود. اینکه میگوییم محکومیت نقدی، یعنی در قانون قاچاق عموماً جزای نقدی برای محکومیتهای در صلاحیت دادگاه انقلاب که جرم تلقی میشوند بکار رفته و جریمه نقدی برای محکومیتهای تعزیرات حکومتی که تخلف نامیده میشود، اِِعمال میگردد.

البته قسمت دوم ماده 529 که حاکی از فرش اموال است ،درصورتیکه متهم دارای وثیقه باشد، اعمال نمیشود.

زیرا به تکلیف مقرر در ماده 60 قانون قاچاق، در صورت عدم پرداخت محکومیت نقدی از سوی محکوم، جریمه یا جزای نقدی از محل وثیقه تودیعی وصول میشود.

همچنین، چنانچه محکوم فاقد وثیقه باشد و یا اموال وی مطابق ماده 48 قانون قاچاق تأمین و توقیف نشده باشد ،یا وثیقه مذکور یا اموال توقیفی برای وصول محکومیت نقدی کفایت نکند ،مستنداً به ماده 60 قانون قاچاق، در تعزیرات حکومتی، جریمه نقدی با حکم قاضی دادگاه انقلاب به حبس تبدیل و مجازات نقدی بهمرورزمان مستهلک میگردد.

بدیهی است نحوه تبدیل مجازات نقدی به حبس به شرح ماده 60 قانون قاچاق[[67]](#footnote-67)، صرفاً برای پروندههای تعزیرات حکومتی است.

1. مجازات حبس تعزیری
2. مجازات حبس بر دو نوع است. حبس اصلی و حبس بدلی. حبس اصلی محکومیتی است که برای حبسبهعنوان مجازات اصلی تعیین میشود. مانند مجازات حبس مندرج در ماده 22 قانون قاچاق. لیکن حبس تبدیلی، مجازاتی است که بدل از محکومیت نقدی )جریمه یا جزای نقدی( است.

اجرای احکام مرجع قضایی غالباً برای تبدیل جزای نقدی به حبس مشکل خاصی ندارد. لیکن در اجرای احکام تعزیرات حکومتی، با حصول شرایط قانونی، پرونده باید به نظر قاضی مرجع قضایی )مطابق بخشنامه رئیس قوه قضاییه، قاضی دادگاه انقلاب( برسد تا مبادرت به صدور حکم حبس بدل از مجازات نقدی نماید.

نکته1: تفاوتی که حبس بدل از مجازات نقدی در پروندههای موضوع قانون قاچاق کالا و ارز و سایر قوانین دارد، اینکه مطابق قسمت اخیر ماده 60 قانون، درهرصورت حبس بدل از جزای نقدی نباید از پانزده سال بیشتر باشد. لیکن در ماده 29 قانون مجازات اسلامی، حداکثر حبس تبدیلی، سه سال است.

نکته 2: مستنداً به تبصره 2 ماده60 قانون قاچاق، جزای نقدی مازاد بر حبس تبدیلی در صورت شناسایی اموالی از محکو م علیه، حتی پس از اتمام حبس وصول میگردد.

نکته 3: در هرکجای قانون قاچاق مجازات حبس اصلی دیده شود، باید صلاحیت مرجع قضایی را مدنظر قرار دهیم. زیرا در تخلفات تحت صلاحیت تعزیرات حکومتی، مجازات حبس اصلی نداریم. )ماده 44 قانون قاچاق(

نکته4: هرچند مطابق ماده 71 قانون قاچاق مجازات نقدی قابل تخفیف نیست. لیکن مجازات حبس اصلی قابل تخفیف و تبدیل میباشد و آن چه در ماده 71 قانون اخیر منع شده ،صرفاً تعلیق اجرای مجازات حبس است.

نکته5: علاوه بر موارد ذکرشده بالا، بهتصریح ماده 63 قانون قاچاق، مقررات مربوط به تعویق صدور حکم و مرور زمان در مورد جرائم و تخلفات موضوع این قانون (از جمله برای مجازات حبس) اعمال نمیگردد.

4. محکومیت انفصال از خدمات

این نوع محکومیت مستنداً به ماده 44 قانون قاچاق مختص احکام صادره از مرجع قضایی است. در قانون یادشده دو نوع انفصال از خدمات قید شده است. انفصال دائم از خدمات و انفصال موقت از خدمات.

همچنین، انفصال از خدمات برای خدمات دولتی و خدمات عمومی غیردولتی است. هرچند در ماده 44 قانون، صرفاً انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادگاه انقلاب آمده است. لیکن در تبصره 2 ماده 67 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز[[68]](#footnote-68)، برای شخص حقوقی مجازات انفصال از خدمات عمومی غیردولتی پیشبینیشده است .یکی از مصادیق بارز مراجع از حیث خدمات عمومی غیردولتی، شهرداریها هستند. انفصال موضوع اینمستند قانونی میتواند دائم یا موقت باشد.

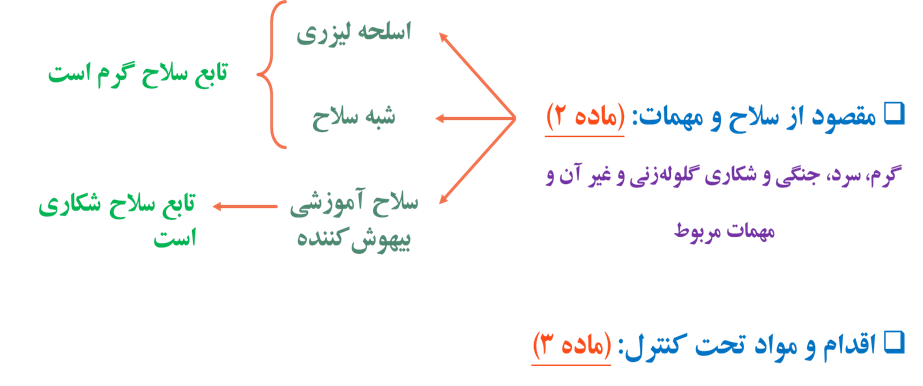
# بخش هفتم آشنایی با قانون مبارزه با قاچاق اسلحه و مهمات مقصود از قاچاق اسلحه و مهمّات:

ماده1: قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب

1۳9۰/6/7( به تعریف آن پرداخت است؛ «قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از واردکردن آنها به کشور و یا خارج نمودن آنها از کشور به طور غیرمجاز است». بیان ارکان تعریف:

تعریف فوق سه جزء دارد:

1. واردکردن و خارجکردن به طور غیرمجاز: بنابراین فقط واردکردن این مواد یا خروج آنها قاچاق است و غیر آن قاچاق است؛ برخلاف قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که رفتارهای دیگر نیز ذیل قاچاق مطرح شده است .
2. سلاح و مهمات: مراد از سلاح در ماده 2 آمده است: «مقصود از سلاح و مهمات در این قانون انواع سلاحهای گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلولهزنی و غیر گلولهزنی و مهمات مربوط به آنها است». در تبصره این ماده آمده است: «اسلحه لیزری و آن دسته از شبه سلاحهایی که به دلیل مشابهت و کاربرد، قابلیت جایگزینی سلاح را دارند از حیث احکام مندرج در این قانون، حسب مورد تابع احکام سلاح گرم قرار میگیرند و سلاحهای آموزشی و بیهوشکننده تابع احکام سلاح شکاری میباشند».
3. اقلام و مواد تحت کنترل: اقلام و مواد کنترل در ماده 3 آمده است: «اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از انواع مواد محترقه، ناریه، منفجره اعم از نظامی و غیرنظامی، شیمیایی، رادیواکتیو، میکروبی، گازهای بیهوش کننده، بیحسکننده و اشکآور و شوک دهندهها )شوکرها( و تجهیزات نظامی و انتظامی است».



نکته: قانون مجازات مرتکبین قاچاق در سال 1312 تمام اشیاء و اموال را شامل بود؛ با مرور زمان اسلحه، قاچاق انسان و کالا و ارز از این ماده جدا شد.

جرمانگاری سایر رفتارها راجع به اسلحه، مهمات

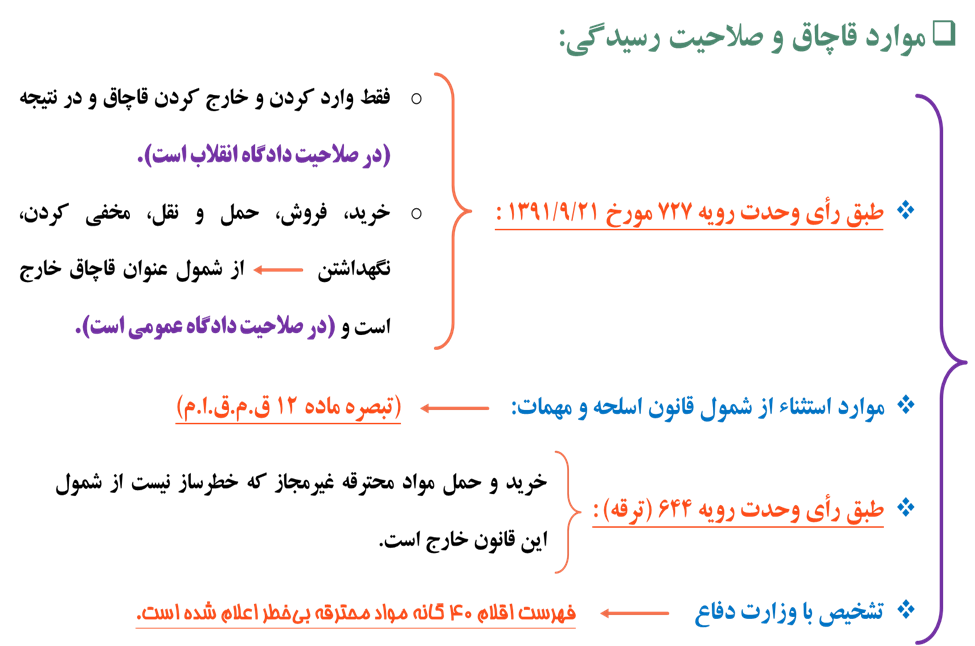
سؤال: آیا در قانون مبارزه یا قاچاق اسلحه و مهمات راجع به این موارد فقط خروج و واردات غیرمجاز آنها جرمانگاری شده است؟

پاسخ: در ماده چهار رفتارهای ذیل جرمانگاری شده است: «واردکردن هر نوع سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به کشور ،خارجکردن آنها از کشور، ساخت، مونتاژ، نگهداری، حمل، توزیع، تعمیر و هرگونه معامله آنها بدون مجوز مراجع ذیصلاح جرم است و مرتکب به مجازاتهای مندرج در این قانون محکوم میشود».

استثناء: به استناد تبصره ماده 12 قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و رأی وجدت رویه 644 ترقههایی که قدرت انفجاری ندارد، از شمول قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات خارج است؛ بنابراین بهعنوان یک کالا ذیل قانون قاچاق کالا و ارز حکم آنها بررسی میشود. این موارد مجاز مشروط شمرده میشود. فهرست این اقلام توسط وزارت دفاع اعلام میشود.



صلاحیتها در قانون مبارزه با قاچاق اسلحه و مهمات



نکته: با وجود ماده یک قانون مبارزه با قاچاق اسلحه و مهمات دیگر نیازی به رأی وحدت رویه هم نبود؛ چون طبق ماده یک فقط ورود و خروج این مواد قاچاق است و سایر رفتارها موضوعا از ماده یک خارج است؛ در نتیجه در صلاحیت انقلاب نمیباشند.

جمعبندی صلاحیتها در قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز دادگاه انقلاب:

1. واردکردن و خارجکردن اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز: به استناد ماده یک این قانون قاچاق است و طبق همین مرتکب قانون نیز مجازات میشود.
2. مواد منفجره **غیرخطرسازی** که بهصورت سازمانیافته، حرفهای، مستلزم انفصال از خدمات دولتی و سایر صلاحیتهای انقلاب باشد؛ در صلاحیت انقلاب است. مستند قانون تعیین مجازات و صلاحیت در این مورد **قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز** است. )از حیث صلاحیت ماده 44 و از حیث مجازات چون کالای مجاز مشروط است ذیل بند «ب» ماده 18 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز(

دادگاه عمومی:

سایر رفتارها غیر از ورود و خروج مثل رفتارهای بزهانگاری شده ماده 4 قانون اسلحه و مهمات

سازمان تعزیرات حکومتی:

مواد منفجره **غیر خطرسازی** که بهصورت سازمانیافته، حرفهای، مستلزم انفصال از خدمات دولتی

و سایر صلاحیتهای انقلاب **نباشد.**

نکته فوقالعاده مهم: در قانون مبارزه با قاچاق هرگونه اقدام به خارجکردن خودش قاچاق است؛ حتی اگر ورود و خروج کالایی صورت نگیرد؛ لیکن در قانون مبارزه قاچاق اسلحه و مهمات طبق ماده یک حتماً باید در عمل ورود و خروج کالا از مرز کشور صورت گیرد؛ بنابراین هرگونه اقدام به خارجکردن یا واردکردن تحت عناوین دیگر چون حمل و نگهداری جرمانگاری میشود. البته میتوان شروع به قاچاق گرفت )به نظر استاد عنوان حمل و نگهداری به دلیل بزهانگاری در قانون اسلحه و اصل تفسیر مضیق و به نفع متهم بهتر است اخذ شود.(

سؤال: اگر فردی یک اسلحه داخل لاستیک داخلی جاساز کند تا از کشور خارج کند، مرتکب چه جرائمی شده است؟ )دقت شود که قصد خروج نسبت به هر دو کالا نزد مرجع صالح احراز شده است.(

1. نسبت به لاستیک به استناد بند «ر» ماده2 قانون مبارزه با قاچاق[[69]](#footnote-69) جرم قاچاق تام مرتکب شده است؛ چون شروع به جرم در قاچاق خروجی مطلقاً نداریم؛ چون به استناد بند مذکور هرگونه اقدام بهقصد خروج بهشرط احراز در مقام رسیدگیکننده قاچاق است؛ بنابراین از حیث صلاحیت در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی و دادگاه انقلاب است.
2. نسبت به اسلحه: طبق ماده یک قانون مجازات اسلحه و مهمات قاچاق در اسلحه صرفاً واردکردن و خارجکردن است؛ بنابراین قصد خروج قاچاق نیست؛ بلکه تحقق رفتار ورود و خروج از مرز و سرزمین اصلی ملاک است؛ بنابراین چون قاچاق تلقی نمیشود در **صلاحیت کیفری دو**است .

سؤال دوم: الف تعدادی اموال تاریخی به همراه چند قبضه اسلحه در قم جاسازی کرده است تا از کشور خارج نماید. نوع اتهام، قانون حاکم و مرجع ذیصلاح رسیدگیکننده را بیان نمایید.

1. **نسبت به اموال تاریخی و فرهنگی:**

قانون حاکم: بند )ر( ماده2و ماده 22 و تبصره 4 ماده22 و ماده 561 و بند «د» ماده یک قانون اخلال گران در نظام اقتصادی

نوع اتهام: به استناد قوانین فوق قاچاق تفهیم اتهام میشود.

مرجع ذیصلاح: به استناد ماده 44 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: دادگاه انقلاب صالح است .

1. **نسبت به اسلحه:** ماده 4 قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز و ماده 122 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392

باتوجهبه اینکه دررابطهبا اسلحه عنوان قاچاق فقط با ورود و خروج محقق میشود؛ بنابراین قاچاق موضوع ماده یک قانون اسلحه و مهمات نیست؛ بنابراین؛

نوع اتهام: تعدد معنوی 1- اتهام به قاچاق2- نگهداری اسلحه یا حمل اسلحه (البته چنانچه اشاره شد به نظر استاد عنوان حمل و نگهداری به دلیل بزهانگاری در قانون اسلحه و اصل تفسیر مضیق و به نفع متهم بهتر است اخذ شود).

مرجع صالح: دادگاه کیفری2/ )اگر شروع به قاچاق گرفته شود، در صلاحیت انقلاب است(.

در نتیجه این پرونده دو کیفرخواست، دو قرار تأمین صادر میشود. )به دلیل اختلاف صلاحیت ذاتی جرائم(.

نکته: در شروع به قاچاق طبق ماده 22 قانون مجازات اسلامی عمل میشود؛ چون اصلاً در قانون قاچاق شروع به جرائم آن جرمانگاری نشده است و طبق قواعد عمومی عمل میشود؛ اگرچه اگر جرمانگاری میشد بر اساس ماده 15 قانون کاهش حبس تعزیری بایستی به مواد عمومی قانون مجازات اسلامی مراجعه کنیم.

**بایسته های رسیدگی**

**به تخلف**

**عدم ایفاءتعهدات ارزی**

با لازم الاجرا شدن قانون اصلاح قانون قاچاق کالا و ارز در تاریخ 11/02/1402، رسیدگی به تخلف عدم ایفاء تعهدات ارزی دچار دست خوش تغییراتی گردید، که عدم درست اجرای قانون، اغلب اطاله دادرسی به همراه داشته چرا که تخلف عدم ایفاء تعهدات ارزی موضوع ماده 10 قانون تعزیرات حکومتی از اموضوعات مهم کشور و قانونگذار بوده که این اهمیت به اندازه ای بود که قانونگذار آن را در قانون اصلاح قانون مبارزه قاچاق کالا و ارز بعنوان یک تخلف اهم در کشور جرم انگاری نماید تا درخصوص شیوه رسیدگی، صدور آراء، اجرای حکم این تخلف برای مقامات رسیدگی کننده سازمان تعزیرات حکومتی و مقامات قضائی تغییراتی انجام دهند.

پس از لازم الاجرا شدن قانون اصلاح قانون قاچاق و اجرایی شدن تبصره 7 ماده 2 مکرر رسیدگی در تخلف عدم ایفاء تعهد ارزی موضوع ماده 10 قانون تعزیرات حکومتی را می شود در چهار حالت متصور و رسیدگی را با این حالات شروع نمود:

**حالت اول:**

ثبت قبل از 10/02/1401

سررسید تخلف قبل از 10/02/1401

تعهد قبل از 10/02/1401

**حالت دوم:**

ثبت بعد از 10/02/1401

سررسید بعد از 10/02/1401

تعهد قبل از 10/02/1401

**حالت سوم:**

ثبت بعد از 10/02/1401

سررسید قبل از 10/02/1401

تعهد قبل از 10/02/1401

**حالت چهارم:**

ثبت بعد از 10/02/1401

سررسید بعد از 10/02/1401

تعهد بعد از 10/02/1401

**زمان ثبت:** زمانی که اولین بار پرونده «گزارش اعلامی» در سامانه دادرسی ثبت و کد بایگانی و شماره پرونده اخذ می گردد.

**زمان سررسید:** زمانی که متعهد ارزی ، فرجه «مهلت» تعهد یا ارائه پروانه گمرکی آن پایان یافته باشد .

**زمان تعهد:** زمانی است که متعهد قرارداد یا تعهدنامه را امضاء و مراحل واریز ارز،خرید ارز و مبادلات بازرگان «تاجر» نسبت به تعهدنامه آغاز می گردد.

**حالت اول:**

با توجه با اینکه تمام مراحل ، تعهد، سررسید حواله یا اعتبار اسنادی و ثبت پرونده در سازمان تعزیرات حکومتی قبل از لازم الاجرا شدن قانون اصلاح قانون قاچاق در تاریخ 10/02/1401 باشد، تمام پرونده های تخلف عدم ایفاء تعهدات ارزی با هر میزان از تخلف و با هرموضوع و عنوان تخلف ارزی در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی و با رعایت شرایط شکلی و ماهوی ماده 10 قانون تعزیرات حکومتی در شعب عادی بدوی و تجدیدنظر رسیدگی می شود.

حالت دوم و سوم:

در این حالت با توجه به اینکه تعهد و سررسید تعهد قبل از تاریخ 10/02/1401 بوده و زمان ثبت بعد از تاریخ مذکور می باشد باتوجه با توجه به رعایت ماده 10 قانون مجازات اسلامی رسیدگی شکلی این گونه گزارشات در شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز و حسب مورد در دادسرای عمومی و انقلاب با رعایت تمام احکام و آثار و مجازات های قاچاق و با حاکمیت ماده 10 قانون تعزیرات حکومتی بصورت ماهیتی مبادرت به صدور رأی می نمائید.

**حالت چهارم:**

در این حالت باتوجه به زمان تعهد قبل از لازم الاجرا شدن قانون اصلاح قانون قاچاق می باشد ولی زمان سررسید تعهد و زمان ثبت بعداز تاریخ 10/02/1402 می باشد.پرونده های عدم ایفاء تعهد ارزی حسب نوع تخلف و میزان آن در شعب بدوی و تجدیدنظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی و یا حسب مورد شعب دادگاه عمومی و انقلاب رسیدگی و مبادرت به صدور رای مقتضی با حاکمیت تبصره 7 ماده 2 مکرر قانون اصلاح قانون قاچاق می گردد.

**تعاریف واژگان تعهدات ارزی:**

* **ارز در معنای خاص : پول رایج کشور خارجی**
* **ارز در معنای عام : کلیه شیوه‌ها و ابزار پرداخت‌های خارجی که در روابط ومعاملات بین‌المللی به کار می‌روند و به کمک آنها بهای کالاها و خدمات پرداخت می‌شوند(ماده7 قانون پولی و بانکی)**

**تعریف تعهد ارزی**

* **تعهد ارزی صادرکنندگاتعهد ارزی واردکنندگان،** عبارت است از تعهد متقاضی مبنی بر وارد کردن کالا یا دریافت خدمت مطابق مشخصات ثبت سفارش یا ثبت خدمت در مهلت مقرر به نحوی که کالا یا خدمت مربوطه از جهت کمی و کیفی با مشخصات ثبت سفارش یا ثبت خدمت تطابق داشته باشد نقطه متقاضی موظف است در صورت عدم واردات کالا یا خدمت مربوطه نسبت به استرداد (بازفروش) ارز به بانک مرکزی اقدام نماید.
* **ن،** برگشت ارز حاصل از صادرات (بر مبنای درصد تعیین شده به طور مثال ۱۰۰ مبلغ ارزی مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها برای محصولات پتروشیمی و فراورده‌های نفتی و برای سایر واردکنندگان ۹۰ درصد) در قالب روش‌های تعیین شده (به یک یا ترکیبی از روش‌های برگشت ارز) چرخه اقتصادی کشور ظرف مدت معینی (۴ ماه از طریق تاریخ صدور پروانه گمرکی)

**فلسفه جرم انگاری جرایم ارزی**

* وجه مشترک بیشتر دوره‌های تقنینی در ایران وابستگی سیاست کیفری در قبال جرایم ارزی به سیاست‌های دولتی بوده است.
* با وجود این ماهیت جرایم ارزی را می‌توان جز جرایم اقتصادی عنوان نمود و فلسفه جرم انگاری آن را مصلحت نظام و عامه مردم می‌توان بیان داشت. توجه داشته باشیم بر اساس قانون پولی بانکی کشور تعیین نظارت و اجرای سیاست‌های ارزی کشور در چهارچوب مصوبات رای پول و اعتبار و تحت نظارت بانک مرکزی که نهادی فراقوه‌ای است معتبر می‌باشد.

**برخی از مصادیقی که در سیاست تقنینی مورد استفاده قوه قضائیه قرارمی گیرد بدین شرح است**

* افساد فی الارض
* اخلال عمده و کلان در نظام اقتصادی (ارزی) کشور از طریق قاچاق‌های عمده و کلان ارز
* معاونت در اخلال عمده و کلان در نظام اقتصادی (ارزی) کشور از طریق قاچاق‌های عمده و کلان ارز
* مشارکت در اخلال جزئی در نظام اقتصادی (تولیدی) کشور
* مشارکت در اخلال عمده و کلان در نظام اقتصادی (تولیدی) کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز مواد اولیه پتروشیمی در بازار آزاد
* مشارکت در قاچاق ارز
* تحصیل مال نامشروع و پولشویی
* مشارکت در تشکیل شبکه افساد و اخلال در نظام اقتصادی ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و انجام معاملات غیرقانونی و غیر مجاز ارز در حد کلان
* مداخله ارزی در بازار غیر رسمی ارز منطبق با بزه قاچاق ارز
* مداخله و فروش ارز در بازار رسمی ارز و فروش طلا
* اشتغال به عملیات صرافی غیر مجاز
* استفاده از کارت بازرگانی دیگری
* عدم ایفای تعهد ارزی وارد کنندگان و صادرکنندگان

تخلفات و جرائم‌ ارزي

تخلف‌ از ضوابط‌ ارزي که‌ شوراي پول و اعتبار در حدود اختیارات قانونی‌ تعیین‌ کرده است‌تخلف‌ از ضوابط‌ ارزي فاقد وصف‌ مجرمانه‌ باشد و در قانون اصلاح قانون قاچاق و یا سایر قوانین‌ ضمانت‌ اجرائی‌ براي آن ذکر نشده باشد.احراز علم و عمد در مراجع ذی صاح با استناد به قرائن و امارات موجود شرط است

این‌ ضوابط‌ در تبصره ٥ ماده ٢ بدین‌ شرح آمده است‌؛

تبصره ٥ (الحاقی‌ ١٠ ١١ ١٤٠٠) قانون قاچاق کالا و ارز مقرر داشته‌؛» تخلف‌ از سایر ضوابط‌ ارزي که‌ شوراي پول و اعتبار در حدود اختیارات قانونی‌ تعیین‌ کرده است‌ و فاقد وصف‌ مجرمانه‌ بوده و در این‌ قانون یا سایر قوانین‌ ضمانت‌ اجرائی‌ براي آن ذکر نشده است‌ به‌ شرط احراز علم‌ و عمد در مراجع‌ ذي صلاح با استناد به‌ قرائن‌ و امارات موجود،صرفاً تخلف‌ محسوب و مرتکب‌ به‌ جریمه‌ نقدي معادل یک‌ چهارم موضوع تخلف‌ و دو یا چند مورد از محرومیت‌ هاي موضوع ماده (٦٩) این‌ قانون محکوم می‌ شود. وارد کردن، خارج کردن و یا اقدام به‌ خارج کردن وجه‌ رایج‌ ایران، بدون رعایت‌ ضوابط‌ تعیینی‌ شوراي پول و اعتبار که‌ در حدود اختیارات قانونی‌ این‌ شورا تعیین‌ شده است‌، به‌ شرط احراز علم‌ و عمد در مراجع‌ ذي صلاح با استناد به‌ قرائن‌ و امارات موجود، نیز مشمول جریمه‌ تخلف‌ اخیر می‌شود«

تبصره ٦- کلیه‌ صادرکنندگان کالا به‌ خارج از کشور موظفند ارز مندرج در پروانه‌ گمرکی‌ یا معادل ارزي آن به‌ سایر ارزها را به‌ بانک‌ مرکزي بفروشند و یا با تأیید بانک‌ مرکزي نسبت‌ به‌ فروش آن به‌ سایر اشخاص اقدام یا جهت‌ تأمین‌ ارز واردات کالاي خود یا بازپرداخت‌ بدهی‌ تسهیلات ارزي استفاده نمایند. متخلف‌ علاوه بر الزام به‌ ایفاي تعهد موضوع تخلف‌، به‌ جریمه‌ نقدي معادل یک‌ پنجم‌ موضوع تخلف‌ و دو یا چند مورد از محرومیت‌هاي موضوع ماده (٦٩) این‌ قانون محکوم می‌شود.

در صورت عدم ایفاي تعهد ظرف سه‌ ماه از زمان ابلاغ حکم‌ قطعی‌، معادل ارزش تعهد بر اساس بالاترین‌ نرخ اعلامی‌ بانک‌ مرکزي در زمان صدور حکم‌، به‌ جریمه‌ نقدي مرتکب‌ افزوده می‌شود.

تخلف‌ موضوع این‌ تبصرهصرفاً در مواردي که‌ ارزش موضوع تخلف‌ بیشتر از سه‌ میلیون (٠٠٠،٠٠٠،٣) یورو یا معادل آن به‌ سایر ارزها باشد، می‌تواند با تحقق‌ شرایط‌ مربوط، مشمول عناوین‌ سازمانیافته‌ و حرفه‌اي موضوع این‌ قانون قرار گیرد.

درصورتی‌که‌ عدم رفع‌ تعهد موضوع این‌ تبصره و تبصرههاي (٥) و (٧) با تشخیص‌ مرجع‌ رسیدگی‌ به‌ علت‌ قوه قاهره (حادثه‌ خارجی‌ غیرقابل‌پیش‌بینی‌ و غیر قابل‌ دفع‌) باشد، محکومیت‌ موضوع این‌ تبصرهها اعمال نمی‌شود.

آیین‌نامه‌ اجرائی‌ این‌ تبصره شامل‌ مواردي از قبیل‌ مهلت‌ رفع‌ تعهد که‌ بیش‌ از یک‌ سال نیست‌ و شرایط‌ تمدید آن تا حداکثر سه‌ ماه، موارد [مشمول معافیت‌ تا سقف‌ سی‌ هزار (٠٠٠،٣٠) یورو یا معادل آن به‌ سایر ارزها در سال و معافیت‌ کالاي موضوع ماده (٦٥) قانون](https://www.ekhtebar.ir/%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B1-%DA%AF%D9%85%D8%B1%D9%83%D9%8A-%D9%85%D8%B5%D9%88%D8%A8-1390/) امور [گمرکی‌، میزان تعهد که‌ کمتر از شصت‌ درصد (%٦٠) ارزش ارزي صادرات نیست‌، اولویت‌بندي و نحوه انتخاب یک‌ یا ترکیبی‌ از روش](https://www.ekhtebar.ir/%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86-%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B1-%DA%AF%D9%85%D8%B1%D9%83%D9%8A-%D9%85%D8%B5%D9%88%D8%A8-1390/) هاي رفع‌ تعهد و تعیین‌ سامانه‌ هاي اجرائی‌ این‌ تبصره، توسط‌ بانک‌ مرکزي با همکاري وزارت صنعت‌، معدن و تجارت تهیه‌ و ظرف یک‌ ماه از تاریخ‌ لازم الاجراء شدن این‌ قانون به‌ تصویب‌ هیئت‌وزیران می‌رسد. درهرصورت، برخورداري از کلیه‌ معافیت‌ هاي مالیاتی‌ براي درآمدهاي حاصل‌ از صادرات و هرگونه‌ جایزه و مشوقهاي صادراتی‌ به‌ تناسب‌ میزان ایفاي تعهد موضوع این‌ تبصره است‌.

اعمال محدودیت‌ هاي موضوع این‌ تبصره تا ابتداي سال بعد از زمانی‌ که‌ ارزش سالانه‌ صادرات غیرنفتی‌ طبق‌ اعلام وزارت صنعت‌، معدن و تجارت، به‌ بیش‌ از یک‌ ممیز هشت‌دهم‌ (٨.١) برابر ارزش سالانه‌ واردات کشور برسد، قابل‌ اجراء است‌.

تبصره ٧(الحاقی‌ ١٠ ١١ ١٤٠٠)ـ درخصوص عدم رفع‌ تعهد ارزي موضوع ماده (١٠) قانون تعزیرات حکومتی‌ در صورتی‌ که‌ تا مبلغ‌ صد میلیارد(٠٠٠ /٠٠٠ /٠٠٠ /١٠٠) ریال بر اساس بالاترین‌ نرخ اعلامی‌ بانک‌ مرکزي در زمان دریافت‌ ارز باشد، مرتکب‌ علاوه بر اعاده ارز به‌

میزان رفع‌ تعهد نشده و محرومیت‌ از فعالیت‌ بازرگانی‌ از شش‌ ماه تا یکسال، به‌ جریمه‌ نقدي معادل دو برابر کسري یا عدم رفع‌ تعهد بر اساس بالاترین‌ نرخ اعلامی‌ بانک‌ مرکزي از زمان دریافت‌ ارز، محکوم می‌ شود.

در صورتی‌ که‌ مبلغ‌ عدم رفع‌ تعهد ارزي معادل صد میلیارد (٠٠٠ /٠٠٠ /٠٠٠ /١٠٠) ریال یا بیش‌ از آن بر اساس بالاترین‌ نرخ اعلامی‌ بانک‌ مرکزي در زمان دریافت‌ ارز باشد، مرتکب‌ علاوه بر اعاده ارز به‌ میزان رفع‌ تعهد نشده و محرومیت‌ از فعالیت‌ بازرگانی‌ از یک‌ تا ده سال، به‌

حبس‌ تعزیري درجه‌ پنج‌ موضوع ماده (١٩) قانون مجازات اسلامی‌ مصوب ١ /٢/ ١٣٩٢ و جزاي نقدي به‌ میزان معادل دوبرابر کسري یا عدم رفع‌ تعهد بر اساس بالاترین‌ نرخ اعلامی‌ بانک‌ مرکزي از زمان دریافت‌ ارز، محکوم می‌ شود.

در صورتی‌ که‌ رفع‌ تعهد ارزي و یا هرگونه‌ اقدام به‌ این‌ منظور، با استفاده از اسناد جعلی‌ یا خلاف واقع‌ باشد و یا از طریق‌ بیش‌ بود ارزش اظهاري کالا و یا بیش‌ اظهاري در تعداد یا مقدار کالا به‌ گمرك و یا مغایرت در کالاي اظهار شده یا مکشوفه‌ با کالاي موضوع تعهد باشد، مرتکب‌ علاوه بر اعاده ارز به‌ میزان رفع‌ تعهد نشده و ابطال دائم‌ کارت بازرگانی‌، به‌ حبس‌ تعزیري درجه‌ چهار موضوع ماده (١٩) قانون مجازات اسلامی‌ و جزاي نقدي به‌ میزان معادل سه‌ برابر کسري یا عدم رفع‌ تعهد بر اساس بالاترین‌ نرخ اعلامی‌ بانک‌ مرکزي از زمان دریافت‌ ارز، محکوم می‌ شود.

در موارد تعدد عدم رفع‌ تعهد، ملاك براي شمول این‌ تبصره جمع‌ مبالغ‌ است‌ و تعدد جرم مانع‌ از حرفه‌ اي محسوب شدن مرتکب‌ نیست‌.

شخصی‌ که‌ جهت‌ واردات کالا، ارز موضوع تبصره (٦) این‌ ماده را دریافت‌ کرده و یا از روش »تأمین‌ ارز واردات کالاي خود« استفاده نموده است‌ نیز مشمول احکام این‌ تبصره می‌باشد.

صلاحیتهاي مراجع‌ در رسیدگی‌ به‌ جرائم‌ و تخلفات ارزي

1- صلاحیت‌ سازمان تعزیرات حکومتی‌ در رسیدگی‌ به‌ تخلفات ارزي

٢-صلاحیت‌ دادسراي امور اقتصادي و محاکم‌ کیفري دو در رسیدگی‌ به‌ جرائم‌ ارزي

3-صلاحیت‌ دادگاه انقلاب در رسیدگی‌ به‌ اخلال در نظام ارزي

٤-صلاحیت‌ دادسراي امور بین‌ الملل‌ در رسیدگی‌ به‌ جرائم‌ امور بین‌ الملل‌

٥-صلاحیت‌ دادگاه هاي حقوقی‌ در رسیدگی‌ به‌ دعاوي ارزي

٦- دعاوي مطروحه‌ در دیوان عدالت‌ اداري بطرفیت‌ بانک‌

سازمان تعزیرات حکومتی‌

شعب‌ بدوي تعزیرات حکومتی‌ شعب‌ ویژه تجدیدنظر قاچاق کالا و ارز

شعب‌ عالی‌ تجدیدنظر تعزیرات حکومتی‌

تبصره ماده ٢٣ آیین‌ نامه‌ قانون تعزیرات حکومتی‌

هر گاه محکوم علیه‌ و یا رؤساي سازمانهاي تعزیرات حکومتی‌ و بازرسی‌ و نظارت آراء قطعی‌ شعب‌ تعزیرات را خلاف قانون بدانند می‌ توانند با ذکر دلیل‌ از وزیر دادگستري تقاضاي رسیدگی مجدد نمایند. چنانچه‌ وزیر دادگستري تقاضا را وارد تشخیص‌ دهد و یارأساً رأي را غیر قانونی‌ بداند پرونده را جهت‌ رسیدگی‌ به‌ که‌ به‌ همین‌ منظور در مرکز تشکیل‌ می‌گردد ارجاع خواهد داد.

رأي این‌ شعبه‌ قطعی‌ است‌ و اقدامات موضوع این‌ تبصره مانع‌ اجراي حکم‌ تجدید نظر خواسته‌ نخواهد بود

ماده ٥٠ مکرر ٣ قانون قاچاق کالا و ارز

ماده ٥٠ مکرر ٣- درصورتی‌ که‌ رئیس‌ قوه قضائیه‌ رأي قطعی‌ صادره از شعبه‌ ویژه رسیدگی‌ به‌ قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی‌ را خلاف شرعبیّن‌ تشخیص‌ دهد، با تجویز اعاده دادرسی‌،پرونده را به‌ دیوان عالی‌ کشور ارسال تا در شعبی‌ خاص که‌ توسط‌ رئیس‌ قوه قضائیه‌ براي این‌ امر تخصیص‌ می‌یابد رسیدگی‌ و رأي قطعی‌ صادر نماید. شعب‌ خاص مذکورمبنیّاً برخلاف شرعبیّن‌ اعلام شده، رأي قطعی‌ قبلی‌ را نقض‌ و رسیدگی‌ مجدد اعم‌ از شکلی‌ و ماهوي به‌ عمل‌ می‌آورند و رأي مقتضی‌ صادر می‌ نمایند.

تبصره ١- چنانچه‌ متقاضی‌ رسیدگی‌ موضوع این‌ ماده محکوم علیه‌ باشد باید ضمن‌ ارائه‌ درخواست‌، معادل دو درصد (٢%) جریمه‌ نقدي مندرج در حکم‌ صادره را نزد صندوق دادگستري تودیع‌ نماید. در صورت تجویز اعاده دادرسی‌، مبلغ‌ مذکور مسترد می‌گردد و در غیر این‌ صورت، به‌ عنوان درآمد عمومی‌ دولت‌ محسوب و به‌ حساب خزانه‌داري کل‌ کشور واریز می‌شود.

تبصره ٢- در پروندههاي با ارزش بیش‌ از یک‌ میلیارد (٠٠٠،٠٠٠،٠٠٠،١) ریال به‌طور مطلق‌ و در پروندههاي با ارزش یک‌ میلیارد (٠٠٠،٠٠٠،٠٠٠،١) ریال و کمتر در صورت اقتضاء، شعب‌ دیوان عالی‌ کشور موظفند با صدور دستور تعیین‌ وقت‌ رسیدگی‌، متهم‌، نماینده دستگاه کاشف‌ و ضابط‌ و نیز سایر اشخاصی‌ که‌ حضورشان ضروري است‌ را احضار کنند. متهم‌ می‌ تواندشخصاً حاضر شود یا وکیل‌ یا نماینده قانونی‌ معرفی‌ کند. درهرحال عدم حضور یا عدم معرفی‌ وکیل‌ یا نماینده قانونی‌ مانع‌ از رسیدگی‌ نیست‌. شعب‌ تجدیدنظر رسیدگی‌ به‌ پروندههاي موضوع این‌ قانون، اعم‌ از تعزیرات و دادگاه، نیز مکلف‌ به‌ رعایت‌ احکام این‌ تبصره هستند.

طبق‌ ماده ١٠ قانون تعزیرات حکومتی‌ مصوب ١٣٦٧ ، عدم اجراي تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت‌ ارز و خدمات دولتی‌ عبارتست‌ از تخلف‌ از ضوابط‌ و مقررات تعیین‌ شده دولت‌ در مورد واردات که‌ منجر به‌ عدم اجراي تعهدات و یا کاهش‌ کمی‌ یا کیفی‌ کالا و یا خروج ارز از کشور گردد ، مجازات عدم اجراي تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت‌ ارز و خدمات دولتی‌ به‌ شرح ذیل‌ می‌ باشد.

-جریمه‌ معادل تفاوت نرخ ارز یا نرخ رایج‌ در بازار و یا اعاده عین‌ ارز نسبت‌ به‌ مقدار کسري یا عدم انجام تعهدات

-تعلیق‌ کارت بازرگانی‌ از ٦ ماه تا یک‌ سال تا ابطال

-در صورت وقوع سوء استفاده علاوه بر مجازات هاي فوق حریمه‌ تا ٥ برابر مبلغ‌ سوء استفاده طبق‌ ماده ١١ قانون

تعهد ارزي، ویژگیهاي تعهدات ارزي، تعهد ارزي ایفا نشده و موارد تعهد ارزي

ماهیت‌ تعهد ارزي

* تعهد ناشی‌ از شرط فعل‌ مادي: ورود کالا به‌ کشور در مدت معین‌ بازفروش ارز
* تعهد ناشی‌ از شرط فعل‌ حقوقی‌: خریداري شده به‌ بانک‌ در صورت عدم ورود کالا به کشور
* تعهد ارزي ناشی‌ از واردات کالا و خدمات یک‌ نوع؛» تعهد به‌ نتیجه‌ « است‌ و بانک‌ لازم نیست‌ تا ثابت‌ کند که‌ واردکننده به‌ تمهید وسایل‌ متعارف نپرداخته‌ و با در اقدامات خود دقت‌ لازم را اعمال نکرده، در حقیقت‌؛» اصل‌ عدم اجراي تعهد« با ادعاي بانک‌ موافق‌ است‌. v تعهد دوم معلق‌ به‌ عدم ایفاي تعهد اول و در طول آن است‌

در چه‌ مواردي تعهد ارزي ایجاد می‌ شود

تعهد ارزي ناشی‌ از عدم ورود کالا(عدم ارائه‌ پروانه‌ سبز گمرکی‌)

*ماهیت‌ تعهد ارزي*

* **تعهد ناشی‌ از شرط فعل‌ مادي: ورود کالا به‌ کشور در مدت معین‌**
* ***تعهد ناشی‌ از شرط فعل‌ حقوقی‌: بازفروش ارز خریداري شده به‌ بانک‌ در صورت عدم ورود کالابه‌ کشور***
* **تعهد ارزي ناشی‌ از واردات کالا و خدمات یک‌ نوع؛» تعهد به‌ نتیجه‌ « است‌ و بانک‌ لازم نیست‌ تا ثابت‌ کند که‌ واردکننده به‌ تمهید وسایل‌ متعارف نپرداخته‌ و با در اقدامات خود دقت‌ لازم را اعمال نکرده، در حقیقت‌؛» اصل‌ عدم اجراي تعهد« با ادعاي بانک‌ موافق‌ است‌. تعهد دوم معلق‌ به‌ عدم ایفاي تعهد اول و در طول آن است‌**

**تعهد ارزي ناشی‌ ازکیفیت‌ کالاي وارده(گران نمایی‌ کالا یا بیش‌ بود ارزش کالا)**

**مغایرت در تعرفه‌ اظهار شده مغایرت در ماخذ تعرفه‌**

**اظهار کالاي مجاز یا مجاز مشروط به‌ عنوان کالاي مجاز و مجاز مشروطی‌ دیگر وجود کالاي اضافی‌ یا غیر هم‌ نوع دیگري به‌ همراه کالاي اظهار شده مشاهده هر نوع اختلافی‌ در مورد کالا از جمله‌ مقدار و وزن، بسته‌ بندي، ظرف، لفاف و نحوه رسیدگی‌ پرونده محموله‌ تجاري وارداتی‌ با مسئله‌ بیش‌ ارزش کالا به‌ دفتر مربوطه‌ در گمرك ایران ارجاع داده می‌ شود. در صورتی‌ که‌ صاحب‌ کالا و یا کارشناس طرف مقابل‌ او از راي صادر شده توسط‌ دفتر گمرك ایران در رابطه‌ با مسئله‌ بیش‌ ارزش کالا ناراضی‌ باشند می‌ توانند اعتراض و شکایت‌ خود را به‌ کمیسیون رسیدگی‌ به‌ اختلاف گمرکی‌ یا همان کمیسیون بدوي جهت‌ حل‌ اختلاف مراجعه‌ کنند.**

**کمیسیون تجدید نظر دیوان عدالت‌ اداري**

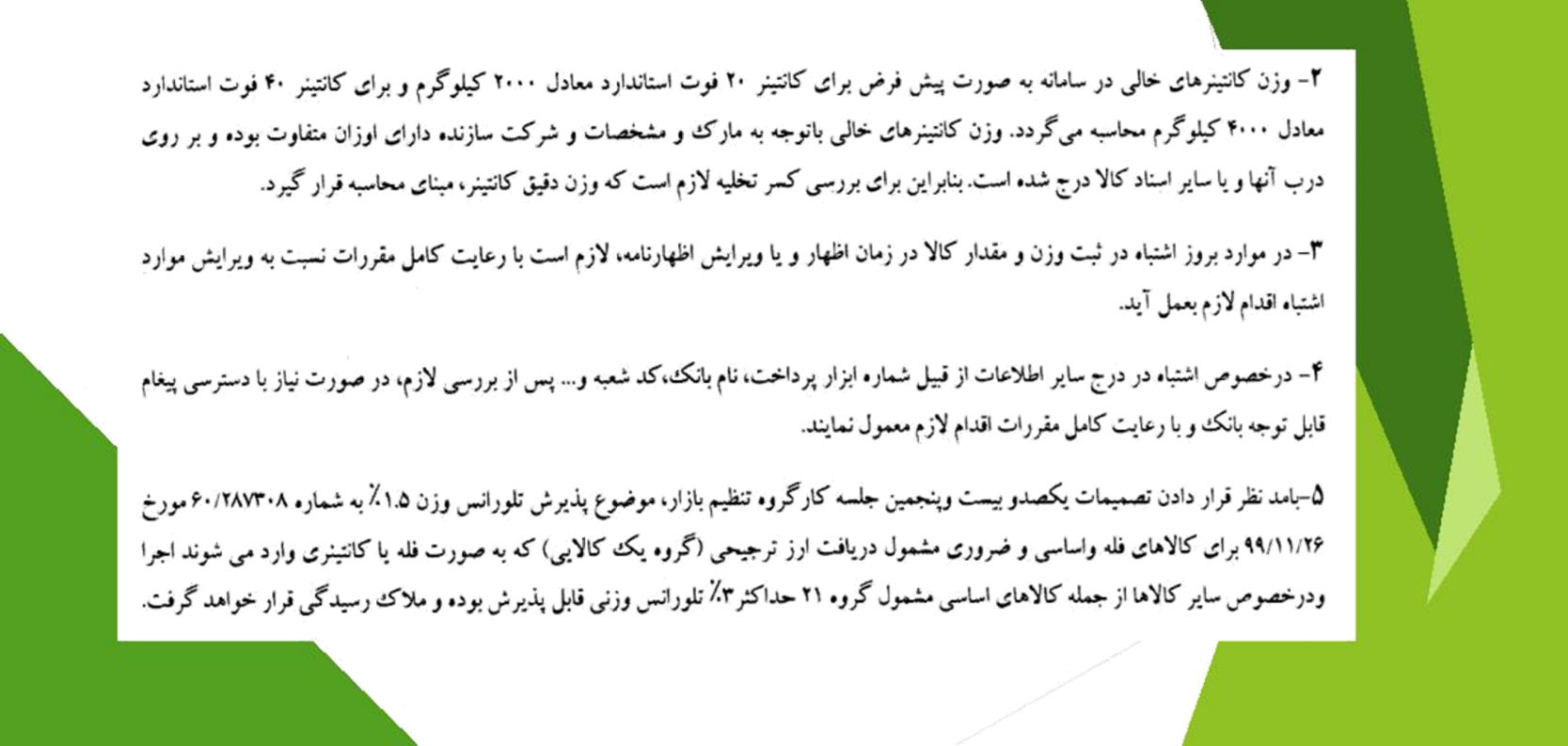
**معرفی‌ متخلف‌ به‌ تعزیرات حکومتی‌**

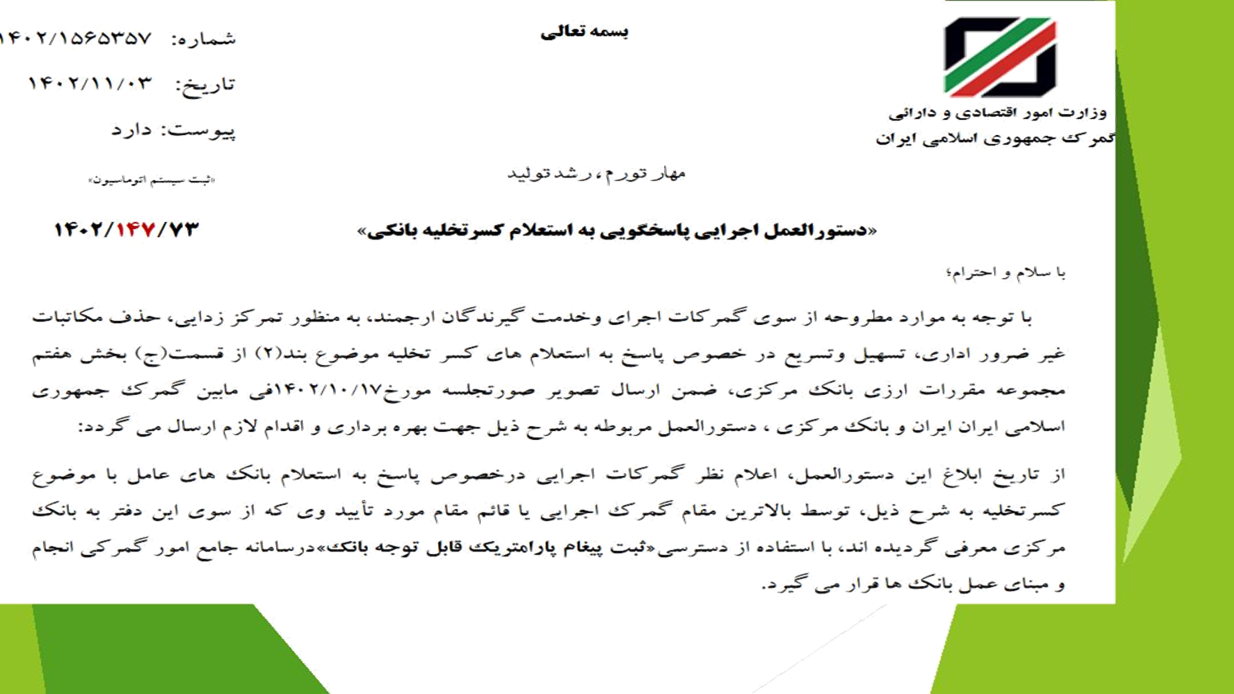
**تعهد ارزي ناشی‌ از کمیت‌ کالاي وارده(کسر تخلیه‌)**

**(تبانی‌ واردکننده و فروشنده براي عدم ارسال کامل‌ کالا به‌ انگیزه خروج ارز از کشور/ نقض‌ تعهدات قراردادي فروشنده / غرق کشتی‌ حامل‌ قسمتی‌ از کالا / ضایع‌ شدن کالاي فاسد شدنی‌ / مسامحه‌ در توزین‌ یا اختلاف در روش هاي توزین‌ کالا در مبدا و مقصد / از دست‌ رفتن‌ مقداري از حجم‌ یا وزن کالا در فاصله‌ ارسال تا وصول کالا / ورود کالاي غیراستاندارد)**

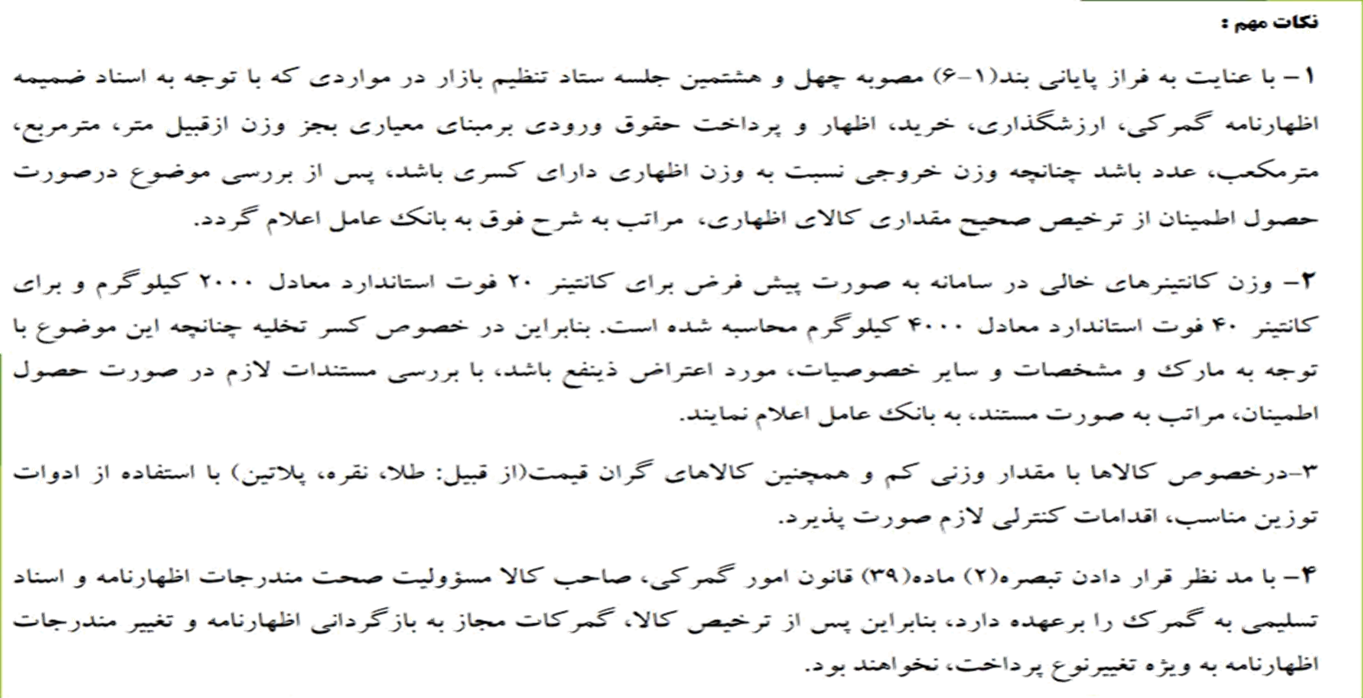
**دستورالعمل‌؛ »دستورالعمل‌ اجرایی‌ پاسخگویی‌ به‌ استعلام کسر تخلیه‌ بانکی‌« تحت‌ شماره ١٥٦٥٣٥٧در تاریخ‌ ٠٣/١٢/١٤٠٣ با هدف تمرکززدایی‌، حذف مکاتبات غیرضرور اداري، تسهیل‌ و تسریع‌ درخصوص پاسخ‌ به‌ استعلامهاي کسر تخلیه‌ موضوع بند(٢) از قسمت‌(ج) بخش‌ هفتم‌ مجموعه‌ مقررات ارزي بانک‌ مرکزي**

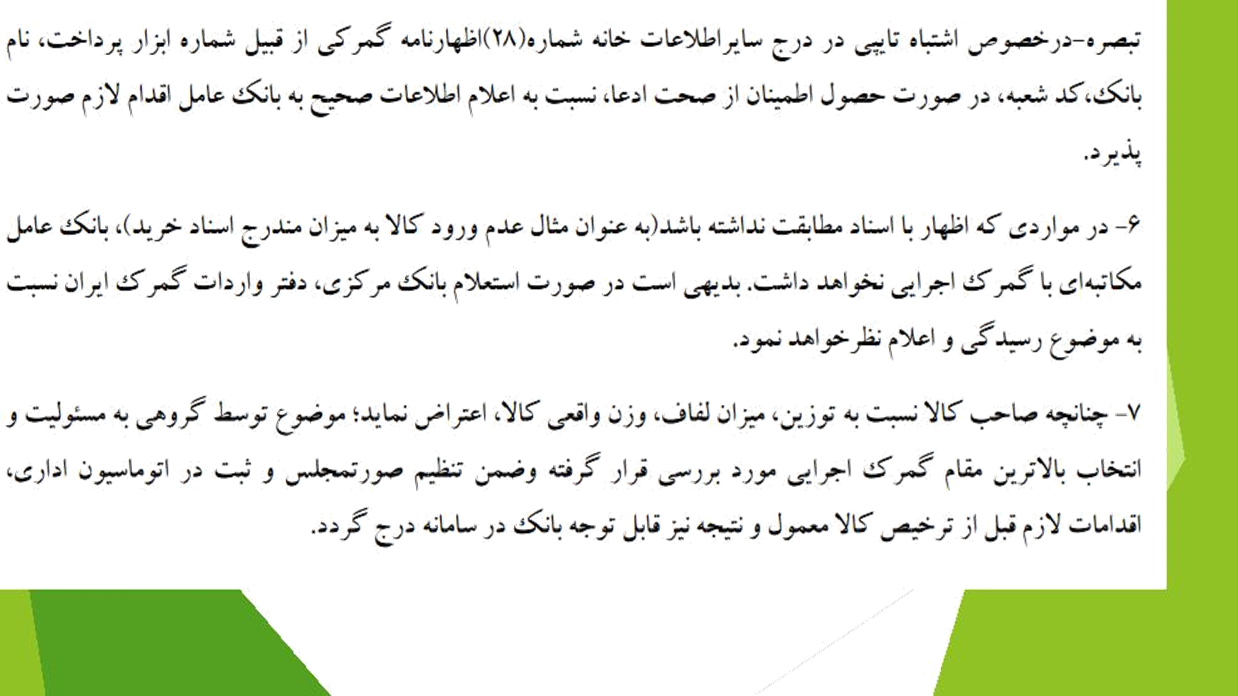


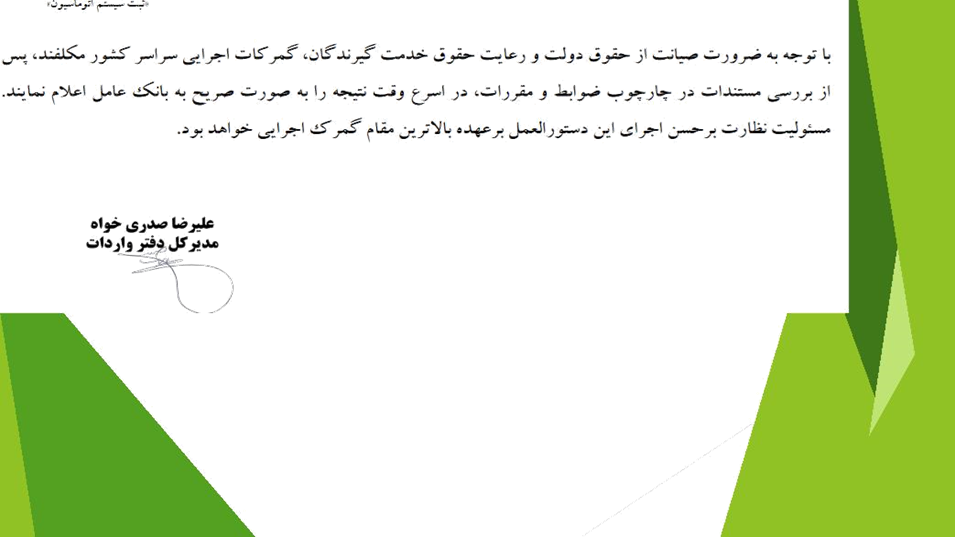
****

****

****

****

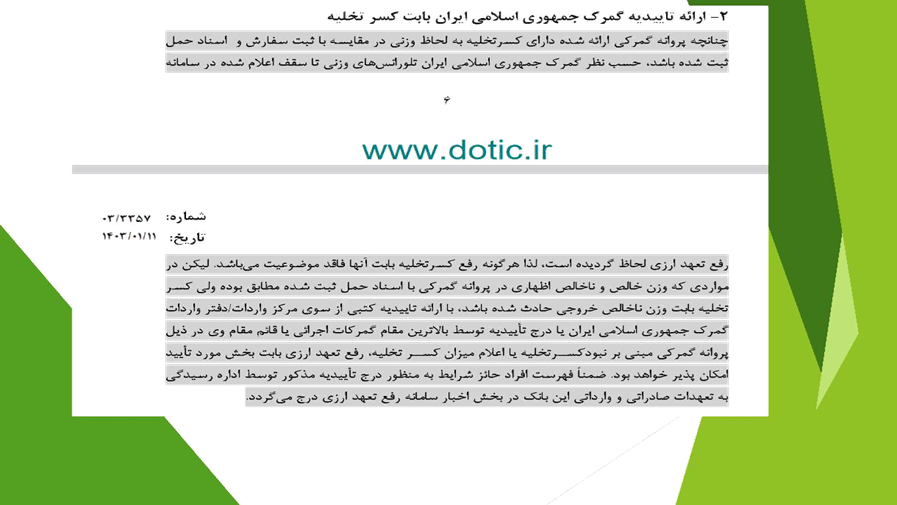
****

****

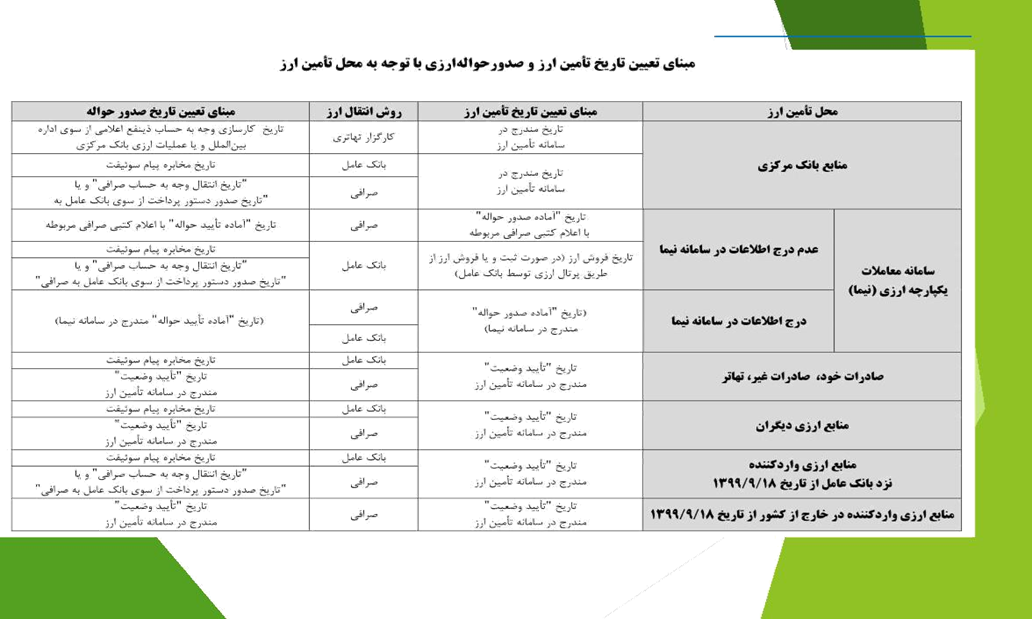
**از بند ٢ قسمت‌ ؛»ج« بند ٢ بخش‌ هفتم‌ مجموعه‌ مقررات ارزي اصلاحی‌ ١١/٠١/١٤٠٣**

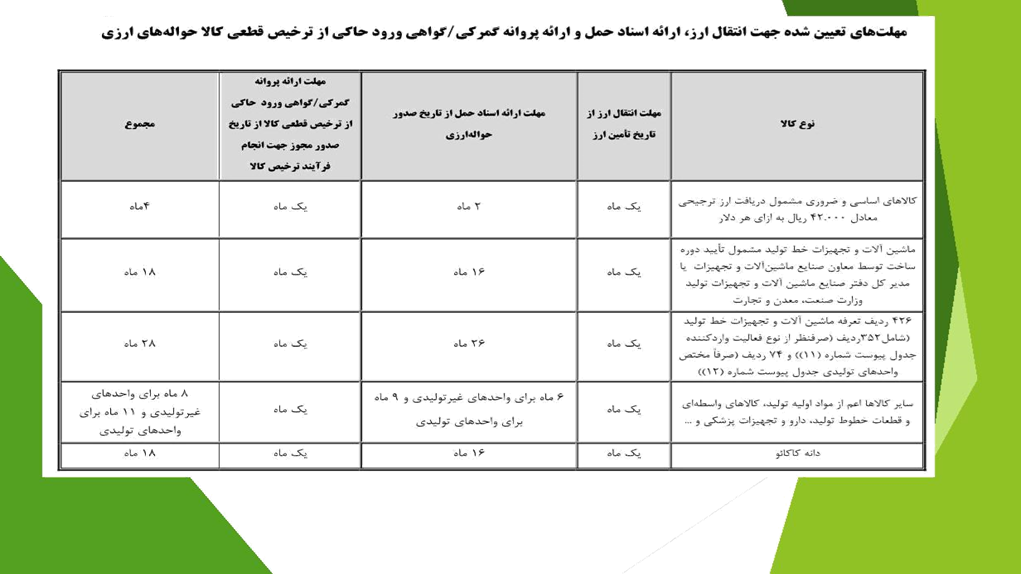
اگر پروانه‌ گمرکی‌ ارائه‌ شده داراي کسر تخلیه‌ به‌ لحاظ وزنی‌ در مقایسه‌ با ثبت‌ سفارش و اسناد حمل‌ ثبت‌ شده باشد، حسب‌ نظر گمرك تلورانس‌ هاي اعلام شده در سامانه‌ رفع‌ تعهد ارزي، لحاظ گردیده بنابراین‌ تکلیفی‌ متوجه‌ بانک‌ نخواهد بود و نیاز به‌ هر گونه‌ اقدامی‌ در خصوص رفع‌ تعهد ارزي نمی‌ باشد

اگر وزن خالص‌ و ناخالص‌ اظهاري در پروانه‌ گمرکی‌ با اسناد حمل‌ ثبت‌ شده مطابق‌ اما کسر تخلیه‌ بابت‌ وزن ناخالص‌ خروجی‌ حادث شده باشد؛ نیاز به‌ ارائه‌ تاییدیه‌ کتبی‌ دفتر مرکز واردات/ دفتر صادرات گمرك یا درج تاییدیه‌ بالاترین‌ مقام گمرکات اجرایی‌ یا قائم‌ مقام وي رفع‌ تعهد امکانپذیر است‌

****

عدم رعایت‌ مواعد تعیینی‌ و مقرر جهت‌ ارائه‌ اسناد حمل‌ و ارائه‌ پروانه‌ سبز گمرکی‌/ گواهی‌ ورود حاکی‌ از ترخیص‌ قطعی‌ کالا





مثال و نمونه‌

مهلت‌ ارائه‌ اسناد حمل‌ حواله‌هاي ارزي به‌ موجب‌ بخشنامه‌ شماره ٩٧.١٧٢١٠٤ مورخ ٩٧/٠٥/٢٠

الف‌)؛ براي واحدهاي تجاري ٦ ماه و واحدهاي تولیدي ٩ ماه از تاریخ‌ صدور حواله‌ ارزي؛

ب)؛ مهلت‌ ارائه‌ پروانه‌ گمرکی‌ ورود و ترخیص‌ قطعی‌ کالا بابت‌ اعتبارات / بروات اسنادي از تاریخ‌ واریز/ ظهرنویسی‌ اسناد حمل‌ (هر کدام اول باشد) و بابت‌ حواله‌هاي ارزي از تاریخ‌ صدور اعلامیه‌ تأمین‌ ارز حداکثر به‌ مدت ٣ ماه خواهد بود.

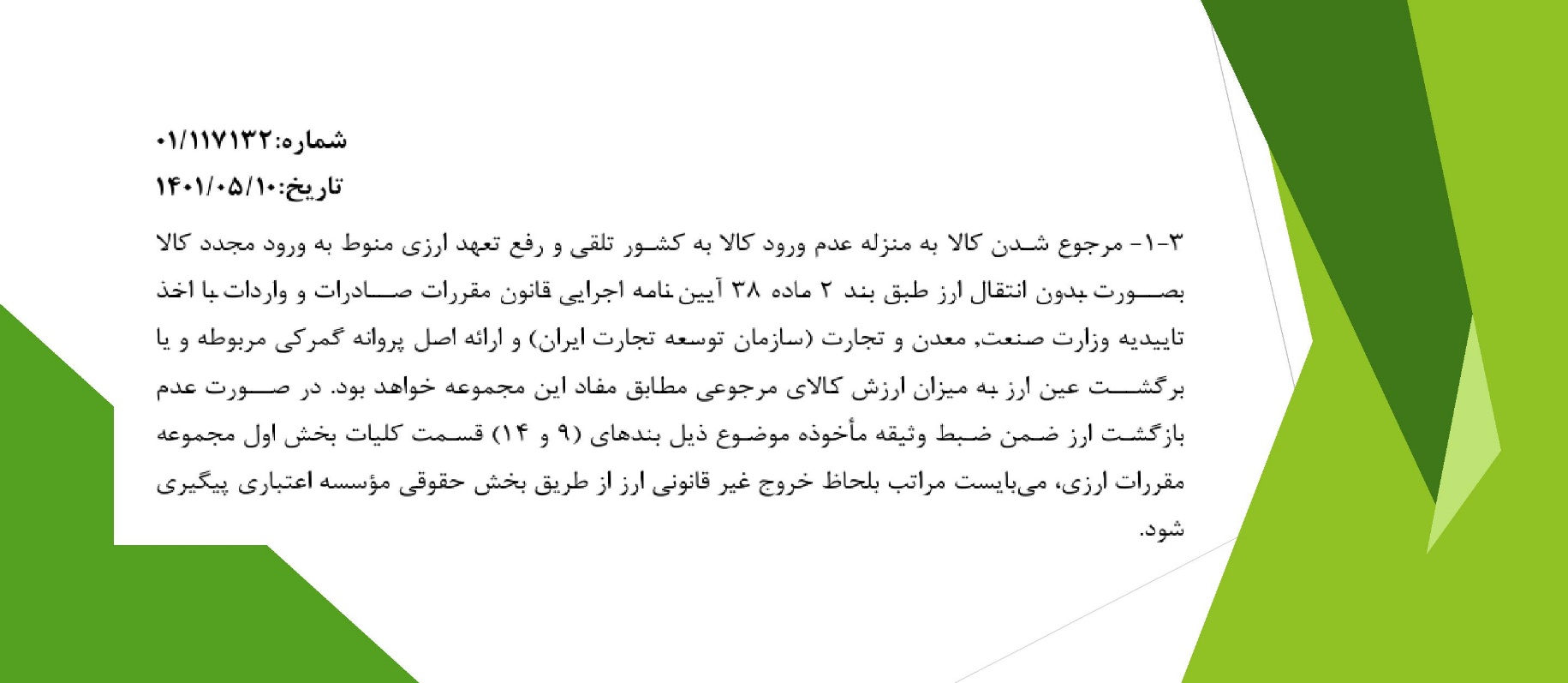
تمدید مهلت‌ ارائه‌ پروانه‌ گمرکی‌ ورود و ترخیص‌ قطعی‌ کالا بر طبق‌ بند ٢-٢ بخش‌ هفتم‌ مجموعه‌ مقررات ارزي در صورت ارائه‌ قبض‌ انبار و همچنین‌ گرفتن‌ تأیید گمرك موردنظر مبنی‌ بر احراز ورود کالا به‌ گمرك توسط‌ آن بانک‌، حداکثر به‌ مدت ٣ ماه با رعایت‌ سایر مقررات امکانپذیر است‌.

به‌ موجب‌ بخشنامه‌ شماره ٩٩/٢٧٥٠٣٦ مورخ ١٣٩٩/٨/٢٨ بانک‌ مرکزي؛

الف‌)؛ مهلت‌ ارائه‌ اسناد حمل‌ حواله‌هاي ارزي از تاریخ‌ صدور تا تاریخ‌ صدور اعلامیه‌ تأمین‌ ارز به‌ مدت حداکثر دو ماه

ب)؛ مهلت‌ ارائه‌ پروانه‌ گمرکی‌ ورود و ترخیص‌ قطعی‌ کالا بابت‌ اعتبارات بروات اسنادي تاریخ‌ واریز ظهرنویسی‌ اسناد حمل‌ هرکدام که‌ مقدم باشد و بابت‌ حواله‌هاي ارزي از تاریخ‌ صدور اعلامیه‌ تأمین‌ ارز حداکثر به‌ مدت ٤٥ روز خواهد بود.

* مرجوع شدن کالا که‌ خود به‌ منزله‌ عدم ورود کالا به‌ کشور تلقی‌ می‌ گردد
* منظور از کالاي مرجوعی‌ آن کالاي وارداتی‌ است‌ که‌اساساً پیش‌ از ترخیص‌ از گمرك براي ورود قطعی‌ یا موقت‌، به‌ هر دلیل‌، به‌ خارج از کشور اعاده داده می‌ شود. در حقیقت‌، کالاي مرجوعی‌ آن کالایی‌ است‌ که‌ به‌ مرزهاي کشور وارد شده باشد اما بنا به‌ دلایلی‌، چه‌ به‌ دلیل‌ مغایر بودن باقوانین‌ِ گمرکی ‌ِترخیص‌ِ کالا و چه‌انصرافِصاحب‌ِ کالا با دلایل‌ موجه‌، اجازه ورود به‌ داخل‌ را نیافته‌ و به‌ کشور صادر کننده پس‌ فرستاده شود. به‌ این‌ گونه‌ از کالاها، علاوه بر کالاي مرجوعی‌، عنوان کالاي متروکه‌ نیز اطلاق می‌ شود.
* برخی‌ از علل‌ کالاي مرجوعی‌ در گمرك: نداشتن‌ گواهی‌ استاندارد یا گواهی‌ بهداشت‌ کالا غیرمجاز بودن و ممنوع بودن واردات آن نداشتن‌ گواهی‌ قرنط‌ینه‌ گیاهی‌ براي برخی‌ کالاها تعویض‌ کالاي وارداتی‌ با کالایی‌ دیگر از کشور مبدا آسیب‌ دیده بودن کالاي وارداتی‌ و عودت آن به‌ شرکت‌ مبدا نمایشگاهی‌ بودن یک‌ کالا بصورت موقت‌ و اجبار در بازگرداندن آن به‌ مبدا متروکه‌ بودن کالا و عودت آن به‌ مبدا عدم تط‌بیق‌ کالا با اسناد و مدارك مربوط‌.



عدم پرداخت‌ مابه‌ التفاوت نرخ ارز

از جمله‌ مباحث‌ مهم‌ و چالش‌ برانگیز حقوق بانکی‌ مابه‌ التفاوت نرخ ارز است‌.

ملاك هاي اخذ مابه‌التفاوت از نظر بانک‌ مرکزي

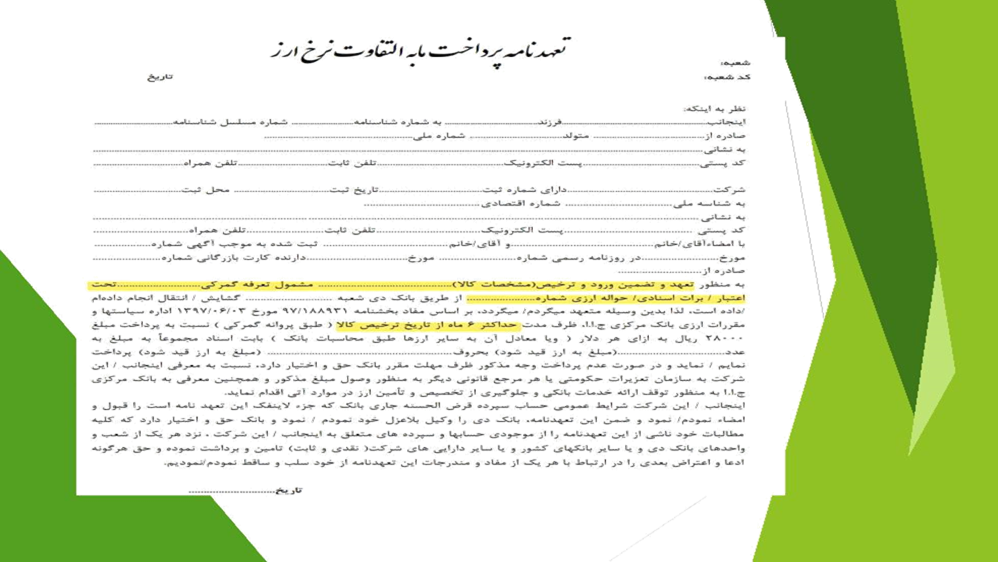
* تاریخ‌ ترخیص‌ کالا (به‌ طور مثال؛ در بخشنامه‌ ٩٨/٨٠٦٦١ مورخ ١٢/٠٣/٩٨ بانک‌ مرکزي آمده....اگر کالا قبل‌ از ٢٥/٠٢/١٣٩٨ ترخیص‌ شده باشد.....صدور تاییدیه‌ تسویه‌ حساب خطاب به‌ سازمانهاي ذیربط‌ منوط به‌ پرداخت‌ مابه‌ التفاوت مبلغ‌٠٠٠.٤٨ ریال به‌ ازاي هر دلار است‌)
* تاخیر در ارائه‌ اسناد حمل‌ کالا برابر مواعد اعلامی‌
* عدم رعایت‌ ضوابط‌ قانونی‌ قیمت‌ گذاري شده و عرضه‌ و فروش کالا در شبکه‌ غیررسمی‌ توزیع‌ و یا توزیع‌ دیرهنگام کالاي وارد شده
* تغییرگروه کالایی‌ یک‌ به‌ دو(به‌ طور مثال بخشنامه‌ شماره ١٦١٠٩٣/٩٨ مورخ ١٣/٠٥/٩٨ بانک‌ مرکزي؛ اگر گروه کالایی‌ از تاریخ‌ ١٨/٠٣/٩٨ از گروه یک‌ به‌ دو تغییر یافت‌ و تامین‌ ارز به‌ نرخ ٠٠٠.٤٢ ریال انجام پذیرفته‌ باشد؛ می‌ بایست‌ از متقاضی‌ تعهدنامه‌ پذیرش پرداخت‌ مابه‌ التفاوت اخذ گردد)

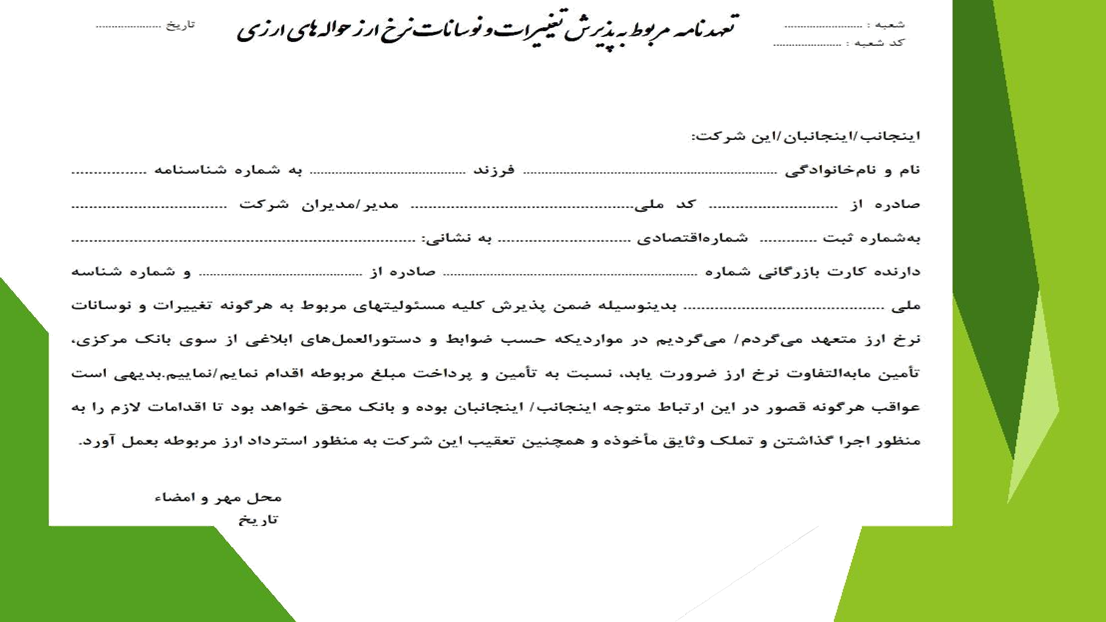
هیات وزیران و از طرفی‌ بانک‌ مرکزي هر یک‌ به‌ ترتیب‌ با صدور تصویب‌ نامه‌ ها و بخشنامه‌ ها بر مبناي عرضه‌ و تقاضاي بازار، مدیریت‌ بازار ارز شناور، شدت وحدّت تحریم‌ها، کمبود منابع‌ ارزي، زمان ترخیص‌ کالا، نوع کالا، نوع ارز تامین‌ شده و زمان ارائه‌ اسناد حمل‌؛ ملاك هاي متفاوتی‌ براي اخذ مابه‌التفاوت نرخ ارز پیش‌ بینی‌ نموده اند

تعهدنامه‌ پذیرش پرداخت‌ مابه‌ التفاوت نرخ ارز ( مجوز صدور اعلامیه‌ تامین‌ ارز)

**اصولاً این‌ تعهدنامه‌ در مواعد زیر از واردکننده اخذ می‌ گردد:**

در زمان مطالبه‌ خدمت‌ و ضمن‌ قرارداد اولیه‌(ضمن‌ شرط معتبري) در زمان تخصیص‌ ارز و تایید کد تخصیص‌ ارز(صدور گواهی‌ ثبت‌ آماري) در زمان ارائه‌ اسناد حمل‌ به‌ بانک‌ و ظهرنویسی‌ اسناد توسط‌ بانک‌ در زمان صدور اعلامیه‌ تامین‌ ارز توسط‌ بانک‌ عامل‌

****

****



متروکه‌ شدن کالا در گمرك

دلایل‌ متروکه‌ شدن کالا عبارتند از:

١- عدم ارائه‌ اسناد و مدارك لازم براي ترخیص‌ کالا به‌ طور کامل‌ (که‌ باید توسط‌ صاحب‌ کالا انجام شود) ٢- اقدامات لازم براي صدور مجوز واردات توسط‌ صاحب‌ کالا انجام نشده باشد.

3-صاحب‌ کالا مجوزهاي اداره بهداشت‌ یا استاندارد را براي ترخیص‌ کالا نداشته‌ باشد.

4- صاحب‌ کالا براي پرداخت‌ هزینه‌ ترخیص‌ کالا از گمرك مشکل‌ دارد.

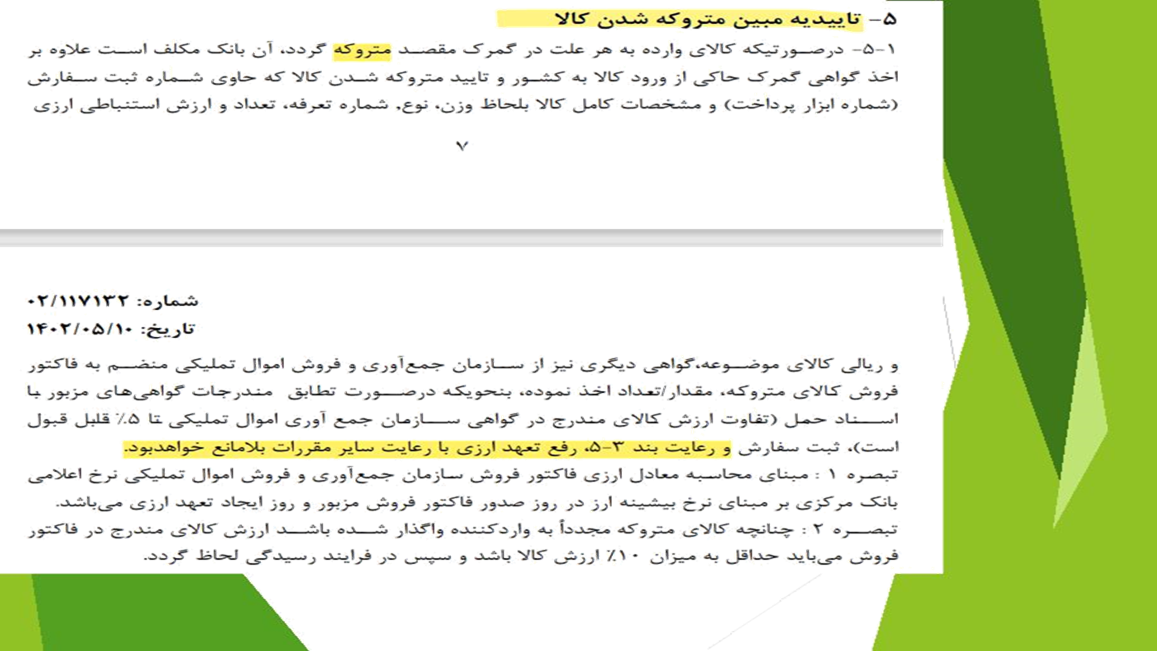
5- کمبود نقدینگی‌ صاحبان بار

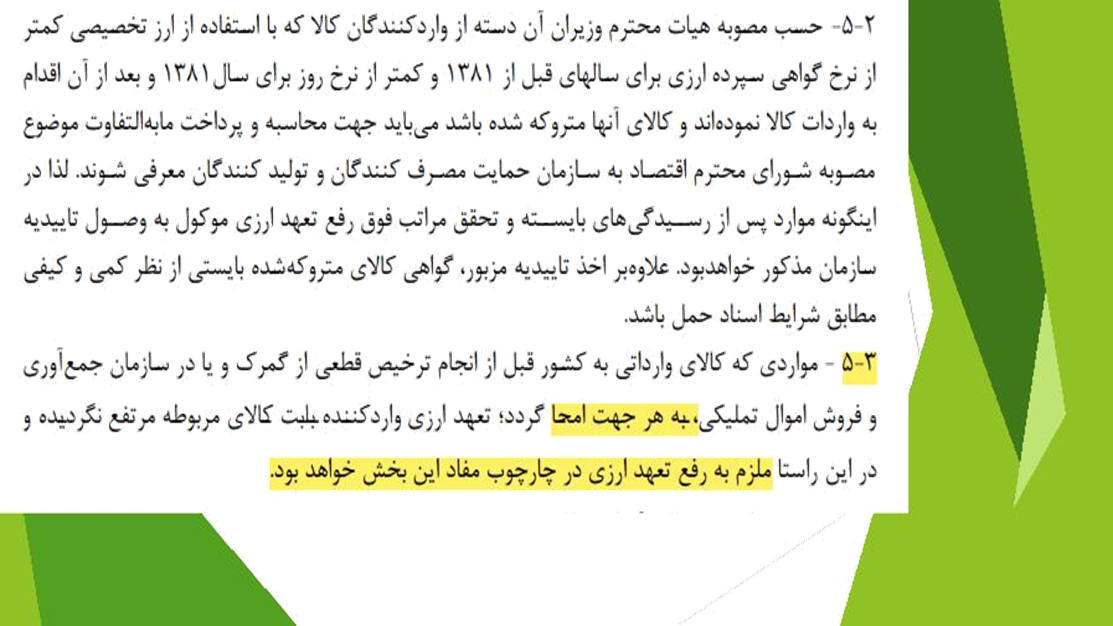
6- عدم ثبت‌ سفارش کالا و دریافت‌ مجوزهاي واردات

7- زمانبر بودن پروسه‌ ي دریافت‌ مجوز استاندارد و بهداشت‌

8- تاخیر در ارسال مدارك لازم براي ترخیص‌ کالا

براساس ماده ٢ قانون تاسیس‌ سازمان جمع‌ آوري و فروش اموال تملیکی‌ و اساسنامه‌ آن، »کلیه‌ اموال و حقوق مالی‌ که‌ تحت‌ توقیف‌ یا سرپرستی‌ یا مدیریت‌ دولتی‌ درآمده یا به‌ هر نحو به‌ تصرف دولت‌ درمی‌آید، طبق‌ این‌ قانون در اختیار سازمان قرار می‌گیرد تا در جمع‌ آوري و نگهداري و اداره آن اقدام کند و فروش این‌ قبیل‌ اموال منوط به‌ حکم‌ قضایی‌ یا قانون است‌.« اینکه‌ چه‌ کالاهایی‌ به‌ سازمان اموال تملیکی‌ براي مزایده و فروش سپرده می‌شود، در مادههاي ٢٤، ٣٣ و ٣٧ قانون امورگمرکی‌ باز شده است‌.





تعهد ارزي ناشی‌ از عدم ارائه‌ صورتحساب قطعی‌ انجام کار و ارائه‌ تاییدیه‌ کارفرما در بخش‌ خدمات

ارائه‌ پروانه‌ ورود موقت‌ جهت‌ تسویه‌ تعهد ارزي بجاي پروانه‌ گمرکی‌ قطعی‌ ورود کالا

چالش‌ ها و نکات مورد توجه‌ در پرونده هاي رفع‌ تعهدات ارزي در شعب‌ بدوي و تجدیدنظر ویژه

عدم ایفاي تعهد ارزي از جانب‌ شخص‌ حقوقی‌ ارتکاب قاچاق از جانب‌ شخص‌ حقوقی‌ محکومیت‌ به‌ استرداد عین‌ ارز در حق‌......

محکومیت‌ تضامنی‌ یا اشتراکی‌ استرداد عین‌ ارز به‌ مبلغ‌ ٧٤٩٤٠٠ یوآن چین‌ معادل ٥٨/١٥٦/٤٣٧/٦٠٠ ریال وجه‌ التزام تعیینی‌ براي واردکننده جهت‌ پروانه‌ ترخیص‌ قطعی‌ کالا و گواهی‌ گمرك در مواعد مقرره واخواهی‌ نسبت‌ به‌ آراي صادره در تعزیرات گواهی‌ مدلول سند گمرکی‌ توجه‌ به‌ خواسته‌ مطرح شده از جانب‌ بانک‌ اعلام کننده تخلف‌ فورس ماژور در پرونده هاي تعزیرات

صدور قرار موقوفی‌ تعقیب‌ بجاي قرار منع‌ تعقیب‌ صدور قرار اناطه‌ در شعب‌ تعزیرات آثار حکم‌ برائت‌ در تعزیرات بر رفع‌ تعهدات ارزي

قرار عدم صلاحیت‌ تعزیرات به‌ دادسراي عمومی‌ و انقلاب نقض‌ راي به‌ دلیل‌ ایراد سیستمی‌ بانک‌ در نظر گرفتن‌ مجازات تکمیلی‌

# پیوست

ماده۵۶ ـ )اصلاحی 10/11/1400( نهاد مأذون از سوی ولی فقیه با إذن معظم له و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی حسب مورد موظفند در خصوص کالاهای قاچاق پس از قطعیت رأی صادره به جز در مورد کالاهای سریع الفساد، سریع الاشتعال، احشام و طیور و یا کالاهایی که مرور زمان سبب ایجاد تغییرات کمی و کیفی در آنها می شود، به ترتیب زیر عمل کنند:

1- ظرف دو ماه از تاریخ صدور رأی قطعی با برگزاری مزایده کالاهای قاچاق را به شرط خروج از کشور تحت رویه گذر)ترانزیت( خارجی یا صادرات بفروشند. در صورت وجود شرایط تجدید یا لغو مزایده، مزایده مذکور صرفا یک مرتبه دیگر و تا قبل از انقضای مدت دو ماه برگزار می شود.

تبصره ۱- صادرات کالاهای موضوع این بند مشمول امتیازات، تخفیفها، معافیت ها، مشوقها و جوایز صادراتی نمی باشد.

تبصره ۲- خروج کالاهای غیرداخلی موضوع این بند، از کشور تحت رویه گذرترانزیت خارجی یا صادرات پس از تأیید سامانه ای خرید از سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی یا نهاد مأذون از سوی ولی فقیه با إذن معظم له، با رعایت تبصره بند «الف» ماده) 6( این قانون و استهلاک آن نیازمند ارائه اسناد منشأ کالا و سایر مجوزهای مربوط به گذر)ترانزیت( یا صادرات کالا نمی باشد.

تبصره ۳- در صورتی که کالاهای مذکور از نوع «کالای مشابه» قابل معامله در بورس کالا باشد، واگذاری این کالاها از طریق ساز و کارهای بورس کالا انجام میشود. در مورد کالاهای غیر مشابه، استفاده از سازوکار مذکور اختیاری است و کالاهای موضوع این بند تنها از طریق عرضه )رینگ( صادراتی بورس کالای ایران به فروش می رسد. در صورت عدم موافقت هیأت پذیرش یا کمیته عرضه با پذیرش کالا جهت عرضه در بازار بورس کالا یا به فروش نرفتن کالا پس از سه بار عرضه در بورس با رعایت ضوابط بورس از جمله تغییر نرخ پایه، نوبت به برگزاری مزایده به شرط خروج از کشور تحت رویه گذر)ترانزیت( خارجی یا صادرات می رسد که در این صورت مهلت برگزاری مزایده دو ماه از تاریخ اعلام قطعی عدم پذیرش کالا در بورس با اتمام فرآیند معامله یکجا است.

تبصره 4- در صورتی که کالاهای فروخته شده موضوع این بند در مهلت مقرر به صورت قطعی از کشور خارج نشود، مرتکب علاوه بر ضبط کالا مشمول مجازات مقرر در ماده) ۳۳ مکرر1( این قانون میشود.

۲- در صورت عدم فروش کالاها از طریق بورس کالا و مزایده موضوع بند)۱( این ماده توسط دستگاه متولی به شرط صادرات یا گذر)ترانزیت( خارجی ،کالاهایی که در بازار داخلی نیاز جدی در خصوص آنها وجود دارد و به تولید داخلی و تجارت خارجی لطمه وارد نمی سازد، ظرف دو ماه از تاریخ اتمام فرآیند مزایده به شرط خروج از کشور، از طریق حلقه )رینگ( داخلی بورس کالا با حفظ شرایط مندرج درتبصره) ۳( بند) ۱( این ماده به فروش می رسد. در صورت عدم فروش در بورس با رعایت کلیه شرایط تبصره) ۳( بند) ۱( این ماده صرفا از طریق حراج عمومی به صورت خرده فروشی برخط به فروش گذاشته میشود و در صورت به فروش نرفتن کالا ظرف سه ماه در حراج عمومی، حسب مورد با درخواست رئیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی یا نهاد مأذون از سوی ولی فقیه با إذن معظم له و «تأیید مراتب به فروش نرفتن کالا» از سوی سازمان بازرسی کل کشور، قیمت عرضه کالا در حراج عمومی هر ماه بیست درصد) ۲۰٪( کاهش می یابد. قیمت پایه در بورس بر اساس مقررات بورس و قیمت پایه اولیه در مزایده خارج از بورس براساس قیمت بازار عمده فروشی اعلامی توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت که کمتر از مجموع قیمت خرید کالا در مبدأ و هزینه بیمه و حمل و نقل )قیمت سیف( به علاوه حقوق ورودی نباشد، تعیین می شود.

تبصره ۱- دستورالعمل نحوه فروش از طریق حراج عمومی توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه میشود و ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

تبصره ۲- در فروش کالای موضوع تبصره) ۲( ماده) 53( این قانون نیز استفاده از روش حراج عمومی به صورت خرده فروشی برخط این بند بدون برگزاری مزایده امکان پذیر است.

تبصره ۳- فهرست کالاهایی که در بازار داخلی نیاز جدی به آنها وجود دارد و به تولید داخلی و تجارت خارجی لطمه وارد نمی سازد، حسب مورد به پیشنهاد وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به تصویب ستاد میرسد.

تبصره 4- چنانچه کالاهای موضوع تبصره) ۳( این بند، در چهارچوب وظایف و یا اختیارات قانونی، مورد تقاضای کمیته امداد امام خمینی )ره(، سازمان بهزیستی کشور، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور قرار گیرد، کالا به نهادهای مزبور تحویل و معادل ارزش آن از محل تخصیص بودجه پیش بینی شده در قانون بودجه کسر می شود.

تبصره ۵ - کالاهای با مصرف خاص که قابلیت فروش و استفاده عمومی ندارد و فهرست و اولویت واگذاری آن به تصویب هیأت وزیران می رسد، به دستگاهها یا نهادهایی که از بودجه عمومی استفاده می کنند، تحویل و معادل ارزش آن از محل تخصیص بودجه پیش بینی شده در قانون بودجه کسر می شود.

سایر کالاها از جمله کالاهای ممنوع امحاء می شود. آیین نامه اجرائی نحوه نگهداری و امحاءکالاهای موضوع این بند ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط ستاد با همکاری دستگاههای ذیربط تهیه میشود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

کالاهایی که براساس تعاریف قانونی توسط وزارت نفت، فرآورده نفتی شناخته شوند، تحویل این وزارت میشوند.

مسکوکات طلا و نقره و شمش طلا و جواهرات مکشوفه به بانک مرکزی تحویل می شوند.

اموالی که به تشخیص وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی دارای ارزش تاریخی و میراث فرهنگی باشند، تحویل این وزارت می شوند.

۷- کالاهای ممنوع الصدور، امنیتی، انتظامی و نظامی به دستگاهها و نهادهای ذی مدخل واگذار می شود و در این موارد رعایت ضوابط قانونی مربوط لازم است.

۸- کالای قاچاق خروجی چنانچه کالای داخلی باشد، در داخل کشور فروخته میشود .

تبصره ۱- مقررات مندرج در این ماده در خصوص کالاهای موضوع تبصره) 5( ماده) 53( این قانون اعمال نمی شود.

تبصره ۲- چنانچه مدعی مالکیت کالای توقیفی، نقشی در ارتکاب جرم یا تخلف نداشته باشد و جهل خود از وقوع جرم یا تخلف یا در صورت علم، عدم امکان مخالفت و اقدام بازدارنده خود را اثبات نماید و قبل از صدور رأی قطعی، اسناد مثبته تولید کالا در داخل کشور و یا اسناد مثبته گمرکی که قبل از توقیف کالا تحصیل شده است را به مرجع رسیدگی ارائه دهد، پس از احراز اصالت اسناد و مالکیت وی، در صورت فقدان مانع قانونی دیگر، کالا به مالک مسترد و معادل ارزش آن به جزای نقدی مرتکب افزوده می شود. در صورت لزوم، ارائه مجوزهای قانونی مورد نیاز برای فعالیت تجاری در زمینه کالای توقیفی نیز ضروری است. پس از صدور رأی قطعی، در صورت موجود بودن کالا در مرحله اجرای احکام، بررسی ادعای مالکیت، احراز شرایط و استرداد کالا و اصلاح رأی از حیث افزودن جزای نقدی با مرجع صادر کننده رأی قطعی طی رسیدگی خارج از نوبت است و در صورت موجود نبودن کالا، مدعی صرفا می تواند جبران ضرر و زیان وارده را مطابق قوانین و مقررات مسؤولیت مدنی از دادگاه حقوقی مطالبه کند. کالایی که قابلیت هیچگونه مصرفی ندارد و کالای ممنوع جز در مواردی که طبق قانون، مالکیت خصوصی آن مجاز شناخته شده است، از شمول این تبصره خارج است و حسب مورد مطابق مقررات مربوط تعیین تکلیف می شود.

تبصره ۳- کالای موضوع تبصره) 4( ماده) ۱۸( این قانون، پس از قطعیت رأی صادره مبنی بر ضبط، به شرح زیر تعیین تکلیف میشود:

الف- با رعایت ضوابط قانونی مربوط به فروش آن کالا در اسرع وقت و حداکثر ظرف چهار ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی لازم الاجراء، طی مزایده به فروش می رود. در صورت وجود شرایط جدید یا لغو مزایده، مزایده مجدد تا قبل از انقضای مدت چهار ماه برگزار می شود.

در صورتی که کالا سهمیه ای باشد، مزایده بند فوق به شرط «توزیع یا عرضه کالا در محل تخصیص سهمیه» است و تخلف از این شرط توسط خریدار ،مستوجب ضمانت اجرای مندرج در تبصره) 4( ماده) ۱۸( این قانون است. فهرست کالاهای سهمیه ای موضوع این بند ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط ستاد تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

پ- در صورت عدم فروش از طریق مزایده ظرف مهلت مقرر، کالا از طریق حراج عمومی موضوع بند) ۲( این ماده به فروش گذاشته می شود. قیمت پایه مطابق بند) ۲( همین ماده تعیین می شود.

در صورت عدم فروش از طریق حراج عمومی ظرف مهلت مقرر، مطابق تشریفات مربوط به کاهش قیمت در بند) ۲( این ماده، قیمت عرضه کالا در حراج عمومی هر ماه بیست درصد) ۲۰٪( کاهش می یابد .

ث - در خصوص کالاهای موضوع تبصره های) ۲( و) ۳( ماده) ۵۳( مطابق احکام مقرر در همان تبصره ها اقدام می شود.

تبصره 4- آیین نامه اجرائی مواد) ۵5( و) 56( این قانون ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط ستاد با همکاری دستگاههای ذی ربط تهیه میشود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

1. تبصره ۳ ماده 63 قانون مبارزه با قاچاق کالاوارز : چنانچه شخصی بدون دخالت در عملیات مادی، دستور یا سفارش ارتکاب جرائم یا تخلفات موضوع این قانون را داده باشد یا کالا یا ارز قاچاق یا عواید و سود حاصل از آن متعلق به وی باشد، به مجازات مباشر جرم یا تخلف ارتکابی محکوم میگردد . این مجازات مانع از اعمال مجازات مباشر(مباشر اصلی) نیست. [↑](#footnote-ref-1)
2. خرید کالای قاچاق جرم انگاری نشده است؛ چون خرید برای مصرف شخصی اصلا بزهانگاری نشده است و خرید تجاری نیز در کالای قاچاق عنوان خاص دارد)خرید بر خلاف ضواط که در حکم کالای قاچاق است(. در غیر کالای قاچاق نیز خرید تجاری عناوینی چون نگهداری و فروش دارد؛ چرا که فرد یا کالای قاچاق را در انیار ذخیره می کند که نگه داری است و یا می فروشد که جرم انگاری شده است . [↑](#footnote-ref-2)
3. لیکن برخی قضات دلسوز نسبت به معضل قاچاق از فرد تقاضای معرفی ید ماقبل از می کردند و اگر فرد عاجز از معرفی بود، خودش را بعنوان وارد کننده تلقی و مجازات می کردند؛ اما بسیاری به دلیل فقد ادله منع تعقیب صادر می کردند. [↑](#footnote-ref-3)
4. در این راستا ستاد مبارزه با قاچاق کالا وارز تشکیل شد و به دستور رهبری مرکز تصمیم گیری فرا قوه ای در مبارزه با قاچاق کالا و ارز است . [↑](#footnote-ref-4)
5. مصالح اقتصادی و بهبود تولید و کاهش هزینه های تجارت خارجی از مهمترین اهداف تاسیس مناطق آزاد اقتصادی است؛ لیکن در عمل این اهداف محقق نشده است. بیشتر محل ورود خودروهای لوکس، انبار کردن کالای خارجی وارداتی و تسهیل قاچاق شده است. [↑](#footnote-ref-5)
6. برای کنترل این مبادی گمرکی ملاحظات قانون نیز وجود دارد؛ اما در عمل چندان مورد توجه نیست . [↑](#footnote-ref-6)
7. همچنین کالاهایی که بدون انجام تشریفات گمرکی یا از مسیرهای غیرمجاز وارد کشور شود و در داخل کشور کشف گردد. [↑](#footnote-ref-7)
8. نظر استاد اجتهادی [↑](#footnote-ref-8)
9. منظور مشروبات الکلی خارجی است. [↑](#footnote-ref-9)
10. صرف ورود و خروج کالا از مرز بدون رعایت مقررات موضوعه. [↑](#footnote-ref-10)
11. )سومین قیدی که در تعریف قاچاق آورده شده است( [↑](#footnote-ref-11)
12. ماده 47 (اصلاحی 1400): شعبه رسیدگیکننده مکلف است جهت اتخاذ تصمیم درباره احراز قاچاق و یا حمل، نگهداری، عرضه یا فروش کالا یا ارز قاچاق نسبت به استعلام نظر کارشناسی مشورتی حسب مورد از سازمانهای مأمور وصول درآمدهای دولت نظیر گمرک و بانک مرکزی در مورد تعیین ارزش کالا یا ارز مکشوفه و بررسی اسناد ابرازی جهت انطباق و تعلق به کالای مکشوفه اقدام نماید. وقت رسیدگی به سازمانهای مذکور و متهم ابلاغ میشود. سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت موظف است ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعلام پاسخ آن را ارسال و نماینده حقوقی خود را نیز برای حضور در جلسه رسیدگی معرفی نماید. درهرصورت تشکیل جلسه رسیدگی منوط به حضور نماینده مذکور نیست. [↑](#footnote-ref-12)
13. ماده 53 )اصلاحی 1400( : دستگاههای کاشف و ضابطین موظفند کالاهای قاچاق مکشوفه و کلیه اموال منقول و غیرمنقول و وسایل نقلیه اعم از زمینی ،آبی و هوایی را که در اجرای این قانون، توقیف میشوند، بهاستثنای کالای ممنوع، همراه با رونوشت صورتجلسه کشف و توقیف و تشخیص اولیه ارزش کالا، بلافاصله پس از کشف، تحویل سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی نمایند. این سازمان اقدام به نگهداری کالا نموده و فروش، امحاء یا واگذاری اموال فوقالذکر منوط به صدور رأی قطعی است. هزینههای مربوطه اعم از انبارداری، بارگیری، انتقال و تخلیه بر عهده این سازمان میباشد . دولت مکلف است هرساله بودجه مستقلی در خصوص تأمین هزینه مدیریت تعیین تکلیف کالا برای این سازمان پیشبینی نماید. [↑](#footnote-ref-13)
14. ماده ۶۲- سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت مکلف است، فهرست ارزش کالاهای وارداتی را براساس نرخ برابری ارز اعلامی توسط بانک مرکزی به صورت سالانه در اختیار کلیه دستگاههای کاشف و ضابطین قضائی مرتبط برای تعیین ارزش اولیه قرار دهد. در صورتی که در طول سال در فهرست ارزش کالاهای وارداتی تغییرات عمدهای رخ دهد، توسط سازمان ذیربط اعلام میشود. [↑](#footnote-ref-14)
15. ماده ۵۱- در کلیه مواردی که شرایط و ضوابط دادرسی در این قانون پیشبینی نشده است، مطابق قانون آییندادرسی کیفری رفتار میشود. [↑](#footnote-ref-15)
16. تبصره ۱ )الحاقی 1400(- در تخلفات و جرائم موضوع این قانون ملاک تعیین میزان جریمه یا جزای نقدی یا ضبط کالا یا ارز یا وسیله حمل یا محل نگهداری یا اخذ معادل آنها، مجموع ارزش مربوط به دفعات متعدد ارتکاب جرم یا تخلف ارتکابی است که منتج به صدور رأی محکومیت قطعی نشده است.

    تبصره ۲ )الحاقی1400( -مجازات معاونت در جرائم و یا تخلفات موضوع این قانون، حسب مورد حداقل مجازات جرم و یا جریمه تخلف ارتکابی است.

    تبصره ۳ )الحاقی 1400(- چنانچه شخصی بدون دخالت در عملیات مادی، دستور یا سفارش ارتکاب جرائم یا تخلفات موضوع این قانون را داده باشد یا کالا یا ارز قاچاق یا عواید و سود حاصل از آن متعلق به وی باشد، به مجازات مباشر جرم یا تخلف ارتکابی محکوم میگردد. این مجازات مانع از اعمال مجازات مباشر نیست

    تبصره ۴ )الحاقی 1400(- چنانچه جرائم یا تخلفات موضوع این قانون بهتنهایی و یا با در نظر گرفتن دیگر جرائم یا تخلفات این قانون به نحو سازمانیافته ارتکاب یافته باشد، هر یک از اعضای گروه سازمانیافته به حداکثر مجازات مقرر برای رفتار ارتکابی خود محکوم میشوند. در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه میگردد. درصورتیکه قاچاق بهتنهایی، به نحو سازمانیافته ارتکاب یافته باشد، وفق مواد) ۲۸( و) ۲۹( این قانون عمل خواهد شد. [↑](#footnote-ref-16)
17. « رأی وحدترویه شماره 3067 - 1339/7/13 هیات عمومی دیوان عالی کشور: قسمت اخیر ماده 45قانون مجازات مرتکبین قاچاق ، هریک از اقدامات ذیل:1-خارج کردن اشیاء ممنوع الصدور 2-تسلیم آن به متصدی حمل ونقل ویا هرشخص دیگربرای خارج کردن 3-هرنوع اقدام دیگر برای خارج کردن طلا ازمملکت را به تنهایی،ارتکاب قاچاق اشیاء ممنوع الصدور دانسته است. علیهذا با احراز قصد متهم به خارج کردن طلا از مملکت ، هرگونه اقدامی که برای عملی کردن آن انجام داده باشد مشمول شق 3 از موارد سه گانه فوق الذکر بوده و بزه قاچاق طلا به طور کامل انجام یافته تلقی می گردد و حکم شعبه دوم دیوان عالی کشور دراین مورد که منطبق با موازین قانونی فوق الذکر می باشد، بطور صحیح صادرشده است». [↑](#footnote-ref-17)
18. ماده 1 قانون اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب 1369/09/19 : ارتکاب هریك از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب میشود و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم میشود:

    د( هرگونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروتهای ملی، اگرچه به خارج کردن آن نیانجامد، قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور در نظر گرفته شده است، مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط میگردد. [↑](#footnote-ref-18)
19. ماده 561- هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخیفرهنگی از کشور هرچند به خارج کردن آن نیانجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموالبه حبس از یك تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دوبرابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم میگردد. [↑](#footnote-ref-19)
20. ماده 125 قانون مجازات اسلامی - هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یك به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریك در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. [↑](#footnote-ref-20)
21. ماده 126مجازات اسلامی - اشخاص زیر معاون جرم محسوب میشوند:

    الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریك به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

    ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارایه دهد.

    پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

    تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است.

    چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیفتر محکوم میشود [↑](#footnote-ref-21)
22. تبصره ۲ ماده 63 )الحاقی1400( - مجازات معاونت در جرائم و یا تخلفات موضوع این قانون، حسب مورد حداقل مجازات جرم و یا جریمه تخلف ارتکابی است. [↑](#footnote-ref-22)
23. تبصره ۳ ماده 63 )الحاقی 1400(- چنانچه شخصی بدون دخالت در عملیات مادی، دستور یا سفارش ارتکاب جرائم یا تخلفات موضوع این قانون را داده باشد یا کالا یا ارز قاچاق یا عواید و سود حاصل از آن متعلق به وی باشد، به مجازات مباشر جرم یا تخلف ارتکابی محکوم میگردد. این مجازاتمانع از اعمال مجازات مباشر نیست. [↑](#footnote-ref-23)
24. ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری - متن زیر به ماده) ۷۲۸( قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ الحاق میشود: ... مصادیق خاص قانوني که در آنها براي شروع به جرم و معاونت در جرمِ مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است و ماده )۶۶۶( کتاب پنجم قانون مجازاتاسلامی)تعزیرات و مجازاتهاي بازدارنده( مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ و تبصره آن نسخ میگردد. [↑](#footnote-ref-24)
25. ماده ۷۱- جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست و مجازاتهای حبس و شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه، حرفهای و سازمان یافته موضوع این قانون نیز قابل تعلیق نمیباشد.)معاذیر قانونی( [↑](#footnote-ref-25)
26. ماده 442- در تمام محکومیت های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکومٌ علیه می تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یك چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند. این حکم دادگاه قطعی است. [↑](#footnote-ref-26)
27. ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی )تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده(

    )اصلاحی ۱۳۸۷/۲۲/۸ )هرکس مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار) ۷۴( ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی)تجاری( کالای یاد شده محکوم میشود. [↑](#footnote-ref-27)
28. ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی )تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده(اصلاحی ۱۳۸۷/۸/۲۲)- وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب میگردد و واردکننده صرف نظر از میزان آن به شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتادوچهار)۷۴( ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی)تجاری( کالای یادشده محکوم میشود. رسیدگی به این جرم در صلاحیت محاکم عمومی است.

    تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۸۷/۸/۲۲)- درخصوص مواد) ۷۰۲( و) ۷۰۳(، هرگاه مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از بیست لیتر باشد، وسایلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار میگیرد چنانچه با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد در غیر این صورت مرتکب به پرداخت معادل قیمت وسیله نقلیه نیز محکوم خواهد شد. آلات و ادواتی که جهت ساخت یا تسهیل ارتکاب جرائم موضوع مواد مذکور مورد استفاده قرار میگیرد و وجوه حاصله از معاملات مربوط به نفع دولت ضبط خواهد شد.

    تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۸۷/۸/۲۲)- هرگاه کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و شرکتها یا موسسات وابسته به دولت، شوراها، شهرداریها یا نهادهای انقلاب اسلامی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین اعضاء نیروهای مسلح و ماموران به خدمات عمومی در جرائم موضوع مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ مباشرت ،معاونت یا مشارکت نمایند علاوه بر تحمل مجازاتهای مقرر، به انفصال موقت از یک سال تا پنج سال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد. [↑](#footnote-ref-28)
29. ماده ۲)الحاقی(- علاوه بر مصادیقی که در قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ و اصلاحات بعدی آن ذکر شده است.

    ز- سایر مصادیق قاچاق به موجب قوانین دیگر(مثل قانون امور گمرکی) [↑](#footnote-ref-29)
30. ماده ۷۸- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ با اصلاحات بعدی، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون راجع به جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایط نقلیه موتوری دریایی مصوب ۱۳۳۶/۸/۹، مواد ۳۵ و ۳۶ قانون تأسیس سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی مصوب ۲۴/۱۰/۱۳۷۰ ، ماده(۶۲) [↑](#footnote-ref-30)
31. ماده ۵۳اصلاحی- دستگاههای کاشف و ضابطین موظفند کالاهای قاچاق مکشوفه و کلیه اموال منقول و غیرمنقول و وسایل نقلیه اعم از زمینی، آبی و هوایی را که در اجرای این قانون، توقیف میشوند ،**بهاستثنای کالای ممنوع**، همراه با رونوشت صورتجلسه کشف و توقیف و تشخیص اولیه ارزش کالا، بلافاصله پس از کشف، تحویل سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی نمایند. این سازمان اقدام به نگهداری کالا نموده و فروش، امحاء یا واگذاری اموال فوقالذکر منوط به صدور رأی قطعی است. هزینههای مربوطه اعم از انبارداری، بارگیری، انتقال و تخلیه بر عهده این سازمان میباشد . دولت مکلف است هرساله بودجه مستقلی در خصوص تأمین هزینه مدیریت تعیین تکلیف کالا برای این سازمان پیشبینی نماید [↑](#footnote-ref-31)
32. ماده ۵۱ ـ در کلیه مواردی که شرایط و ضوابط دادرسی در این قانون پیش بینی نشده است، مطابق قانون آئین دادرسی کیفری رفتار میشود. [↑](#footnote-ref-32)
33. تبصره ماده 189ق.آ.دک: تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیر قانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم میشود.

    [↑](#footnote-ref-33)
34. ماده 63 ـ در خصوص پرونده هاي با ارزش بیشتر از ده میلیارد) 000 /000 /000 /10( ریال، سازمان یافته، حرفه اي، بند «ت» ماده 22 و یا ماده 35 این قانون و تبصره هاي آن، اعمال احکام مواد 180 و 237 قانون آیین دادرسي کیفري جایز است. [↑](#footnote-ref-34)
35. ماده 47ـ شعبه رسیدگي کننده مکلف است جهت اتخاذ تصمیم درباره احراز قاچاق و یا حمل، نگهداري، عرضه یا فروش کالا یا ارز قاچاق نسبت به استعلام نظر کارشناسي مشورتي حسب مورد از سازمان هاي مأمور وصول درآمدهاي دولت نظیر گمرك و بانك مرکزي در مورد تعیین ارزش کالا یا ارز مکشوفه و بررسي اسناد ابرازي جهت انطباق و تعلق به کالاي مکشوفه اقدام نماید. وقت رسیدگي به سازمان هاي مذکور و متهم ابلاغ مي شود. سازمان مأمور وصول درآمدهاي دولت موظف است ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعلام، پاسخ آن را ارسال و نماینده حقوقي خود را نیز [↑](#footnote-ref-35)
36. براي حضور در جلسه رسیدگي معرفي نماید. درهر صورت تشکیل جلسه رسیدگي منوط به حضور نماینده مذکور نیست .

    تبصره 1ـ ارزش کالاهاي ممنوع به موجب فهرست هاي قیمت گذاري سالانه ستاد تصویب و ابتداي هر سال ابلاغ مي گردد .

    تبصره 2ـ مرجع تشخیص ایراني یا خارجي بودن کالاي مکشوفه حسب مورد یکي از وزارتخانه هاي صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزي یا بهداشت ،درمان و آموزش پزشکي یا سازمان ملي استاندارد ایران است. این مراجع با درخواست شعبه رسیدگي کننده و بررسي مشخصات کالا مانند محل تولید و واحد تولید کننده، نسبت به اعلام نظریه کارشناسي مشورتي، به نحو مستدل اقدام مي­نماید. مقام رسیدگي کننده در صورت عدم پذیرش نظریه هاي کارشناسي مشورتي مذکور در این تبصره و ماده، به طور مستدل آن را رد و تصمیم مقتضي اتخاذ مي کند. آیین نامه مربوط به اجراي این تبصره و تعیین مصادیق کالاي مربوط به دستگاههاي فوق و نحوه پذیرش و اعتراض به نظرات موضوع این تبصره، یك ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون توسط ستاد تدوین و پس از تصویب هیأت وزیران، ابلاغ مي گردد. تبصره 3 ـ کارشناسي موضوع این ماده و تبصره هاي آن قابل ارجاع به «کارشناس رسمي دادگستري» نیست.

    مهم اقناع وجدانی قاضی است و این نظریه ها طریقیت دارد. [↑](#footnote-ref-36)
37. **کالای موضوع قاچاق مطابق ماده یک دستورالعمل تبصره) ۴( الحاقی ماده) ۱۸( قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز چنین تعریف شده است: « ماده ۱- کالای موض وع قاچاق، کالای تولید داخل یا وارداتی است که خلاف مقررات و تشریفات قانونی از کشور خارج یا به قصد خروج از کشور، خرید، فروش، حمل یا نگهداری شود. مصادیق کالاهای قاچاق مطابق ماده) ۳( این دستورالعمل تعیین میشود».** [↑](#footnote-ref-37)
38. ماده 47 – (اصلاحی 10/11/1400) شعبه رسیدگی کننده مکلف است جهت اتخاذ تصمیم درباره احراز قاچاق و یا حمل، نگهداری، عرضه یا فروش کالا یا ارز قاچاق نسبت به استعلام نظر کارشناسی مشورتی حسب مورد از سازمانهای مأمور وصول درآمدهای دولت نظیر گمرک و بانک مرکزی در مورد تعیین ارزش کالا یا ارز مکشوفه و بررسی اسناد ابرازی جهت انطباق و تعلق به کالای مکشوفه اقدام نماید. وقت رسیدگی به سازمانهای مذکور و متهم ابلاغ می شود. سازمان مأمور وصول درآمدهای دولت موظف است ظرف ده روز از تاریخ دریافت استعلام، پاسخ آن را ارسال و نماینده حقوقی خود را نیز برای حضور در جلسه رسیدگی معرفی نماید. در هر صورت تشکیل جلسه رسیدگی منوط به حضور نماینده مذکور نیست.

    تبصره ۱- ....

    تبصره ۲- (الحاقی 10/11/1400) مرجع تشخیص ایرانی یا خارجی بودن کالای مکشوفه حسب مورد یکی از وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا سازمان ملی استاندارد ایران است. این مراجع با درخواست شعبه رسیدگی کننده و بررسی مشخصات کالا مانند محل تولید و واحد تولیدکننده، نسبت به اعلام نظریه کارشناسی مشورتی، به نحو مستدل اقدام می نماید. مقام رسیدگی کننده در صورت عدم پذیرش نظریه های کارشناسی مشورتی مذکور در این تبصره و ماده ، به طور مستدل آن را رد و تصمیم مقتضی اتخاذ می کند. آیین نامه مربوط به اجرای این تبصره و تعیین مصادیق کالای مربوط به دستگاههای فوق و نحوه پذیرش و اعتراض به نظرات موضوع این تبصره یک ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون توسط ستاد تدوین و پس از تصویب هیأت وزیران، ابلاغ می گردد .

    تبصره ۳- (الحاقی 10/11/1400) کارشناسی موضوع این ماده و تبصره های آن قابل ارجاع به «کارشناس رسمی دادگستری» نیست. [↑](#footnote-ref-38)
39. ماده 45- هر کدام از شعب دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامي، تعزیرات حکومتي و شعب تجدیدنظر آنها ظرف یك ماه از زمان تحویل پرونده باید رسیدگي و رأي نهائي را صادر کنند، مگر مواردي که حسب نوع جرم یا تخلف و علل دیگر، تکمیل شدن تحقیقات نیاز به زمان بیشتر داشته باشد که در این صورت حسب مورد مرجع رسیدگي کننده موظف است علت تأخیر را به صورت مکتوب به مقام مافوق گزارش دهد. عدم ارسال این گزارش موجب محکومیت انتظامي تا درجه سه مي گردد. [↑](#footnote-ref-39)
40. مثلا فرد اعاده دادرسی در خواست می کند و رای تغییر می کند. در اینجا دولت نباید ضرر کند؛ بلکه به قیمت روز فروش پرداخت می کند . [↑](#footnote-ref-40)
41. ماده 50 مکرر3ـ در صورتي که رئیس قوه قضائیه رأي قطعي صادره از شعب ویژه رسیدگي به قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتي را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسي، پرونده را به دیوان عالي کشور ارسال تا در شعبي خاص که توسط رئیس قوه قضائیه براي این امر تخصیص مي یابد رسیدگي و رأي قطعي صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأي قطعي قبلي را نقض و رسیدگي مجدد اعم از شکلي و ماهوي به عمل مي آورند و رأي مقتضي صادر مي نمایند.

    ماده 50- آراء شعب بدوي تعزیرات در مورد قاچاق کالا و ارز که ارزش آنها کمتر از بیست میلیون) 000 /000 /20( ریال باشد، قطعي است. در سایر موارد آراء شعب ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ با درخواست محکومُ علیه قابل تجدیدنظر خواهي است.

    تبصره 1- جهات تجدیدنظر خواهي در شعب تعزیرات حکومتي مطابق قانون آئین دادرسي کیفري است.

    تبصره 2- آراء صادره از شعب تعزیرات حکومتي در مورد پرونده هاي قاچاق کالا و ارز قابل اعتراض در دیوان عدالت اداري و سایر مراجع قضائي نیست.

    تبصره 3- آراء صادره از شعب بدوي تعزیرات حکومتي و دادگاه انقلاب در صورتي که مبني بر برائت متهم باشد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ و پس از درخواست دادستان یا دستگاه مأمور وصول درآمدهاي دولت یا ستاد و یا عنداللزوم دستگاه کاشف، قابل تجدیدنظر خواهي است. پرونده حسب مورد از سوي رئیس سازمان تعزیرات حکومتي یا رئیس کل دادگستري استان براي رسیدگي مجدد به یکي از شعب تجدیدنظر مربوطه ارجاع مي شود. رأي شعبه تجدیدنظر قطعي و لازم الاجراء است. [↑](#footnote-ref-41)
42. ماده ۴۲ (اصلاحی 1400)- در صورت دلالت قرائن و امارات قوی بر وجود کالا و یا ارز قاچاق، ضابطین میتوانند پس از کسب مجوز بازرسی از مرجع صالح رسیدگیکننده به انبارها و اماکن و مستغلات محل اختفاء یا نگهداری کالا و یا ارز قاچاق وارد شوند و حتیالمقدور با حضور صاحب محل نسبت به بازرسی محل و کشف قاچاق اقدام نمایند و حسب مورد جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع دهند.

    تبصره ۱- تنظیم صورتجلسه بازرسی محل با ذکر جزئیات امر مانند ساعت بازرسی، افراد حاضر و مشخصات کالا و یا ارز قاچاق مکشوفه الزامی است. [↑](#footnote-ref-42)
43. نکته قانون گذار بر عدم نیاز به ارسال پرونده به دیوان و ارسال مستقیم است؛ نه آنکه اصلا نیازی به صدور قرار عدم صلاحیت نیست.)چنانکه برخی چنین نظر داده اند(. [↑](#footnote-ref-43)
44. ماده 11- قوه قضائیه و سازمان تعزیرات حکومتي حسب مورد، موظفند به منظور تسریع در رسیدگي به پرونده ها و پیشگیري از ارتکاب جرم قاچاق کالا و ارز اقدامات زیر را به عمل آورند:

    الف- اختصاص شعب ویژه جهت رسیدگي به جرائم قاچاق کالا و ارز توسط رئیس قوه قضائیه

    ب- اختصاص شعب بدوي و تجدید نظر ویژه رسیدگي به تخلفات قاچاق کالا و ارز متشکل از افراد حائز شرایط استخدام قضات مطابق آئین نامه مصوب هیأت وزیران توسط سازمان تعزیرات حکومتي [↑](#footnote-ref-44)
45. 1. ماده ۴۶- در کلیه مواردی که سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی است شعب تعزیرات حکومتی همان اختیار مراجع قضائی در رسیدگی به پروندههای مزبور را دارند جز در مواردی که در این قانون به ضرورتِ أخذ دستور مقام قضائی تصریح شده است.

    تبصره ۱- اعضای شعب ویژه رسیدگی به پروندههای قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی به جز در موارد اثبات سوءنیت یا ارتکاب اعمالی که در قانون جرم است، در رابطه با ایفای وظایف قانونی در آراء صادره تحت تعقیب قضائی قرار نمیگیرند.

    تبصره ۲- به کلیه اتهامات رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی که در مقام رسیدگی به پروندههای قاچاق کالا و ارز مرتکب میشوند در دادسرا و دادگاههای مرکز رسیدگی میشود.)منظور مرکز کشور )تهران( به استناد رای وحدت رویه است(. [↑](#footnote-ref-45)
46. راجع به خودروی حامل کالای قاچاق اگر ممنوعه باشد، خودرو نیز ضبط می شود؛ اما اگر غیر ممنوعه باشد، ارزش خودرو بعنوان جریمه برای فرد تعیین می شود. بنابراین اصل خودرو ضبط نمی شود. در ماده 20 قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز آمده است: « ماده ۲۰)اصلاحی(- وسایل نقلیه مورد استفاده در حمل کالا یا ارز قاچاق موضوع ماده) ۱۸( این قانون اعم از آبی، زمینی و هوایی توقیف و علاوه بر مجازاتهای مقرر در ماده مذکور، معادل ارزش وسیله نقلیه به جریمه نقدی حامل اضافه میشود. اگر ارزش وسیله نقلیه بیش از ارزش کالا یا ارز قاچاق باشد، به جای معادل ارزش وسیله نقلیه، معادل ارزش کالا یا ارز قاچاق به جریمه نقدی حامل اضافه میشود. اعمال مجازات موضوع این ماده و تبصره) ۳( آن، در صورتی است که راننده و حامل عالماً و عامداً مرتکب حمل کالا یا ارز قاچاق شده باشد و همچنین امکان مخالفت با انجام آن را داشته باشد.

    تبصره ۱(اصلاحی)- درصورتیکه محکومعلیه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه اجرای احکام، جریمه نقدی مورد حکم موضوع این قانون را نپردازد ،وسیله نقلیه ضبط و جریمه نقدی از محل فروش وسیله نقلیه برداشت و مابقی به مالک مسترد میشود.

    تبصره ۲(اصلاحی)- چنانچه متهم پس از توقیف خودروی موضوع این ماده، وثیقه نقدی معادل حداکثر جزای نقدی این قانون را تودیع نماید، از وسیله نقلیه رفع توقیف میشود.

    تبصره ۳(اصلاحی)- درصورتیکه وسیله نقلیه متعلق به شخصی غیر از مرتکب حمل کالا یا ارز قاچاق باشد و از قرائنی از قبیل سابقه مرتکب یا جاسازی ثابت شود با علم و اطلاع مالک وسیله نقلیه برای ارتکاب حمل کالا یا ارز قاچاق در اختیار حامل قرار گرفته است یا مالک پس از علم و اطلاع و داشتن امکان اقدام بازدارنده به عمل نیاورده باشد، مالک به عنوان معاون در حمل محسوب و جریمه نقدی موضوع این ماده به جریمه نقدی مالک نیز اضافه میشود.

    تبصره ۴(اصلاحی)- درصورتیکه وسیله نقلیه بلاصاحب، مجهولالمالک یا صاحب آن به دلیل ارتکاب حمل کالا یا ارز قاچاق متواری باشد، عین وسیله [↑](#footnote-ref-46)
47. ماده ۳۶- دستگاههاي زیر در حدود وظایف محوله قانوني، کاشف در امر قاچاق محسوب مي شوند:

    الف - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکي ب - وزارت جهاد کشاورزي پ - گمرك جمهوري اسلامي ایران در محدوده اماکن گمرکي ت - سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان ث - سازمان حفاظت محیط زیست ج - سازمان میراث فرهنگي، گردشگري و صنایع دستي چ - بانك مرکزي جمهوري اسلامي ایران ح - شرکت ملي پخش فرآورده هاي نفتي ایران خ - شرکت سهامي شیلات ایران د - شرکت دخانیات ایران.

    تبصره- ضابطین نیز در حدود وظایف محوله قانوني خود کاشف محسوب مي شوند. [↑](#footnote-ref-47)
48. ماده ۲۱ )اصلاحی 1400(- درصورتیکه ارزش کالای قاچاق و یا ارز مکشوفه موضوع ماده) ۱۸( این قانون، برابر تشخیص اولیه دستگاه کاشف معادل پنجاه میلیون ریال یا کمتر باشد با قید در صورتجلسه کشف به امضای متهم میرسد و در صورت استنکاف، مراتب در صورتجلسه کشف قید و حسب مورد، کالا ضبط و به همراه صورتجلسه به سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی تحویل میشود و ارز مکشوفه به حساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و رونوشتی از اوراق به متهم ابلاغ میگردد

    تبصره ۱- صاحب کالا و یا ارز میتواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ در اداره تعزیرات حکومتی شهرستان محل کشف به این تصمیم اعتراض نماید. تا تعیین تکلیف قطعی قاچاق از سوی سازمان تعزیرات حکومتی، باید عین کالا نگهداری شود .

    تبصره ۲- مرتکب قاچاق موضوع این ماده در صورت تکرار برای مرتبه سوم و بالاتر علاوه بر ضبط کالا ویا ارز به جریمه نقدی موضوع ماده) ۱۸( این قانون محکوم میگردد.

    تبصره 3 - به کشفیات موضوع این ماده وجهی تحت عنوان حق الکشف یا پاداش تعلق نمیگیرد.

    ماده ۲۱ (اصلاحی 1400)- درصورتیکه ارزش کالای قاچاق و یا ارز مکشوفه موضوع ماده) ۱۸( این قانون، برابر تشخیص اولیه دستگاه کاشف معادل پنجاه میلیون ریال یا کمتر باشد با قید در صورتجلسه کشف به امضای متهم میرسد و در صورت استنکاف، مراتب در صورتجلسه کشف قید و حسب مورد، کالا ضبط و به همراه صورتجلسه به سازمان جمعآوری و فروش اموال تملیکی تحویل میشود و ارز مکشوفه به حساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و رونوشتی از اوراق به متهم ابلاغ میگردد.

    تبصره ۱- صاحب کالا و یا ارز میتواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ در اداره تعزیرات حکومتی شهرستان محل کشف به این تصمیم اعتراض نماید. تا تعیین تکلیف قطعی قاچاق از سوی سازمان تعزیرات حکومتی، باید عین کالا نگهداری شود .

    تبصره ۲- مرتکب قاچاق موضوع این ماده در صورت تکرار برای مرتبه سوم و بالاتر علاوه بر ضبط کالا ویا ارز به جریمه نقدی موضوع ماده) ۱۸( این قانون محکوم میگردد.

    تبصره 3 - به کشفیات موضوع این ماده وجهی تحت عنوان حق الکشف یا پاداش تعلق نمیگیرد. [↑](#footnote-ref-48)
49. سایر عناوین چون سازمانیافته بودن راجع به نگهداری، حمل، فروش یا در معرض فروش قرار دادن متصور است؛ اما تا قبل10/02/1401 از منظر قانون اتصاف به چنین عناوینی تاثیری از حیث قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ندارد.)گرچه طبق قواعد عمومی شاید بتوان وجهی برای تشدید یافت( [↑](#footnote-ref-49)
50. طبق تفسیر هیئت عمومی دیوان عالی کشور از دو ماده 44 و تبصره 2 ماده 41 ، آن را صرفاً در رابطه با قاچاق دانست، چرا که ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالاوارز بیان قاچاق را دارد. یا تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالاوارز دررابطه با صدور قرار وثیقه برای کالای قاچاق می باشد و شامل نگهداری یا حمل مشروبات یا ماهواره نمیشود، اما طبق تبصره ۵ ماده ۶۳ قانون یادشده با اینکه این موارد کالای قاچاق محسوب نمیشوند، اما رسیدگی به این جرایم نیز در صلاحیت دادگاه انقلاب می باشد. [↑](#footnote-ref-50)
51. جایگاه طرح این مبحث هم ذیل بررسی احکام کالاهای ممنوعه است و هم ذیل مباحث مربوط به تبصره5 ماده63؛ بنابراین هر دو جا جهت تکمیل مباحث ذکر شد . [↑](#footnote-ref-51)
52. این اطلاق اگرچه بیرحمانه است؛ لیکن نص قانون است و ما ملزم به رعایت آن هستیم. [↑](#footnote-ref-52)
53. تبصره ۴ ماده 18 : خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاهایی که موضوع قاچاق قرار میگیرند بهصورت تجاری مانند فرآوردههای نفتی و دارویی خارج از ضوابط تعیینی دولت تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالای مزبور حسب مورد به حداقل جریمه نقدی مقرر در این ماده محکوم میشود .

    دولت مکلف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ لازمالاجراءشدن این قانون دستورالعمل مورد نیاز را تصویب نماید. [↑](#footnote-ref-53)
54. ماده ۲۷ (اصلاحی 1400)- هر شخص که اقدام به واردات یا صادرات دارو، مکملها، ملزومات و تجهیزات پزشکی و قطعات آنها، مواد و فرآوردههای خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و یا مواد اولیه کلیه اقلام مذکور بدون انجام تشریفات قانونی نماید و یا مبادرت به ساخت کالاهای مذکور بدون رعایت تشریفات یا مقررات مربوط نماید به مجازات کالاهای قاچاق به شرح زیر محکوم میشود. این مجازات مانع از پرداخت دیه و خسارتهای وارده نیست. حکم این ماده شامل اقدام به واردات، صادرات و یا تولید جهت انجام تحقیقات علمی و مصارف آزمایشگاهی دانشگاهها و مؤسسات علمی، آموزشی و یا پژوهشی با اخذ مجوزهای لازم از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در حدود متعارف آن و نیز شامل مصارف شخصی و غیر تجاری در حدود متعارف آن نمیشود.

    الف- درصورتیکه کالای مکشوفه شامل اقلام دارویی، فرآوردههای زیستی )بیولوژیک( ،مکملها، ملزومات و تجهیزات پزشکی و قطعات آنها و یا مواد اولیه این اقلام باشد، عمل مرتکب مشمول مجازات قاچاق کالاهای ممنوع موضوع ماده) ۲۲( این قانون میباشد.

    ب- درصورتیکه کالای مکشوفه شامل مواد و فرآوردههای خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و یا مواد اولیه اقلام مذکور باشد، مرجع رسیدگیکننده مکلف است نسبت به استعلام مجوز مصرف انسانی کالاهای مذکور اقدام کند و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است ظرف ده روز [↑](#footnote-ref-54)
55. ماده ۲۶- صید، عمل آوری، تهیه، عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور خاویار و ماهیان خاویاری که میزان و مصادیق آن توسط سازمان شیلات تعیین میشود، بدون مجوز این سازمان مشمول مجازات قاچاق کالای ممنوع است». [↑](#footnote-ref-55)
56. ماده ۲۵- هرکس بدون أخذ مجوز قانونی از سازمان حفاظت محیط زیست و عدم رعایت سایر ترتیبات پیشبینی شده در قوانین و مقررات به صدور حیوانات وحشی عادی، در معرض نابودی و کمیاب، انواع موجودات آبزی، پرندگان شکاری و غیرشکاری اعم از بومی یا مهاجر وحشی به طور زنده یا غیرزنده و نیز اجزای این حیوانات مبادرت کند، یا در حین صدور و خارج نمودن دستگیر شود، هر چند عمل او منجر به خروج موارد مذکور از کشور نشود، به مجازات قاچاق کالای ممنوع محکوم می گردد.تعیین مصادیق این حیوانات بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست است. [↑](#footnote-ref-56)
57. تبصره ۱ ماده 60 - در مورد احکام صادره از شعب تعزیرات حکومتی پرونده جهت صدور حکم مبنی بر تبدیل جزای نقدی به حبس به شعبه یا شعبی از دادگاههای حوزه قضائی مربوطه که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین میشود ارجاع میگردد تا ظرف ده روز نسبت به مورد، اقدام مقتضی معمول نمایند. [↑](#footnote-ref-57)
58. تخلف از سایر ضوابط ارزی که شورای پول و اعتبار در حدود اختیارات قانونی تعیین کرده است و فاقد وصف مجرمانه بوده و در این قانون یا سایر قوانین ضمانت اجرائی برای آن ذکر نشده است به شرط احراز علم و عمد در مراجع ذیصلاح با استناد به قرائن و امارات موجود، صرفاً تخلف محسوب و مرتکب به جریمه نقدی معادل یکچهارم موضوع تخلف و دو یا چند مورد از محرومیتهای موضوع ماده) ۶۹( این قانون محکوم میشود. وارد کردن ،خارج کردن و یا اقدام به خارج کردن وجه رایج ایران، بدون رعایت ضوابط تعیینی شورای پول و اعتبار که در حدود اختیارات قانونی این شورا تعیین شده است، به شرط احراز علم و عمد در مراجع ذیصلاح با استناد به قرائن و امارات موجود، نیز مشمول جریمه تخلف اخیر میشود. [↑](#footnote-ref-58)
59. ماده ۶۹- مرجع رسیدگی کننده ذیصلاح حسب مورد میتواند با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب، علاوه بر مجازاتهای مقرر در این قانون، وی را به عنوان تکمیل مجازات، به یک یا چندمورد مرتبط از محرومیتهای زیر محکوم نماید:

    الف- تعلیق موقت یا ابطال دائم:

    ۱- کارت بازرگانی

    ۲- کارت مبادلات مرزی

    ۳- کارت ملوانی

    ۴- پروانه کسب، تأسیس، بهرهبرداری یا حقالعملکاری

    ۵- پروانه حمل و نقل [↑](#footnote-ref-59)
60. رای وحدت رویه شماره ۷۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور

    نظر به اینکه حمل چوب و هیزم و ذغال حاصل از درختان جنگلی به شرحی که در ماده ۴۸ قانون حفاظت و بهرهبرداری از جنگلها و مراتع آمده ممنوع است، و با عنایت به اینکه قانون مجازات مرتکبان قاچاق که ماده مذکور مجازات مرتکبان عمل را به آن احاله کرده است طبق ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب 1392 نسخ شده است، بنابراین با توجه به مقررات ماده ۱۸ آن قانون، عمل ارتکابی تخلف محسوب میشود و رسیدگی به آن طبق ماده ۴۴ قانون مذکور در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. [↑](#footnote-ref-60)
61. ماده ۲۱ـ )اصلاحی 10/11/1400( در صورتی که ارزش کالای قاچاق و یا ارز مکشوفه موضوع ماده) ۱۸( این قانون، برابر تشخیص اولیه دستگاه کاشف معادل پنجاه میلیون) ۵۰,۰۰۰,۰۰۰( ریال یا کمتر باشد با قید در صورتجلسه کشف به امضای متهم می رسد و در صورت استنکاف، مراتب در صورتجلسه کشف قید و حسب مورد، کالا ضبط و به همراه صورتجلسه به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی تحویل میشود و ارز مکشوفه به حساب مشخص شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و رونوشتی از اوراق به متهم ابلاغ می گردد. [↑](#footnote-ref-61)
62. ماده۴۳ـ در پرونده هایی که صاحب کالا و ارز قاچاق شناسایی نشده و یا متواری است، ضابطین موظفند با اخذ دستور از مرجع ذیصلاح و با همکاری تمامی نهادهای ذیربط، بلافاصله به شناسایی مالک اقدام کنند و در صورت عدم حصول نتیجه ظرف یکماه از تاریخ وصول پرونده به مراجع ذیصلاح ، [↑](#footnote-ref-62)
63. مرجع رسیدگی صالح باید به صورت غیابی رسیدگی و مطابق مقررات این قانون رأی مقتضی را صادر نماید .

    تبصره ۱ـ در رسیدگی غیابی به پرونده های قاچاق مکشوفه بلاصاحب، صاحب متواری و یا مجهول المالک، ضبط کالای قاچاق مکشوفه مانع رسیدگی به جرائم مالک کالا نیست.

    تبصره۲ـ در صورتیکه کالای قاچاق مکشوفه بلاصاحب، صاحب متواری و یا مجهولالمالک باشد، کالای مزبور عیناً به ستاد مأذون از سوی ولیفقیه تحویل یا حسب درخواست رسمی نهاد مزبور به فروش رسیده و وجه آن به حساب آن نهاد واریز میشود. [↑](#footnote-ref-63)
64. ماده 148 ق آ د ک - بازپرس در صورت صدور قرار منع، موقوفی یا ترک تعقیب باید درباره استرداد و یا معدوم کردن اشیاء و اموال مکشوفه که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده، از جرم تحصیل شده، حین ارتکاب استعمال شده و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین تکلیف کند. در مورد ضبط این اموال یا اشیاء دادگاه تکلیف آنها را تعیین میکند.

    بازپرس مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر، دستور رد اموال و اشیای مذکور را صادر کند:

    الف - وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

    ب - اشیاء و اموال بلامعارض باشد.

    پ – از اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم شود.

    تبصره 1- در تمام امور کیفری، دادگاه نیز باید ضمن صدور رأی، نسبت به استرداد، ضبط و یا معدوم کردن اشیاء و اموال موضوع این ماده تعیین تکلیف کند. [↑](#footnote-ref-64)
65. ماده 22 ق م ق : .... تبصره۲ـ وجوه حاصل از قاچاق کالای ممنوع، ضبط میشود.

    تبصره۳ـ آلات و ادواتی که جهت ساخت کالای ممنوع به منظور قاچاق یا تسهیل ارتکاب قاچاق کالای ممنوع مورد استفاده قرار میگیرد، ضبط میشود .

    مواردی که استفادهکننده مالک نبوده و مالک عامداً آن را در اختیار مرتکب قرار نداده باشد، مشمول حکم این تبصره نمیباشد. [↑](#footnote-ref-65)
66. ماده 529 ق آ د ک - هرکس به موجب حکم قطعی دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد، اموال وی به وسیله مرجع اجرای حکم، شناسایی، توقیف و با رعایت مقررات راجع به مستثنیات دین از محل فروش آنها نسبت به اجرای حکم اقدام می شود. در صورت فقدان مال یا عدم شناسایی آن، مرجع اجرای حکم میتواند با توقیف بخشی از حقوق طبق قانون اجرای احکام مدنی و یا تمام یا بخشی از سایر درآمدهای محکومٌ علیه برای وصول جزای نقدی اقدام مقتضی بهعمل آورد. در صورت تقاضای تقسیط از جانب محکومٌ علیه و احراز قدرت وی به پرداخت اقساط، دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء میشود می تواند با أخذ تضمین مناسب امر به تقسیط نماید. [↑](#footnote-ref-66)
67. ماده۴۸ ق.مبارزه با قاچاق ـ در پروندههای قاچاق کالای ممنوع، سازمان یافته، حرفه ای و یا پروندههایی که ارزش "کالا یا ارز قاچاق )اصلاحی

    10/11/1400(" مکشوفه بیش از یکصد میلیون ریال است، مرجع رسیدگی مکلف است نسبت به صدور دستور شناسایی و توقیف اموال متعلق به متهم در حدود جزای نقدی احتمالی از طرق مقتضی، از جمله استعلام از ادارات ثبت اسناد و املاک، مخابرات، بانکها و سازمان بورس و اوراق بهادار، اقدام نماید. مراجع طرف استعلام نیز موظفند ظرف پنج روز پاسخ لازم را به مرجع رسیدگی اعلام کنند. [↑](#footnote-ref-67)
68. ماده۶۷ ـ اگر قاچاق توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد، مرجع صدور حکم نسبت به ضبط کالا و یا ارز قاچاق مکشوفه اقدام میکند و شخص حقوقی ،علاوه بر محکومیت به جزای نقدی، حسب مورد به دو تا چهار برابر حداکثر جریمه مقرر برای شخص حقیقی، بهترتیب زیر محکوم میشود:

    الف ـ در مورد قاچاق کالای غیرممنوع و ارز در مرتبه اول ممانعت از فعالیت شخص حقوقی از یک تا دو سال و در مرتبه دوم انحلال شخص حقوقی ب ـ در مورد قاچاق کالای ممنوع و یا سازمان یافته، انحلال شخص حقوقی

    تبصره ۱ـ ... تبصره۲ـ چنانچه شخص حقوقی، وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی باشد، مرجع رسیدگیکننده، کارکنان و مدیران مرتکب قاچاق را علاوه بر مجازاتهای مربوط حسب مورد به محرومیت یا انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و عمومی غیردولتی محکوم مینماید . [↑](#footnote-ref-68)
69. بند- ر-ماده2: هر گونه اقدام به خارج کردن کالا از کشور، برخلاف تشریفات قانوني به شرط احراز در مراجع ذي صلاح با استناد به قرائن و امارات موجود». [↑](#footnote-ref-69)